



وزارت معارف

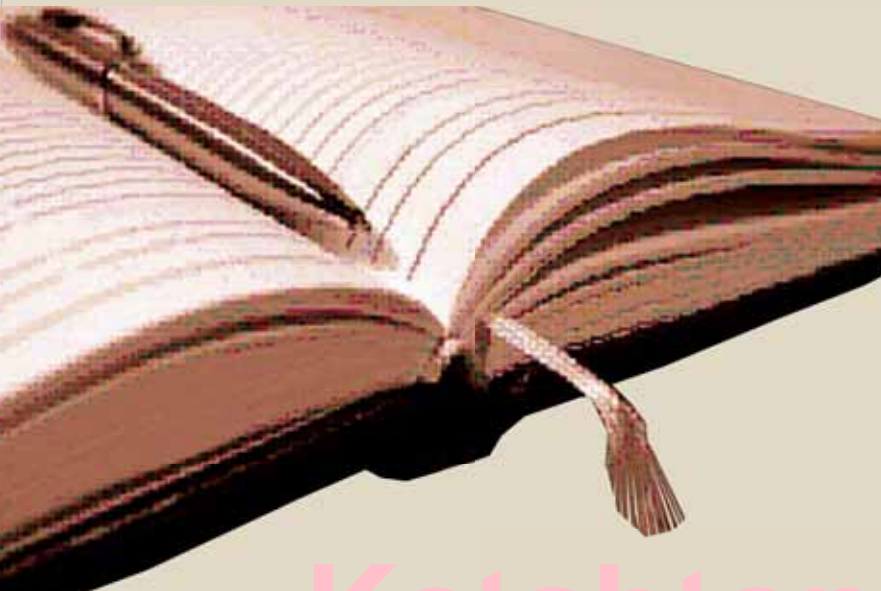
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیة معلم و
مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و
تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هشتم

زبان دوم

دری صنف هشتم زبان دوم



سا. چا : ۱۳۹۰ هـ. ش

Ketabton.com

ه خرید و
ن برخوردار



وزارت معارف
معیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیة
معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف هشتم
زبان دوم

سال چاپ: ۱۳۹۰ ه. ش.
الف

مؤلفان: فرزانه شریف متخصص زبان و ادبیات دری.
معاون مؤلف مریم منزه عضو علمی دیپارتمنت دری.

ادیتور علمی و مسلکی: پوهندوی عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دری.
ادیتور زبانی: الحاج محمد عظیم صادقیار عضو دیپارتمنت دری.

کمیټهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی:

- مولوی عبدالصبور عربی.
- دکتور محمد یوسف نیازی
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

کمیټهٔ نظارت:

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و مرکز ساینس.
- دکتور شیرعلی ظریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.
- معاون سر مؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: عنایت الله غفاری و میرمحمدسهیل انصاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سرود ملی

دا وطن افغانستان دی دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د توري هر بچی پي قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو د نرگمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي هم ایماق، هم پشه بان
دا هیواد به تل ځلپړي لکه لمر پر شنه اسمان
په سینه کي د آسیا به لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر وایو الله اکبر وایو الله اکبر



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیام وزیر معارف معلمان و شاگردان عزیز،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعه هر کشور را تشکیل می دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیه می باشد که مطابق انکشافات علمی معاصر و نیازمندی های جامعه وضع می گردد، و واضح است که انکشافات علمی و نیازمندی های جامعه همواره در حال تطوّر می باشد؛ بناً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق انکشاف نماید. البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتابی که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، موضوعات علمی مفید در آن اضافه شده، فعال نگه داشتن شاگردان در عملیه تدریس جزء پلان تدریس گردیده است.

امیدوارم تدریس این کتاب با استفاده از روش های آموزش فعال مطابق رهنمود ها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گیرد، و اولیای شاگردان نیز در تعلیم و تربیه با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای شاگردان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی مسؤلیت خود را صادقانه ادا می نمایند. وزارت معارف همواره تلاش می نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیار های علمی، با در نظر داشت نیازمندی های مبوم جامعه ما انکشاف نماید. در این عرصه از تمام شخصیت های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیه کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود بیشتر تألیف کتب درسی یاری نمایند.

از همه دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشور های دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می نمایم.

و من الله التوفیق
فاروق وردگ

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست



صفحه	عنوان	شماره درس
۱	حمد	درس اول
۵	نعت	درس دوم
۹	نقش زبان دری در تکامل فرهنگ منطقه	درس سوم
۱۵	نخستین مکتب دختران در کشور	درس چهارم
۱۹	لطیفه	درس پنجم
۲۳	علم	درس ششم
۲۹	مادر	درس هفتم

۳۳	ماشین چاپ	درس هشتم
۳۹	ابو علی سینا	درس نهم
۴۵	فولکلور (فرهنگ مردم)	درس دهم
۴۹	وحدت ملی	درس یازدهم
۵۳	حقوق زن در جامعه	درس دوازدهم
۵۷	شهد یا غسل	درس سیزدهم
۶۱	صوفی عشق‌ری	درس چهاردهم
۶۷	رعایت حفظ الصحة محیطی	درس پانزدهم
۷۱	نامه نگاری	درس شانزدهم
۷۵	ورزش و صحت	درس هفدهم
۷۹	خرد	درس هژدهم
۸۳	صنایع دستی	درس نوزدهم
۸۷	لیلا صراحت روشنی	درس بیستم
۹۳	ضررهای چرس	درس بیست و یکم
۹۷	صلح و امنیت	درس بیست و دوم
۱۰۳	امیر علی شبر نوایی	درس بیست و سوم
۱۰۹	منار جام	درس بیست و چهارم
۱۱۵	ادیسین مخترع ناهمار جهان	درس بیست و پنجم
۱۲۱	لاله آزاد	درس بیست و ششم
۱۲۹	داستان کوتاه (دختر کوچی)	درس بیست و هفتم
۱۳۳	اسراف	درس بیست و هشتم
۱۳۹		واژه نامه



درس اول

حمد



شاگردان عزیز،

شاعران و نویسندگان زبان دری همواره سروده‌ها و نوشته‌های خود را با نام پروردگار جهان آغاز کرده‌اند. بزرگی و بخشاینده‌گی او را ستوده‌اند. بر پایه‌ی این شیوه‌ی پسندیده بهترین سرآغاز هر نوشته‌ی عنوانی است در ستایش خداوند (ج) جان و خرد و در هیچ گنجی گشوده نمی‌شود؛ مگر آن که وصف یگانه‌گی آفریدگار هستی کلید آن باشد.

برتر از سیر و جستجوی همه
شاهد جلویی جمال تو اند
در دل ذره بی نهان کردی
نبرد ره به حکمتش ز قیاس
خرد ژرف بین، دل آگاه
مانده از حکمت تو حیران تر
وی به نور ظهور خود مستور
نی به اقرار کس ترا برهان
نگشاید زبان به (الا الله)
مالک الملک و کبرای تو
من چه آرم سزای این درگاه
خاک چون ره برد به چرخ بلند
فعل من درخور رضای تو نیست

تو مرا شاد کن که شاه منی

پرده پوش من و پناه منی

خلیل الله خلیلی

ای فراتر ز گفتگوی همه
از دل ذره تا سپهر بلند
آنچه پیدا در آسمان کردی
علم گردون نورد ذره شناس
در کمال تو پر شکسته به راه
هر که در راه تست پویان تر
ای نهان گشته در کمال ظهور
نی ز انکار کس ترا نقصان
گر یکی هم درین کهن درگاه
باز هم بر همه خدا ای تو
ای که از عجز من تو ای آگاه
که کنم حضرت ترا خرسند
لب من لایق ثنای تو نیست

استاد خلیل الله خلیلی یکی از شاعران چیره دست معاصر افغانستان است، پدرش میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک بود. خلیلی در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. در باغ شهر آرای کابل به دنیا آمد. از او آثار زیادی به جا مانده است، که بسیاری از آنها چاپ شده است. اشعار وی بیشتر بیانگر اوضاع اجتماعی و سیاسی عصرش می باشد.

قواعد دستوری



شاگردان عزیز، قبل از این که به قواعد دستوری صنف هشتم بپردازیم، بهتر خواهد بود تا موضوعات دستوری را که در صنف هفتم آموختید به یاد آورید که آشنایی با کلمه های مستقل و نا مستقل، اسم، صفت، عدد، ضمیر و نشانه های نگارشی بود. اکنون با تفصیل از موارد جدید بخش دستوری معلومات حاصل می نمایید.

کلمه: واحد ساختمانی زبان بوده، مفهوم مستقل را ارائه می کند، کلمه ها از لحاظ ساختمان به دو نوع اند: مستقل و نامستقل.

کلمه های مستقل کلمه هایی را گویند، که معنای مستقل و واحد را افاده کنند؛ مانند: گروه اسم، فعل، قید که در این مثالها کلمه های مستقل؛ عبارتند از: زن، معلم، گل، قلم و کلمه های نامستقل کلمه هایی اند؛ که به تنهایی دارای معنی نبوده و در پیوند با کلمه های دیگر معنای جدیدی را به وجود می آورند و شامل وندها، پیشینه ها، پسینه، عطف و ربط و نشانه های اصوات می باشند؛ مانند: او، بر، هم، در و غیره....

خلاصه درس



حمديه يي را نه خوانديده، دران تنا و ستايش خداوند (ج) با زبان شيوايي بيان گرديده و از نعمت ها، قدرت و عظمت خداوند (ج) ياد آوري شده است.

کلمه واحد ساختمانی زبان بوده مفهوم مستقل را ارائه می کند. کلمه ها از لحاظ ساختمان دو نوع اند: مستقل و نا مستقل

فعالیت ها



بشنو و بگو

- پرسشهای زیر را دقیق شنیدم، پاسخ مناسب ارائه کنید.
- ۱. شعری را که خواندید از کی بود؟

۲. کلمه را تعریف نموده و از انواع آن نام ببرید؟
 ۳. کلمه مستقل از کلمه ناممستقل چه تفاوت دارد؟
 ۴. شعری را که خواندید چه محتوی داشت؟
- الف :** ستایش خداوند (حج)
- ب :** وصف حضرت محمد (ص)
- ج :** توصیف حضرت عثمان (رض)
- گفت و شنود**

- شاگردان در مورد مفهوم اساسی متن، در گروهها مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه بحث خود را در صنف برای دیگران بیان نماید.
- یک تن از شاگردان بیتی از شعر را خوانده معنای آن را از شاگرد دومی بپرسد.
- چند شاگرد به نوبت، در مورد نشانه های قدرت و عظمت خداوند (حج) برای سه دقیقه صحبت کنند

بخوان و بنویس

- شعر را با آواز بلند بخوانید و معنای آن را بگویید.
- جاهای خالی مصراع های شعر را با پندل خانه پری نمایید.
- ای فراتر ز گفتگوی همه همه
 ذره تا سپهر بلند جلویی جمال
 از واژه های فراتر، سپهر، گردون، جمال، مستور جمله ها ساخته روی تخته بنویسید.
- یک شاگرد ابیات زیر را به نوبت به دیگران املا بگوید و آنها روی تخته بنویسند.
 آنچه پیدا در آسمان کردی در دل ذره یی نهان کردی
 علم گردون نورد ذره شناس نبرد ره به حکمتت زقیاس
 لب من لایق ثنای تو نیست فعل من در خور رضای تو نیست



- در مورد قدرت، بزرگی و جلال خداوند (حج) مقاله یی بنویسید و در آن کلمه های مستقل و نامستقل را نشان دهید.



درس دوم

نعت



آغاز هر کار خیر با ثنا و ستایش خداوند (ج) ذات پاک و آفریدگار عالم
و با یاد و درود بر سرور کاینات حضرت محمد (ص) صورت می گیرد.
ما با هدایات قرآن و پیروی پیامبر (ص) سعادت دنیا و آخرت را نصیب
می شویم و می توانیم که رضایت خداوند (ج) را حاصل نماییم.
شعری را که در اوصاف حضرت پیامبر (ص) سروده می شود به چه نام
یاد می کنند؟

محمد مهتدای آل آدم
مء افلاک یعنی چشم بینش
سراج امت و منهاج ملت
شه بی خاتم و سلطان بی تاج
چراغ چشم را چشم و چراغ اوست
دل او کاتب وحی الهی
که پیش از وحی در عالم امین بود
که صد عالم و رای عقل و جان است
و گر آید ترا پذیرفته آید
چنین نقلی نگفت الامن و بس
شیخ عطار

محمد مقتدای هر دو عالم
محمد افتاب آفرینش
چراغ معرفت شمع نبوت
امین ابیا برهان و منهاج
غرض از هفت قصر وهشت باغ اوست
زبانش ترجمان پادشاهی
امانت دار رب العالمین بود
چه گوئیم چون صفات توچنان است
ندانم تا ثناییت گفته آید
تو میدانی که از گوینده گان کس



شعری را که خواندید، در قالب مثنوی سروده شده است.

۱. مثنوی: شعری را گویند که بر یک وزن سروده شده باشد؛ اما هر بیت آن قافیه مستقل را داراست. یعنی مصراع های هر بیت هم قافیه است. چون هر بیت آن مستلزم دو قافیه می باشد، به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم در آوردن تواریخ، قصص و افسانه های طولانی استفاده می شود.

۲. شیخ فرید الدین محمد عطار نیشاپوری از صوفیان مشهور قرن هفتم هجری و از جمله نوایع عرفان و ادب زبان دری است. وفات او در ۶۱۸ هـ.ق. در قتل عام نیشاپور به دست افراد مغل، واقع شده است.



کلمه‌های مترادف:

در درس گذشته خواندید که کلمه‌ها از نظر ساختمان به دو دسته مستقل و نامستقل تقسیم شده است. کلمه‌های مستقل به نوبه خود از لحاظ شکل به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کلمه‌های مترادف، متضاد و متمثابه، که هر کدام آن را به طور جداگانه می‌خوانیم و با آنها آشنا می‌شویم. هرگاه دو کلمه در ظاهر مختلف؛ ولی از لحاظ معنی یکی باشند، آن را مترادف گویند؛ مانند: عطا و بخشش، عظمت و بزرگی. سعادت و نیکبختی....

خلاصه درس



نعنی را که خواندید شیخ فرید الدین عطار در اوصاف حضرت محمد (ص) با زیبایی خاص سروده است. پیغمبر پیش از بعثت لقب امین را داشت و در سوره تکویر لقب امین تأیید شده است: «مَطَاعٌ تَمَّ امِّينٌ» او برگزیده حق بود که معراج را خداوند(ج) بر وی ارزانی داشت.

کلمه‌های مترادف کلمه‌هایی را گویند که در ظاهر تفاوت داشته؛ ولی از لحاظ معنی یکی باشند؛ مانند: عطا و بخشش، عظمت و بزرگی....

نماینده‌ها



بشنو و بگو

- پرستش‌ها را با دقت بشنوید و پاسخ مناسب ارائه نمایید:
- ۱. شعری را که در اوصاف پیغمبر خواندید، به نام چه یاد می‌کنند؟
- ۲. کلمه‌های مترادف چگونه کلماتی را گویند؟ با مثال بیان کنید.
- ۳. این بیت چه مفهوم را می‌رساند؟

چراغ معرفت شمع نبوت سراج امت و منهج ملت گفت و شنود

- شاگردان در مورد مفهوم اساسی متن، در گروه های خود مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه بحث را در صنف به دیگران بیان نمایند.
 - شاگردی در مورد معجزه های حضرت محمد (ص) از شاگرد دیگر پرسد.
 - یک تن از شاگردان در مورد شیخ فرید الدین عطار از شاگرد دومی تپرسد.
- دقت کرده جواب دهید:**

- شعری را که خواندید درباره که بود؟
 - الف:** ابوبکر صدیق (رض)
 - ب:** حضرت عمر (رض)
 - ج:** حضرت محمد (ص)
- نعنی را که خواندید از کدام شاعر عارف است؟
- الف:** مولانا جلال الدین محمد بلخی
- ب:** شیخ فرید الدین عطار
- ج:** سنایی غزنوی

بخوان و بنویس

- جاهای خالی مصراع های شعر را با پنسل خانه پری نمایید:
محمد هر دو عالم
غرض از هفت اوست
کلمه های مترادف را در جملات زیر نشان دهید:
* ۱- انجام دادن عمل نیک باعث سعادت و نیکبختی انسان می گردد.
۲- عظمت و بزرگی یکی از صفات خداوند (ج) است.
۳- برای این که در زنده گی موفق باشید، صداقت و راستی را پیشه کنید.
* نعنی را که خواندید معنی کنید.
* واژه های مقتدا، افلاک، منهج، برهان، سراج و رب العالمین را روی تخته املا بنویسید.

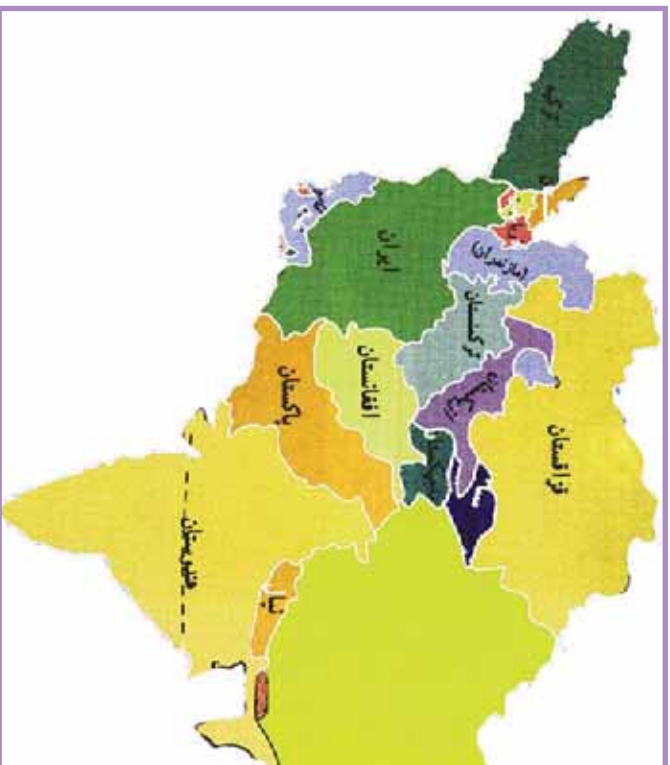


- شاگردان مفهوم بیت زیر را در پنج سطر بنویسند.
امین انبیا برهان و منهج شہ بی خاتم و سلطان بی تاج



درس سوم

نقش زبان دوی در تکامل فرهنگ منطقه



آگاه ساختن شاگردان از نقش زبان دوی در منطقه و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است.

شاعران زبان دوی همواره با سرودن هنرمندانه حمد و نعت آثار شان را متبرک گردانیده اند. مولانا جلال الدین بلخی، بیدل، نظامی گنجیه بی، اقبال لاهوری شاعران کدام زبان بودند؟

زبان دری یکی از زبانهای کهن است، که بیشتر از هزار و یکصد سال تا کنون در سرزمینهای آسیا از کرانه‌های بحیره سیاه تا چین و از کوه‌های اورال تا سواحل بحر هند، کشورهای گوناگونی را در بر گرفته و مردم و ملل این کشورها را به هم پیوند داده است. این زبان دارای ادبیات بسیار غنی و کهنی بوده که در طی چندین سده تغییر چندانی نکرده است. هنوز هم خواننده‌ی دری زبان محتوای سرودها و نگاشته‌های دلکش ابو عبدالله رودکی سمرقندی، ابو شکور بلخی، رابعه بلخی، نثر تاریخ بلعمی و مقدمه‌ی منثور شهنامه‌ی ابو منصور را بدون مراجعه به کتب لغت به درستی در می‌یابد.

در ایجاد و تدوین هزاران اثر ادبی، علمی، فلسفی، تاریخی و هنری به این زبان، ترکیها، کردها، پشتونها، بنگالیها، پنجابیها و سایر ملت‌های آسیایی یکجا با دری زبانان سهم گرفته‌اند. جا دارد که از نظامی گنجه بی، میرزا عبدالقادر بیدل، داکتر محمد اقبال لاهوری، غنی کشمیری، خوشحال خان خٔک سخنسرای زبان پشتو، احمد شاه بابا به گونه‌ی نمونه یاد کرد که در گذشته زبان دری را غنا بخشیده‌اند.

در عصر حاضر ساحت تکلم این زبان به طور رسمی تنها به کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان محدود شده است.

امروز زبان فارسی دری، یکی از زبانهای زنده و ارزنده‌ی جهان است که در کشورهای گوناگون بیشتر از دو صد میلیون گوینده دارد. در سالهای اخیر، سه شاخه‌ی این زبان را در ایران به نام فارسی در افغانستان دری، در تاجیکستان و سایر کشورهای آسیای میانه به نام تاجیکی یاد میکنند، که هر سه گویش یا لهجه یک مفهوم را می‌رساند و باید بدانیم که در اصل هر سه آن (دری، فارسی و تاجیکی) نام یک زبان است. شاعران و نویسندگان ما در طول تاریخ آثاری را که آفریده‌اند، همیشه کلمه‌ی فارسی و دری را مترادف هم به کار برده‌اند.

در همه زبانهای جهان، لهجه‌های گوناگون وجود دارد. چنانکه در کشور ما گفتار دری مردم کابل از پروان و گفتار مردم هرات از بدخشان تفاوت‌هایی دارد و یا در زبان پشتو گفتار مردم کندهار با گفتار مردم وردک و گفتار مردم ننگرهار با گفتار مردم فراه تفاوت دارد. این تغییر لهجه را نمی‌توان تغییر زبان پنداشت.

به همین گونه زبان انگلیسی در امریکا، کانادا، انگلستان، هند و پاکستان زبان رسمی است. لهجه‌ی هر یک از این کشورها از هم تفاوت‌های دارد؛ اما در مجموع این تغییر لهجه‌ها موجب نمی‌شود که زبانهای آن کشورها را زبان‌های جداگانه بدانیم؛

زیرا در همه آن کشورها زبان واحد انگلیسی در تکلم و نگارش به کار رفته است. زبان فارسی دری که یک زبان فرامنطقه‌یی بوده است، آثار فراوان ادبی، تاریخی، علمی برگرفته و بر مناطق گسترده‌یی مسلط بوده است. آثار فراوان ادبی، تاریخی، علمی و هنری به این زبان نوشته شده که بیشترین این آثار در جهان از شهرت زیادی برخوردار است.

زبان دری با سلاست و روانی که داشته، دانشمندان، شاعران و نویسندگان را وادار به نگارش این زبان ساخته است، که تمام آثار ایجاد شده در این زبان در تکامل فرهنگ منطقه نقش به‌سزایی داشته است و باعث غنای گنجینه‌ی بار فرهنگ منطقه گردیده است. چنانکه زبان فارسی دری در هند ۸۰۰ سال زبان رسمی کشور هند بود. پس از رشد و گسترش آن در شبه‌قاره‌ی هند در دوران تیموری به نقطه‌ی اوج پیشرفت خود رسید. تأثیر زبان دری در آن سرزمین تا جایی بود که شعر و ادبیات فارسی دری به سبک هندی مشهور گردید. همچنان در مصر یکی از زبانهای درسی به‌شمار می‌رفت. ادبیات دری نه تنها تأثیر بسیاری در ادبیات عثمانی ترکیه داشت؛ بلکه سبب شد که اندیشمندان و نخبه‌گان دربار عثمانی با وجود رسمی بودن زبان ترکی در آن کشور به فراگیری و مشاعره به این زبان بپردازند. همچنان در چین هم جایگاه خوبی داشته است. چنانکه در سفرنامه‌ی این بطوطه آمده است: «امیر بزرگ قرطی که امیرالامرای چین است ما را در خانه‌ی خود مهمان کرد ... ما سوار کشتی شدیم و پسر امیر در کشتی دیگری نشست مطربان و موسیقی‌دانان نیز با او بودند. چینی، عربی و فارسی آواز می‌خواندند. امیر زاده آوازهای فارسی دری را خیلی دوست می‌داشت و آنان شعری به فارسی دری می‌خواندند. چندین بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند، چنان که من از دهانشان فرا گرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تادل به مه‌رت داده ام در بحر فکه افتاده ام

چون در نماز استاده ام گوئی به محراب اندری

علاوه بر ممالک فوق: عراق، آذربایجان، پاکستان و... را می‌توان ذکر کرد که زبان دری در آن کشورها جایگاه خاصی داشته و آفرینش هزاران اثر ادبی به این زبان، باعث تکامل فرهنگ منطقه گردیده، موجب فخر و سربلندی گوینده‌گان آن می‌باشد. پس ما باید به رشد و تکامل زبان دری توجه زیاد داشته باشیم. همان‌گونه که گذشته‌گان ما با سعی و تلاش، زبان دری را غنا بخشیدند و آثارشان پشتوانه‌ی قوی برای فرهنگ و زبان ما بوده، حتی در سراسر جهان از شکوه و عظمت زیادی برخوردار

است. چنانکه مولانا جلال الدین بلخی به حیث یک چهرهٔ جهانی تبارز کرد و آثار پرارزش وی به زبان های گوناگون جهان ترجمه گردید و باعث شهرت جهانی مولانا شد. بالاخره این که سال ۲۰۰۷م. به نام مولانا مسمی گردید؛ پس بر ما لازم است تا در حفظ و غنای زبانی از دل و جان بکوشیم.



محمد بن بطوطه (۷۰۳-۷۸۹ هجری قمری) ملقب به شمس الدین و معروف به ابن بطوطه در نتیجهٔ مراکش چشم به جهان گشود. وی یکی از بزرگترین جهانگردان دانش طلب بود که در سن ۲۱ساله گی از طنجه عازم حج و از آنجا به سفرهای دور و درازی تا چین رفت، که مدت ۲۷ سال را در بر گرفت او به هر جا سفر می کرد و در احوال و اوضاع اجتماعی مردم و به وضع جغرافیایی و تاریخی توجه خاص می کرد و از رسوم و عادات هر منطقه خاطراتی در کتابش نقل کرده است.



کلمه های متضاد: عبارت از کلمه هایی اند که در معنی ضد همدیگر باشند؛ مانند: جنگ و صلح، زشت و زیبا، نیک و بد، راست و دروغ، ظلم و عدالت، تاریکی و روشنی و... مانند:

۱. هوا در فصل زمستان سرد و در فصل تابستان گرم می باشد.
۲. نوشیدن آب پاک برای صحت مفید و نوشیدن آب کثیف مضر است.

در جملهٔ اول کلمه های سرد و گرم در جملهٔ دوم پاک و کثیف، مفید و مضر کلمه های متضاد می باشند.



● زبان دری یکی از زبانهای کهنی است که از هزار و یکصد سال تا کنون در سرزمینهای آسیا از کرانه های بحیره سیاه تا چین و از کوه های اورال تا سواحل بحر هند، کشور های گوناگونی را در بر می گرفت، مردم و ملل این کشور ها را به هم

بنویسند می داد.

در ایجاد و تدوین هزاران اثر علمی، ادبی، فلسفی و هنری در این زبان، ترکها، کرد ها، پشتونها، بنگالیها، پنجابیها و سایر اقوام آسیایی یکجا با دری زبانان سهم گرفته اند، که می توان از نظامی گنجیه بی آذر بایحانی، میرزا عبدالقادر بیدل درهند، اقبال لاهوری، غنی کشمیری، خوشحال خان خٹک سخنسرای زبان پشتو و احمد شاه بابا به گونه نمونه یاد کرد که در گذشته زبان دری را غنا بخشیده اند.

زبان دری در مصر، ترکیه، عراق، هند، پاکستان، چین، آذربایجان و عده دیگری از کشورها جایگاه خاص داشته و در رشد و تکامل فرهنگ منطقه نقش مهمی را ایفا کرده است.

● کلمه های متضاد کلمه هایی را گویند که در معنی ضد همدیگر باشند؛ مانند: زشت و زیبا، نیک و بد، تاریکی و روشنی و...



بشنو و بگو

۱. زبان دری کدام سرزمین ها را در برمی گیرد؟
 ۲. در غنای زبان دری کدام اقوام سهم داشته اند؟
 ۳. از شاعران و نویسندگان نخبه بی که آثارشان به زبان دری است نام ببرید.
 ۴. ساحت کلمه زبان فارسی حال به کدام کشورها محدود شده است و چقدر گوینده دارد؟
 ۵. زبان دری چه نقشی در تکامل فرهنگ منطقه داشته است؟
- م. کلمه های متضاد چگونه کلمه ها را گویند؟

گفت و شنود

- شاگردان دوفره در باره نقش زبان دری در تکامل فرهنگ منطقه، مباحثه نمایند.
- چند شاگرد به نوبت شاعران و نویسندگان پشتو را که به زبان دری آثار دارند معرفی نمایند.

بخوان و بنویس

- درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون نویس کنید.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه با تفاهم در باره اهمیت زبان دری یک مقاله بنویسند و بهترین آن را بیش روی صنف بخوانند.

خانه های خالی زیر را پر نمایید:
زبان دری یکی از زبان های کهن است که.....تا کنون در سر زمین های.....از
کرانه هایتا.....و از کوه های.....تا.....کشور های مختلف را در بر
می گیرد.

● دقت کرده انتخاب کنید:

۱. سال ۲۰۰۷م. به نام یکی از این اشخاص مسمی گردید:

الف- عطار

ب- غنی کشمیری

ج- مولانا جلال الدین بلخی

د- دقیقی بلخی

۲. از چه می توان دریافت که زبان دری در چین هم جایگاهی خاص داشت؟

الف- از سفرنامه ناصر خسرو

ب- از سفرنامه ابن بطوطه

ج- از شهنامه فردوسی

د- هیچکدام

۳. پیش روی هر کلمه، متضاد آن را بنویسید:

دانش - زنده گی - دانا - تنبل - سپید - شیرین - شب - غمگین - کوتاه



● چهار جمله بنویسید که در آن کلمات متضاد به کار رفته باشند.



درس چهارم

نخستین مکتب دختران در کشور



زگواره تا گور دانش بجوی

چه خوش گفت پیغمبر راستگوی

چگونه گی ایجاد نخستین مکتب دختران در افغانستان و تقویت مهارت های زبانی شاگردان هدف درس را تشکیل می دهد. زبان دری یکی از زبانهای ملی و رسمی کشور است که در مکاتب از آغاز تدریس می گردید. آیا شما می دانید که دختران افغانستان، نخستین بار آموزش رسمی را در کجا آغاز کردند؟

سرزمین باستانی ما افغانستان (آریایی قدیم) از گذشته مهد علم و دانش بوده، آموزش و پرورش در این سرزمین ریشه عمیق دارد که این ریشه از مدنیت های اوستایی و ویدی آبی می خورد. قبل از ظهور دین مقدس اسلام در ادیان دیگر نیز آموزش و پرورش وجود داشت که محل آن دربار شاهان، عبادگاه ها و زیر درختان بود، بعد از ظهور دین مبین اسلام نیز آموزش علوم دینی و دیگر علوم متداول رواج داشت و بزرگترین مدارس مساجد بود، که تعلیم به صورت عمومی و خصوصی در آنجا صورت می گرفت.

در قرن چهارم هجری مردم به تأسیس مکاتب و کتابخانه ها در شهرهای بزرگ سرزمین پهناور ما آغاز نمودند و در تمام دوره های بعد از آن به شکلی از اشکال آموزش و پرورش وجود داشت؛ اما در تمام این دوره ها هیچ گاهی به آموزش دختران به شکل رسمی توجه صورت نگرفته بود. امان الله خان که خواهان ترقی و پیشرفت مردمش بود، می خواست کشورش به سطح جهان ترقی کند و با در نظر داشت این که در آیات متعدد قرآن کریم به کسب علم و دانش بار بار تأکید صورت گرفته است و قرآن کریم از برتری علم و فضیلت عالم بر جاهل سخن می گوید. همچنان در روشنائی این حدیث مبارک پیغمبر بزرگوار اسلام که «طلب علم بر هر مسلمان (مرد و زن) فرض است.» فرمان ایجاد مکتب دختران را صادر نمود؛ که مردم با دیانت افغانستان نیز از این فرمان حمایت نمودند.

اولین مکتب دختران به همت ملکه ثریا (خانم شاه امان الله غازی) در سال ۱۲۹۹ هـ ش. به مصرف شخصی وی به نام مستورات در شهر آرای کابل بنیان گذاری و افتتاح گردید. امروز آن مکتب به نام لیسه ملالی مشهور است که در شهر کابل موقعیت دارد، در حالی که اولین مکتب برای پسران در کشور در زمان امیر شیرعلی خان ایجاد گردیده بود.

ملکه ثریا در گرد هم آیی که با زنان افغان داشت از پیشرفت زنان در کشورهای دیگر جهان و عقب مانده گی زن افغان سخن گفت و در این گرد هم آیی به تعداد پنجاه نفر از زنان افغانستان مصمم شدند تا خود را در خدمت معارف افغانستان قرار دهند. ملکه ثریا خود نیز وظیفه ممتشی این مکتب را به عهده گرفت، که با این اقدام نیک شاه و خانم دانشپوروش ما امروز شاهد تعداد زیاد مکاتب دختران در سراسر کشور هستیم. ملکه ثریا تعلیمات خصوصی پراکنده را شامل تعلیمات نظام یافته ساخت و تعداد زیادی دختران شامل مکتب شدند که بعد از مدتی یک تعداد آنها برای تحصیلات عالی به ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند.

در لیسه ملالی علاوه بر معلمان داخلی، معلمان ترکی، آلمانی و هندی نیز

تدریس می کردند. مکتب مذکور در سال ۱۹۲۶ میلادی تا دوره ثانوی در حدود سه صد شاگرد داشت و در سال ۱۹۲۸ میلادی به هشتصد تن افزایش یافت. در حالی که تا آن سال هفت مکتب دیگر نیز برای آموزش و پرورش دختران تأسیس گردیده بود.



* امان الله غازی از سال ۱۲۹۸ - ۱۳۰۸ هـ. ش حکومت کرد.
* ملالی نام زن قهرمانی بود که در جنگ افغان و انگلیس قوای افغانی را روحیه بخشید و از شکست نجات داد.

* علوم متداول: علمی که در همان عصر رواج داشت.



شاگردان عزیز، در درس گذشته کلمه های متضاد را خوانده و با آن آشنا شدید، اکنون کلمه های مشابه را می خوانید که کلمه های مشابه کدام ها را می گویند؟

کلمه های مشابه کلمه هایی است که در شکل یکی؛ اما در معنی از هم متفاوت باشند؛ مانند: گل و گل، پخته و پخته صرف و صرف...



- اولین مکتب برای پسران در افغانستان در زمان امیر شیرعلی خان ایجاد گردید؛ اما برای دختران اولین مکتب در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. در زمان امان الله خان به نام مستورات تأسیس شد، که امروز به نام لیسه ملالی مشهور است.
- کلمه های مشابه در شکل یکی؛ اما در معنی از هم متفاوت می باشند؛ مانند: گل و گل ، پخته و پخته....



بسمو و بحو

- پرسشها را دقیق بشنوید و مطابق به هریک آن پاسخ مناسب ارائه کنید:
- ما چرا به مکتب می رویم؟
- اولین مکتب دختران در کشور به کدام نام و چه وقت افتتاح شد؟
- رفتن به مکتب در زنده گی انسان ها چه تأثیر دارد؟
- فرق بین کسی که می داند و کسی که نمی داند در چیست؟
- کلمه های متشابه در جمله های زیر کدام است؟
- ۱. در گل نرم گلها خوب نشو و نما می نمایند.
- ۲. توسط شانه موهای خود را روی شانه ها ریخته بود.
- ۳. عمر خود را صرف در راه تحصیل صرف کرده بود.

بخوان و بنویس

جاهای خالی را در جملات زیر با پینسل پر نمایید:

- اولین مکتب دختران به نام در شهر کابل افتتاح گردید.
- وظیفه تفتیش این مکتب را به عهده گرفت.
- به تعداد خود را در خدمت معارف قرار دادند.
- از کلمه های گل گل ، صرف صرف جمله ها ساخته و آن را روی تخته بنویسید.
- شاگردان جمله های زیر را یکی به دیگری املا گفته روی تخته بنویسند.
- ملکه ثریا وظیفه تفتیش مکتب مستورات را به عهده گرفت.
- مردم با دیانت افغانستان از این اقدام نیک امان الله غازی مبنی بر تأسیس مکتب دختران حمایت کردند.
- به تعداد پنجاه زن افغان بعد از تأسیس مکتب مستورات، مصمم شدند تا در خدمت معارف افغانستان قرار بگیرند.



- شاگردان در مورد اهمیت تعلیم و تربیه دختران در جامعه، نظرات شان را بنویسند.



درس پنجم

لطیفه



آشنا ساختن شاگردان با ارزش های اخلاقی و اجتماعی لطیفه و لطیفه گویی در زبان دری و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است. در درس های گذشته در باره نقش زبان دری مطالبی خواندید. اکنون خواهیم آموخت که چگونه لطیفه ها، مطالبه ها و فکاهی ها، بخشی از زبان و ادبیات دری را تشکیل داده و در فرهنگ ما جایگاه خاص خود را احراز نموده اند.

آیا می دانید که لطیفه چیست؟

لطیفه گوئی و فکاهی خوانی در فرهنگ بر بار کشور ما سابقه بس طولانی دارد و کمتر اشخاص و افراد را می توان یافت، که یک یا چند لطیفه و فکاهی به یاد نداشته باشند. لطیفه کلمه عربی است که در آن واقعه به سرعت آغاز می شود و زود با خنده و تبسم ختم می گردد. در ادبیات کلاسیک دری، لطیفه عبارت است از: حکایت کوچک هجروی، تمسخر آمیز و خنده آوری که به نام مطایبه نیز شهرت دارد.

لطیفه ها اساساً از قرن سیزدهم میلادی در آثار و نوشته های شاعرانی چون سعدی، حافظ، عبید زاکانی و دیگر سخن پردازان و شاعران دیده می شود. ادبیات شفاهی مردم افغانستان بر از ضرب المثل ها، جملات، اشعار عامیانه و دوبیتی های خنده آور و پند آمیز است، که به آنها مطایبه و فکاهی نام داده اند.

۱. لطیفه ها از جهت موضوع به سه بخش اساسی جدا می شوند:
۲. لطیفه هایی که به خاطر رد اندیشه های پوچ و خرافاتی گفته شده است.
۳. لطیفه هایی که موضوعات اخلاقی را تبلیغ می کنند.

لطیفه به معنای سخن نیکو در هر جا استعمال شده و در اشعار شاعران به وجه نیکو آمده است: چنانکه حافظ گفته است:

لطیفه بی به میان آر و خوش بخندانش به نکته بی که دانش را بدان باشد
و یادرین جمله به طرز نیکوی آن آمده است: «شب های دراز نضتی و لطیفه ها گفتی»
و یادرین بیت زیبای سعدی می خوانیم که:

ای سرو حدیقه معانی جانی و لطیفه جهانی

۱. شاه جهان روزی به باغ رفته، دسته گلی چید و برای نور جهان بیگم در قصر آورده، به او اهدا کرد. نور جهان این بیت را سرود:

بلاگردان شوم شاهها چرا گل دسته آوردی به گلشن به زمن دیدی که او را بسته آوردی
شاه جهان فرمود:

برای زیب دست ماه من گل دسته آوردم به خوبی لاف می زد گل به پشت بسته آوردم
۲. کسی در حق شاعری بد گفت، شاعر نیز در جواب این مطایبه را در قالب شعر بیان کرد:
دی در حق ما کسی بدی گفت ما دل زغمش نمی خراشیم
مانیز نکوبی اش نگویییم تا هر دو دروغ گفته باشیم

۳. شخصی در حالی که در سوراخ یک گوش خود پنبه نهاده بود و مطالعه می کرد، پرسیدند چرا چنین کرده ای که بر یک گوش پخته گذاشته کتاب می خوانی؟ شخص

جواب داد: چون موضوعات از یک گوش داخل و از گوش دیگر بیرون می شود، بر گوش دیگر بنیبه نهادم تا موضوع در کله باقی بماند.

لطیفه های ادبی و فکاهه های نثری بین اکثر جوامع رایج است؛ که بسیاری لطیفه ها به نام آنها در مطبوعات جهان نشر شده و می شود، لطیفه هایی که بر موضوعات اجتماعی اشاره می کنند؛ در اصلاح افراد جوامع ، نقش مهمی را ایفا می نمایند و لطیفه همچون موضوع هجوی دارای خصوصیت ویژه بی است، که در قالب کنایه، مجاز و ظرافت های بس لطیف ارائه می شود.

قواعد دستوری

• **فعل:** کلمه بی مستقل است که بر انجام کاری یا بروز حالتی در یک زمان معین دلالت می کند؛ مثال :

- ۱- حمید نوشت.
- ۲- مرگان به سفر خواهد رفت.
- ۳- اناهیئا سفر کرد.

در جمله اول «نوشت» در جمله دوم «خواهد رفت» و در جمله سوم «کرد» فعل است.

خلاصه درس

لطیفه به معنای هر چیز نیکو، گفتار نرم و کلامی مختصر در نهایت حسن و خوبی می باشد که در اشعار شاعران آمده است و در میان عوام در کشور ما لطیفه ها، مطایبات و فکاهی ها رواج دارد. لطیفه گویی نه تنها بخشی از زبان و ادبیات دری را تشکیل داده است؛ بلکه جزء اکثر زبان ها و فرهنگ های مختلف جهان می باشد.

فعل کلمه بی است که به انجام یا شدن کار یا بروز حالتی در یک زمان معین دلالت می کند؛ مانند: رفت، می روم، می روند و....



فعالیت ما

به پرسشهای زیر پاسخ مناسب ارائه نمایید:

- لطیفه چیست؟
- لطیفه ها در آثار کدام شاعران و نویسندگان در زبان دری دیده می شود؟
- اگر یک لطیفه به خاطر داشته باشید، برای همصنفان خود بگویید؟
- فعل را تعریف کنید.
- یک جمله بگویید و فعل آن را مشخص نمایید.

گفت و شنود

- شاگردان در این مورد که لطیفه ها چه تأثیر و ارزش در زنده گی دارد باهم بحث و گفتگو نمایند.
- معنای بیت زیر را بیان کنید:
- لطیفه بی به میان آر و خوش بخندانش به نکته بی که دلش را بدان رضا باشد

بخوان و بنویس

- درس را خاموشانه خوانده، نتیجه را بعداً به قلم خود بنویسید.
- چند جمله بنویسید و زیر فعل های آنها خط بکشید.
- متن درس را با دقت خوانده زیر فعل های آن خط بکشید.
- کلمه هایی را که نمی دانید، از متن بیرون نویس نموده، به کمک همصنفان و معلم تان معنای آن را دریابید.



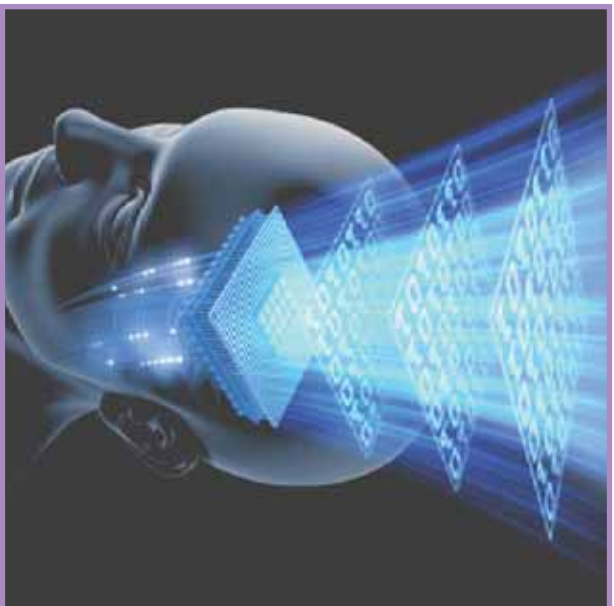
کارخانه گی

اگر در خانه لطیفه بی را از اعضای خانواده و یا دوستان تان شنیده باشید، در کتابچه های خود بنویسید و روز آینده در صنف بخوانید.



درس هشتم

علم



آشنا ساختن شاگردان با پیشرفت های علمی، ارزش علم در زنده گی و تقویت مهارت زبانی شاگردان هدف درس است.
آیا میدانید که علم در زنده گی چه نقشی دارد و انسان چگونه به علم رسیده است؟

علم پرشش های چطور و چراى ما را در بارهٔ جهان، انسان، حیوان و نبات جواب مى دهد. ما جواب های خود را از طریق دیدن (مشاهده)، فکر کردن و تجربه کردن به دست مى آوریم.

انسان ها به وسیلهٔ علم و دانش مى توانند سهولت های زیادی را فراهم نموده، زنده گی بهتر داشته باشند. این کار باعث ترقی و پیشرفت جهان مى گردد و زمینهٔ پیشرفت نسل های بعدی را در تمام عرصه ها فراهم مى سازد.

اگر ما به زنده گی گذشتهٔ انسانها نظر بیندازیم، مى بینیم که انسانهای اولیه در مغاره های کوه ها زنده گی مى کردند؛ اما امروز ما شاهد پیشرفت و ترقی چشمگیر علم و تکنالوژی هستیم. در این درس زنده گی انسانهای اولیه را از نظر مى گذرانیم. مشکل اول انسان های اولیه تهیهٔ غذا و سیر کردن شکم بود. آنها زراعت را یاد نداشتند در محیط دور و بر خود به شکار حیوانات مى پرداختند. در آغاز وسیلهٔ شکار شان ساده بود. چند نفر کمین مى گرفتند و توسط چوب ها بر حیوانات حمله مى کردند با ضربه های پیهم حیوان را از پای مى انداختند و گوشت آن را خام مى خوردند. بعد از چندی آنها توانستند برای شکار سلاح های سنگی بسازند. قرن ها گذشت و دو حادثهٔ بزرگ در زنده گی بشر رخ داد. باری جنگلی را دیدند، که در اثر صاعقه، آتش گرفته بود و آنها با ترس و وحشت از آتش فرار کردند و در پناهگاه های خود پنهان شدند. باری دیگر که چقماقی را بر چقماقی زدند و آتش را کشف کردند. بزرگترین کشف انسانها همان کشف آتش است، که به وسیلهٔ آن توانستند گوشت را کباب کرده نرم بسازند. کشف آتش باعث شد که انسان ها ابزار سنگی را به ابزار فلزی بدل کنند و به یک چیز دیگر هم ضرورت داشتند و آن این که مى خواستند تجربه ها و چشمدید های خود را از شکار حیوانات به فرزندان خود انتقال بدهند. بنابراین تصویر حیواناتی را که مى دیدند و یا شکار مى کردند در دیوار های مغارهٔ خود رسم مى کردند و از همین جا بود که کم کم با رسم، نقاشی و بالاخره خط نیز آشنا شدند.

دو چیزسبب جستجوی پایان ناپذیر انسان در راه علم گردید:
اول احتیاج، دوم کنجکاوی، که عامل اصلی آن استعداد عقلی آدمی بوده که خداوند (ج) به انسان داده است. انسانها در آغاز از علم برای رفع احتیاجات خود کار مى گرفتند و برای قانع ساختن کنجکاوی هر چیز را به خدایان و ارباب انواع حواله مى کردند؛ به طور مثال: دلیل اصلی مریضی خود را نمى دانستند و آن را به جادو و دیگر نیرو های بدکار جهان نسبت مى دادند و به انواع گوناگون خرافات معتقد

می شدند. خداوند(ج) پیامبران خود صلوات الله علیهم را فرستاد تا انسانها را به سوی خدای واحد فرا خوانند.

بدین ترتیب دین در حرکت انسان ها به سوی علم نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. خداوند(ج) مسلمانان را در کلام متین خود به دو چیز دعوت کرده است، که هر دو انسان را به سوی دیار علم فرا می خواند. خداوند(ج) نخست از انسانها می خواهد که « در زمین بگردند و عجایب خلقت را ببینند» و دوم به هر کس بگویند «دلیلت را بیا» دلیل خواستن شرط اول کنجکاو است؛ که بدون شک انسان را به سوی استدلال و طلب علم دعوت می کند. در پرتو تعلیمات قرآن بود که در دنیای اسلام دانشمندان بزرگ به وجود آمدند و برای پیشرفت علم خدمات فراموش ناشدنی کردند. یکی از برازنده ترین چهره های علمی در دنیای اسلام ریاضیدان بزرگ محمد بن موسی الخوارزمی بود که برای اولین بار جدول های نجومی و جدول های مثلثاتی را طرح و تدوین کرده، به کمک شصت ونه دانشمند دیگر دایرةالمعارف جغرافیا را که در دنیای آن روز برای کشتی رانی بسیار اهمیت داشت تنظیم و آماده نمود.

امروز هر گوشه زنده گی ما در دست علم است و ما بدون علم به بسیار مشکل می توانیم زنده گی خود را پیش ببریم. دوصد و پنجاه سال اخیر در تاریخ انسان، سال های پیشرفت باور نکردنی علم بوده است. امروز انسانها از برکت علم نه تنها اربابان کره زمین گردیده اند؛ بلکه دامنه استیلای خود را تا کره های دیگر نیز گسترده اند. بدبختانه در برخی حالات حرص و افزون طلبی انسانها برای علمای جهان تشویش های تازه از قبیل بالارفتن گرمای زمین، جنگ های کیمیاوی و بیولوژیکی، خشک سالی ها، مرض های ایدز و بالاخره فحطی های دوامدار را آفریده است؛ اما راه رهایی از این مصیبت ها را نیز تنها علم و تحقیقات علمی برای بشر نشان می دهد.

هنگاهی که دانش به مطالعه جهان و عملیه های آن سر و کار دارد بر اصلهای فکر، مشاهده و تجربه بی غرضانه استوار می باشد. علم در واقع جستجوی قوانین عمومی است، که پدیده های طبیعی به اساس آن عمل می کند.

اگر خلاصه کنیم: برق، ماشین هایی که به وسیله حرارت حرکت می کنند، طیاره ها، مطالعه ستاره ها (نجوم) همه از برکت علم است و انسان در عرصه های فزیک، طبابت، کیمیا، بیولوژی و غیره پیشرفت زیادی کرده است .

جهان ما جهان علم و تکنالوژی است، ملت هایی که در برابر این جریان فکری بی تفاوت می مانند از کاروان عقب می افتند و این عقب افتاده گی را با سرعتی که

پیشرفت علم دارد هرگز نمی توانند تلافی کنند. پس بر ما لازم است که در طلب علم و دانش تلاش نماییم تا باعث افتخار، پیشرفت و ترقی سرزمین خویش گردیم و خداوند (ج) از ما راضی باشد.



- چقماق، سنگی است که به طور طبیعی وقتی آن را به هم بزنیم، جرقه آتش تولید می کند.

• تکنالوژی از دو کلمه لاتینی تکنا (تخنیک) و لوژی (لوگوس) به معنای علم گرفته شده است.



اشخاص فعل: هر فعل از خود فاعل مستقیم یا غیر مستقیم دارد که کار یا حالتی به آن نسبت داده می شود. فاعل اگر خود گوینده باشد، اول شخص، اگر شنونده باشد، دوم شخص و اگر غایب باشد سوم شخص گفته می شود.

اول شخص : گوینده اگر مفرد باشد، « من » و اگر جمع باشد « ما » می آید؛ مثلاً: من نوشتم، ما نوشتیم.

دوم شخص : شنونده اگر مفرد باشد، « تو » و اگر جمع باشد « شما »؛ مثلاً: تو نوشتی، شما نوشتید.

سوم شخص : غایب اگر مفرد باشد، « او » و اگر جمع باشد « آنها »؛ مثلاً: او نوشت، آنها نوشتند.



انسان ها به وسیله علم و دانش می توانند سهولت های زیادی را فراهم نموده، رزنده گی بهتر داشته باشند و این کار باعث ترقی و پیشرفت جهان گردیده، زمینه پیشرفت

نسل های بعدی را در تمام عرصه ها فراهم می سازد.

دو چیزسبب جستجوی پایان ناپذیرانسان در راه علم گردید:

اول احتیاج و دوم کنجکاوی که عامل اصلی آن استعداد عقلی آدمی بوده که خداوند (ج) به انسان ارزانی فرموده است.

ازبرکت علم، انسان در عرصه های فزیک، طبابت، کیمیا، بیولوژی و غیره پیشرفت های زیادی کرده است.

اشخاص فعل : هر فعل از خود فاعل دارد که کار یا حالتی به او نسبت داده می

شود. فاعل اگر خود گوینده باشد آن را شخص اول، اگر شنونده باشد، شخص دوم و اگر

غایب باشد شخص سوم می گویند.



پشنو و بگو

به پرسشهای زیرترین پاسخ دقیق ارائه نمایید:

- کدام دو نیرو بود که انسان ها را به سوی علم و کشف قوانین طبیعت رهنمایی کرد؟
- انسان های اولیه چگونه غذای خود را به دست می آوردند؟
- امروز راز پیشرفت ملت ها چیست و کدام ملت ها نمی توانند خود را به کاروان تمدن و پیشرفت برسانند؟

- اکنون که شما می دانید: هیچ گونه پیشرفت بدون علم میسر نیست پس چه باید کرد؟
- اشخاص این افعال را مشخص نمایید: خواند، رفتند، گفتی، دیدم، شنیدم.
- اشخاص فعل را نام بگیرید.

گفت و شنود

- شاگردان دو، دو نفر در باره ارزش علم با هم مباحثه نمایند.
- مفهوم درس را به زبان خود بیان نمایید.
- شاگردان در رابطه به اشخاص فعل باهم مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- درس را با دقت بخوانید و جمله های مهم آن را بیرون نویس کنید.
- بعد از خواندن درس، کلمه هایی را که به نظر تان مشکل است، بیرون نویس کرده

به کمک معلم صاحب معنای آن را دریابید.

- پیشرفت هایی که از برکت علم صورت گرفته است، پنج نمونه آنرا فهرست نمایید.

جا های خالی جملات زیر را پر نمایید:

- ۱- دو چیز سبب جستجوی پایان ناپذیر.....در راه علم گردید. اول.....دوم.....
- ۲- خداوند (ج) پیامبران (ص) را فرستاد تا..... خدای واحد.....بدین ترتیب دین در.....به سوی.....نقش مهم را ایفا کرد.
دقت کرده انتخاب کنید.

- یکی از چهره های علمی که اولین بار جدول های نجومی را طرح کرد کدام یک از این هاست؟

الف - انشیتین

ب - گالیله

ج - محمد بن موسی خوارزمی

د - هیچکدام

- پیشرفت جهان فقط توسط یکی ازموارد زیر امکان پذیر است:

الف - کار

ب - توجه

ج - علم

د - هیچکدام



- در باره اهمیت علم هفت جمله بنویسید.

- فعل «رفتن» را با در نظر داشت اشخاص آن گردان کرده بنویسید.



درس هفتم

مادر



پی بردن شاگردان به مقام والایی مادر و تقویت مهارت زبانی آنها هدف درس است. در درس گذشته در باره علم و ارزش آن در زنده گی معلومات حاصل نمودید. در فرا گیری علم و دانش فرزندان، نقش مادران برارزنده است. آیا می دانید که مادر در تربیه فرزندان چه زحمات را متقبل میگردد؟

امروز هم به روی تو برخواستم ز خواب
ای مادر خجسته شب زنده دار من
ای آن که از نشاط و جوانی و شور و شوق
یکسر کناره کردی و ماندی کنار من

هر لحظه باز می شنود گوش جان من
آهنگ گـرم زمزمه لای لای تو
گویی چنان ترانه گرم فرشته گان
از عرش کردگار برآید صدای تو

آن دم که راه رفتن آموختی مرا
گفتی که جز به راه حقیقت قدم منه
دست مرا گرفتی و گفتی به هوش باش
بردوش زیر دست زبون بر کنم منه

لیخند من برای تو هنگام درد و رنج
جانبخش تر ز بوسه صبح سپید بود
آغوش پر محبت و گرمی برای من
شور و نشاط و شادی عشق و امید بود

امید داشتی که چو قدرت شود کمان
چون آن عصای دست، تر اهری کمن
در آسمان تیره شبهای پیریت
چون اختران روشن بازیگری کنم

امروز آن که باید شمع رخت شود
غم گشته در سیاهی شبهای تارخوش
امروز آن که باید غم گیرد از دلت
پنهان شده درون غم بی شمار خویش

مادر! مرا ببخش براه تو این زمان
سر می دهم که باز سزاوار پای تست
حرف نخست را ز تو آموختم نخست
هر شعر من به نام تو هست و برای تست

محمد علی گویا



قواعد دستوری



فعل از نظر زمان: همان طوری که خواندید، فعل واژه بی است که به کردن کاری یا اجرای امری بروز حالتی در یکی از زمانهای گذشته، حال و آینده دلالت می کند. فعل دربرگیرنده همین سه زمان می باشد. گردان فعل « رفتن » را در سه زمان می خوانیم.

اشخاص	گذشته (ماضی)	اکنون (حال)	آینده (مستقبل)	
			مفرد(من)	خواهم رفت
شخص اول	رفتم	میروم	خواهم بروم	خواهم رفت
	رفتیم	میرویم	خواهیم برویم	خواهیم رفت
شخص دوم	مفرد(تو)	میری	خواهی بروی	خواهی رفت
	جمع(شما)	میرید	خواهید بروید	خواهید رفت
شخص سوم	مفرد(او)	میرود	خواهد رفت	خواهد رفت
	جمع(آنها)	میروند	خواهند رفت	خواهند رفت

خلاصه درس



مادر موجودیست مهربان که با زحمات زیاد فرزندانش را پرورش می دهد. با فروتنی و گذشت شب و روز به فکر تربیهٔ سالم فرزندان می باشد. دست فرزند را گرفته راه رفتن را برایش می آموزد و از همان وقت به راه راست او را راهنمایی می کند. نخستین حرف را مادر به فرزندش می آموزد و در آغوش پر مهرش با ناز و نوازش بزرگ می کند؛ به امیدی که روزی عصای پیریش شده و هم برای وطن خود آمادهٔ خدمت شود. پس باید همهٔ ما قدر و ارزش مادر را درک نموده، احساس مسؤولیت نماییم و حقوقی که مادر بالای ما دارد، ادا نماییم.

فعل شامل سه زمان می شود: زمان گذشته (ماضی)، اکنون (حال)، آینده (مستقبل)



بشنو و بگو

- به پرسشهای زیر پاسخ بدهید.
- مادر، در بزرگ کردن فرزندان چه نقشی دارد؟
- چرا مادر خود را احترام می کنیم؟
- مادر چه حقوقی بالای ما دارد؟
- درس امروز چه احساسی به شما داد؟
- فعل را تعریف کنید.
- فعل در برگیرنده کدام زمانهاست؟

گفت و شنود

- شاگردان دو دو نفر در باره احترام به مادر مباحثه نموده، نتیجه را به همصنفان خود بگویند.
- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند، سپس در مورد فعل از نگاه زمان باهم بحث نمایند.

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و مفهوم آن را در سه سطر بنویسید.
 - در بیت اول و دوم شعر، فعل را نشان دهید و بنویسید که مربوط به کدام زمان است؟ این بیت را تکمیل کنید.
 - حرف را ز تو نخست هر من بنام و برای تست در جملات پایین، زیر فعل های آن خط کشیده بنویسید که مربوط به کدام زمان می شود؟
۱. پروین به مکتب رفت.
 ۲. مادر غلام مریمان را تداوی می کند.
 ۳. پدرم به سفر خواهد رفت.

کارخانه گی



- در باره قدردانی از مادر یک مقاله کوتاه بنویسید، که از پنج سطر کم نباشد.
- فعل (نوشتن) را در سه زمان گردان کنید.

ماشین چاپ



آشنا ساختن شاگردان با اختراعات در جهان و تقویت مهارت های زبانی شاگردان هدف درس است.
شاگردان عزیز، آیا نظری به کتاب خود افکنده اید؟ این کتاب چه گونه به دست شما رسیده است؟
اگر شما مجبور می بودید که این کتاب را با قلم و رنگ برای خود بنویسید، چند ماه و یا حتی چند سال وقت کار داشتید؟
آیا می دانید که کدام وسیله کار ما را آسان ساخت؟

انسان از روزی که با خط و نوشتن آشنا شد می خواست برخی از نوشته های خود را نگاه دارد. در آن وقت هنوز کاغذ اختراع نشده بود و مردم آنچه را می خواستند نگاه دارند بر روی پوست درختان یا لیف های نباتات یا پوست حیوانات می نوشتند. وقتی که کاغذ اختراع شد، کار نگاهداری نوشته ها را آسانتر ساخت.

پادشاهانی که کوشش می کردند، نوشته های دینی و فرهنگی زمانه خود را نگاه دارند، خطاطان و صحافان را در دربارهای خود استخدام می کردند. این خطاط ها نوشته های پادشاه و آثار شاعران و نویسندگان مشهور را نسخه برداری می کردند و به صحافان می سپردند تا آنان نوشته ها را به شکل کتاب در بیاورند؛ اما مشکل عمده این بود که غفلت و بی توجهی کاتبان و خطاطان سبب غلطی های فراوان در کتاب ها می شد و کتاب چندین بار دست به دست می شد تا نسخه نسبتاً صحیح به دست آید. رقابت های میان پادشاهان و امرا در پهلوی هنرهای خطاطی و صحافی، نقاشی و میناتور، را نیز پیش برد و همین شیوه تکثیر کتاب ها قرن ها ادامه یافت.

در قرن های چهاردهم و پانزدهم میلادی آنگاه که اروپاییان از خواب طولانی قرون میانه بیدار شدند، ضرورت افزایش و تکثیر کتاب ها احساس می شد. کلیسا که در برابر جریان نوگرایی عصر قرار گرفته بود، می پنداشت که نیرومند شدن این نوگرایی به دلیل بی خبری مردم از انجیل است به همین سبب کلیسا نیز می خواست انجیل را به پیمانۀ وسیع تکثیر کند. مردی در کار بود که به این نیاز جدی عصر پاسخ گوید و کاری کند که سینه دم یک جهان نو و فارغ از زنجیرهای دست و پا گیر قرون میانه باشد.

این مرد که در اواخر قرن چهاردهم میلادی در شهر ماینز آلمان چشم به جهان گشوده بود

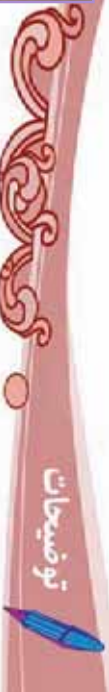
« یوهانس گوتنبرگ » نام داشت و خودش زرگر بود. او گاه به گاه به حکم شغل خود مجبور می شد که نام برخی از خریداران خود را بروی زیورات شان کندن کاری نماید. همین مرد بود که ماشین چاپ سری را اختراع نمود و این اختراع تا قرن بیستم دست نا خورده باقی ماند. ماشین چاپ او قابل انتقال بود و می شد آن را از یک جا به جای دیگر برد. او حروف برجسته را از سرب که به زودی آب می شود ریخت. این حروف ریخته شده را گوتنبرگ در یک قالب فلزی می چید و رنگ سیاه آمیخته با

تیل بر روی آن می مالید و کاغذ را بروی آن گذاشته با آله فشار یا شکنجه که قبلاً در صحافی معمول بود فشار می داد و طبعاً نقش آن حروف برجسته سربی بر روی کاغذ می نشست. او با همین شیوه انجیل را در چهل و دو ستون (کالم) چاپ کرد که آن انجیل را امروز هم به نام انجیل چهل ودو ستونه یاد می کنند.

پیش از اختراع گوتنبرگ در تمام اروپا بیش از چند هزار نسخه خطی وجود نداشت؛ اما با اختراع گوتنبرگ تنها بعد از پنجاه سال چاپ تعداد کتاب ها به نه میلیون رسید. این شماره بسیار زیاد کتابها تأثیر و رشد سریع صنعت چاپ را نشان می دهد.

اختراع ماشین چاپ بزرگ ترین سهم گوتنبرگ و آلمان در تمدن امروزه بشر می باشد. امروز در دنیای ما میلیون ها کتاب، روزنامه، مجله، اعلامیهای تجارتي، تکه های بافته شده، کاغذ های دیواری، کارت های دعوت و عروسی، اسناد و فورمه های اداری و غیره در ماشین های چاپ کمپیوتری به چاپ می رسد و بر هر کدام این ها با حروفی که به چشم ظاهر دیده نمی شود، نوشته شده است «گوتنبرگ».

یکی دیگر از فایده های اختراع ماشین چاپ این است، که کار چاپ را آسان کرد و کتاب به بسیار ساده گی و مصرف کم در دسترس همه قرار گرفت و بدین ترتیب سواد و قدرت نوشتن و خواندن عام شد و نتیجه علم شدن سواد خود جامعه انسانی را از انواع خرافات و نادانی که دامگیرش بود، نجات می دهد.



یوهانس گوتنبرگ: زگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ در اروپا بود. این صنعت البته ۴۰۰ سال قبل از وی توسط یک تاجر چینی به نام «بی شنگ» استفاده می شد و حدود ۲۰۰ سال قبل نیز در کوریا مورد استفاده قرار می گرفت.

چاپ: به معنای انتقال و تکثیر حروف، عکس، طرح و نقش بر روی سطح چاپ شونده است. چاپ روی کاغذ شناخته شده ترین کار چاپی است. امروزه با پیشرفت تکنیک های چاپ این عمل روی مواد سلولوزی، نایلونی، پارچه یی، چرمی، مواد کیمیایی، فلزی و شیشه یی با اشکال صاف یا ناهموار، مقعر یا محدب و ...

صورت می گیرد. واژه «چاپ» (و صورت قدیمی تر آن «چھاپ») را به احتمال برگرفته از کلمه مغولی چاو دانسته اند که به معنای فشردن سطحی بر سطح دیگر است.



وجوه افعال

وجه یعنی شکل و صورت و وجه یعنی صورتها و اشکال. در اصطلاح دستوری حالات و اشکال مختلف فعلها را «وجه افعال» می گویند. در زبان دری افعال دارای شش وجه اند، که از جمله سه نوع آن را می خوانیم.

۱- وجه اخباری

آن شکلی از فعل است که انجام عمل حتمی را بیان می دارد؛ مانند: احمد می آید، فرزانه کتاب خواند، که «می آید» و «خواند» وجه اخباری است.

۲- وجه التزامی

انجام عملی را با شک و تردید بیان می کند و معمولاً با کلماتی از قبیل «شاید» و «ممکن است» همراه است؛ مانند: شاید پرویز بیاید، ممکن است آمده باشد، که فعل های «بیاید» و «آمده باشد» را وجه التزامی می نامند.

۳- وجه امری

آن صورتی از فعل است که امر، انجام عملی را به مأمور دستور می دهد و گاهی نیز برای بیان تقاضا به کار می رود؛ مانند:

باز آی که باز آید عمر شده حافظ

هر چند که ناید باز تیری که بشد از شست حافظ

«بازآی» فعل امر است؛ منتهی آمدن را از محبوب تقاضا می کند نه امر. به هر حال، فعلی را که در بیان دستور، یا تقاضا و حتی، التماس به کار رود، آن فعل را امر می گویند.



اولین کسی که ماشین چاپ را اختراع نمود، یوهانس گوتنبرگ آلمانی بود. اختراع ماشین چاپ بزرگ ترین سهم گوتنبرگ و آلمان در تمدن امروزه بشر می باشد. امروز در دنیا میلیون ها کتاب، روزنامه، مجله، اعلامیه‌های تجارتي، تکه های بافته شده، کاغذ های دیواری، کارت های دعوت و عروسی، اسناد و فورمه های اداری و غیره در ماشین های چاپ، به چاپ می رسند. وجوه افعال: یعنی صورتهای و اشکال. در اصطلاح دستوری حالات و اشکال مختلف فعلها را «وجوه افعال» می گویند، که عبارتند از: وجه التزامی، وجه امری، وجه اخباری....



بشنو و بگو

- عناصر اساسی ماشین چاپ گوتنبرگ چه چیزها بود؟
- در پنجاه سال اول بعد از اختراع ماشین چاپ در اروپا چند میلیون کتاب به چاپ رسید؟

- امروز از ماشین های عصری چاپ در کدام زمینه ها کار گرفته می شود؟
- پیش از اختراع ماشین چاپ کتاب ها را چگونه تکثیر می کردند؟
- عام شدن چاپ کتب چه تأثیر دیگر داشت؟
- غفلت و بی توجهی کاتبان و خطاطان سبب به میان آمدن چه مشکلاتی در کتابها می شد؟

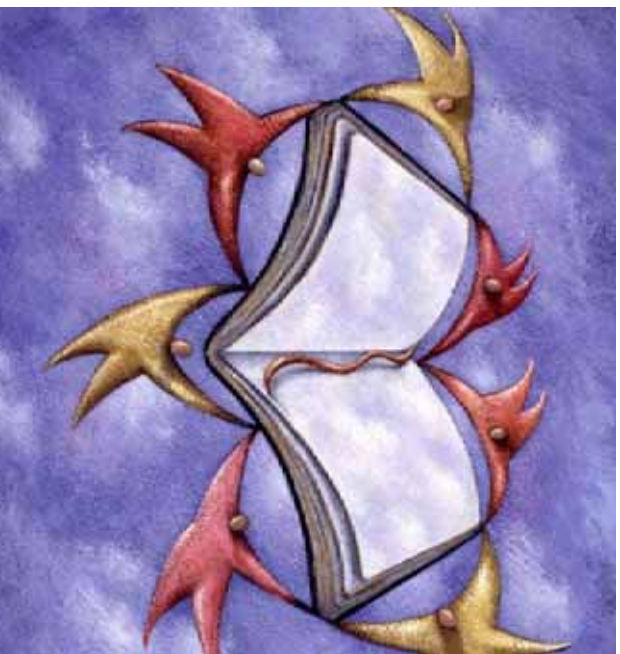
گفت و شنود

- شاگردان دو دو نفر در مورد اهمیت ماشین چاپ در زنده گی بحث و گفتگو نمایند.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس در باره وجوه فعل باهم مباحثه نموده، از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.

- بخوان و بنویس**
۱. خلاصه درس را در پنج سطر بنویسید .
 ۲. از متن درس پنج وجه فعل را پیدا کرده و آن را بیرون نویس کنید.
 ۳. سه جمله خارج از موضوع درس بنویسید، که در هر یک از آن یک نوع وجه فعل (اجزای، التزامی، امری) به کار رفته باشد .



در مورد نقش ماشین چاپ در سرعت انکشاف سواد و بازسازی افکار انسانی در جوامع بشری، مقاله‌ی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





درس نهم

ابوعلی سینای بلخی



آشنایی با چهره های علمی و فرهنگی باستانی کشور و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است. اختراع ماشین به همان پیمانه در حیات بشری تأثیر گذار بوده است که نوشتن کتاب القانون بوعلی سینای بلخی؛ زیرا کشور های بزرگ جهان از نظریات طبیی این شخصیت استفاده نموده اند. آیا می دانید که بزرگترین عالم طبیی کشور ما در چند صد سال قبل که در جهان از شهرت زیاد برخوردار بوده چه نام دارد و چه کار هایی مهم را انجام داده است؟

شرف الملک شیخ الرئیس ابو علی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا معروف به ابن سینا یا ابوعلی بن سینا از بزرگترین سیما های علمی و یکی از چهره های شناخته شده دانش سرزمین ما می باشد که در سراسر جهان به حیث دانشمند سده های ۱۰ - ۱۱ م. معروف و مشهور است. او دانشمند طب، فلسفه، جیولوژی، کیمیا، نجوم (ستاره شناسی) هندسه و طبیعیات بوده، به عنوان نویسنده، شاعر و موسیقی دان برجسته زمان خویش شهرت دارد.

پدر ابوعلی بن سینا، عبدالله نام داشت و از شهر بلخ بود. او در زمان نوح بن منصور سامانی به بخارا رفته و به کارهای مالیاتی مصروف شده بود و در روستای « افشنه » با دختری به نام ستاره بانو ازدواج کرد و ابوعلی سینا در سال ۳۷۰ هـ. ق. در همان روستا به دنیا آمد.

پدر ابو علی که مرد فاضل و دانشپور بود، او را به مدرسه سپرد و چون از هوش و ذکوت سرشاری برخوردار بود، تمام علوم متداول عصر خویش را با دلچسپی فراوان فراگرفت. در سن ۱۶ ساله گی می توانست بسیاری از بیماران را معاینه و تداوی کند. در سن ۱۸ ساله گی به خاطر تداوی شاه سامانی به دربار او راه یافت و این هنگامی بود که از آموختن همه دانشهای عصر خویش فراغت یافته بود.

ابوعلی سینا در سن ۲۱ ساله گی شروع به تألیف آثارش نمود و با وجود این که بعد از مرگ پدرش و شکست دولت سامانی نتوانست فعالیتهای خود را در بخارا ادامه دهد؛ لهذا از شهری به شهری مسافرت را شروع کرد و در شهرهایی چون گورگنج مرکز خوارزم، گورگان و برخی از شهرهای ایران امروزی؛ مانند: ری، قزوین، همدان، اصفهان و غیره گاه به صورت آشکار و گاه مخفی زنده گی کرد و هیچ آرامشی ندید؛ اما با وجود همه مشقتها و سختیها از مطالعه کتاب و نوشتن آثار ارزشمند و مداوای بیماران، تدریس و تربیه مردم و متحد ساختن دانشمندان دست نکشید.

فعالیتهای علمی ابو علی سینا طوری بود که در هر حال چه در هنگام اشتغال به سیاست و یا در هنگام سفر و آواره گی از نگارش و تعلیم دست نکشید و این کوششهای وی سبب شد تا به عنوان دانشمند بزرگ در شرق و غرب مشهور شده و به نام شیخ الرئیس یعنی پیشوای دانشمندان در عالم شناخته شود.

ابوعلی سینا هزار سال پیش از امروز در شرایط اجتماعی خان خانی حیات به سر می برد؛ ولی او اندیشمند بزرگ بود که تن به اسارت فکری نمی داد و در جستجوی راه های تازه و بیان حقایق جدید بود. او در این راه مشقتها بی شماری را متحمل گشت



و در طول عمر کوتاه خود در حدود (۲۳۸) کتاب و رساله نوشته است که تقریباً همه آثارش به دست رسیده و بسیاری از آنها طبع و برخی به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده است.

نخستین اثر او کتاب «المجموع» می باشد. آثار دیگرش عبارتند از: «شفا»، «دانشنامه‌عالی» این اثر در بارهٔ منطق و طبیعیات می باشد. در بارهٔ علم طب ۱۶ اثر نوشته که مشهورترین آنها کتاب «القانون» می باشد. این اثر در ۵ جلد است، که در مباحث اناتومی، پتالوژی و غیره تدوین شده است. او در بارهٔ بیماری های ملاریا، طاعون، وبا، چیچک، سرخکان و غیره نیز بحث نموده است.

کتاب القانون در غرب چنان معروف شده بود که طبیبان اروپا آن را تا قرن (۱۶-۱۷) از معتبرترین کتابهای طبی دانسته، بیماران را از روی آن معالجه می کردند. بیشترین آثار ابوعلی سینا به زبان عربی نوشته شده است؛ زیرا در آن دوره زبان عربی زبان علمی شناخته شده بود. وی به زبان مادری خود یعنی زبان دری هم برخی از آثارش را نوشته است که مشهورترین آنها عبارتند از: «دانشنامهٔ عالی»، «رسالهٔ نبض»، «رسالهٔ علم پیشین و برین» رسالهٔ «طلسمات فارسی» است.

یکی از خدمات مهم ابوعلی سینا این است که در آثار علمی خویش، که به زبان دری نوشته است، به جای اصطلاحات عربی، واژه های ناب دری را به کار برده است. ابوعلی در فعالیت‌های اجتماعی خود مرد پاکفلس و با وجدانی بوده، برای آرامی مردم و مهینش با کمال صداقت کار و کوشش می نمود، چنانکه گفته است: «صداقت انسان را از عیب و خطاها نگاه می دارد.»

فعالیت‌های ادبی ابوعلی سینا

هر چند این سینا بیشتر ایام عمر را به فعالیت های علمی گذرانیده است؛ ولی ادب در تار و پودش جایگاه در خور ستایش داشت.

ابوعلی بنا بر علاقه بی که به شعر و نظم داشته است، آثار ادبی خود را به زبانهای عربی و دری نوشته است. اشعاری که به این سینا منسوب شده بیشتر به گونهٔ رباعی است. او برای نخستین بار از شکل رباعی برای بیان افکار فلسفی خود استفاده کرده است. از این لحاظ به شاعران بعد از خود مانند عمر خیام و دیگران تأثیر زیادی گذاشته است. رباعیاتی که از ابو علی سینا بر جا مانده است، نمایانگر بلندی فکر، تخیل و ادب نیرومند اوست. ابوعلی سینا در رباعی های اخلاقی، مردم را تعلیم می داد که فرصت زنده گی را غنیمت دانسته در کار، پیشه و هنر خود کوشش کنند، تا در روزهای تنهایی و سختی

پشیمان نشوند:

آن به که نیایدت پشیمانی خورد
فردا چه کنی چو هیچ نتوانی کرد

* * *

امروز بکن چو می توانی کاری
امروز بکن چو می توانی کاری
دل گرچه درین بادیه بسیار شتافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت



توضیحات

* دولت سامانی: منسوب به سامان خدا، خاندان خراسانی که در خراسان و ماوراءالنهر حکومت داشته و بخشی از ایران امروزی را تحت تصرف داشتند.
سامانیان اصلاً از بلخ بودند. جد این خاندان در روستای (سامان) بلخ حکمرانی داشت و به سامان خدای معروف بود. ظهور سامانیان را در نیمهٔ دوم قرن سوم هجری تعیین می کنند، این خانواده از ۲۶۱-۳۸۹ هـ.ق. سر اقتدار بودند. عصر سامانیان یکی از دوره های پربار سرزمین ما به شمار میرود، که در این زمان شاعران چیره دست و دانشمندان مشهور می زیستند.



قواعد دستوری

انواع فعل

- ۱- فعل معلوم: عبارت است از فعلی که فاعل آن معلوم باشد؛ مانند: بهرام کتاب را آورد. که در این جمله «بهرام» فاعل و معلوم است.
- ۲- فعل مجهول: فعلی است که فاعل آن مجهول و نا معلوم باشد؛ مانند: کتاب آورده شد. معلوم نیست کتاب توسط چه کسی آورده شده است.
- ۳- فعل لازمی: آن است که به مفعول احتیاج ندارد؛ مانند: بهاره کتاب را آورد. گل شگفت. در این جمله ها «بهاره و گل» فاعل و «آمد و شگفت» فعل است.
- ۴- فعل متعدی: آن است که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز احتیاج دارد؛ مانند: پروین کتاب را آورد، که «پروین» فاعل، «کتاب» مفعول بیواسطه و «آورد» فعل متعدی است.



ابوعلی سینای بلخی از جمله دانشمندان معروف کشور ما به شمار می رود که در سطح جهان از شهرت زیادی برخوردار است. او از سن ۱۸ ساله گی به تالیف کتاب پرداخت. این دانشمند بزرگ عالم اسلام در همه علوم زمان خود دسترسی داشته و مخصوصاً در طب و حکمت از جمله نوادر زمان خویش به شمار می رفت و به همین دلیل در همه جهان همواره در ردیف مشاهیر درجه اول جای دارد.

آثار ابوعلی سینا به بیشتر از (۲۳۸) اثر می رسد که مشهور ترین آنها کتابهای المجموع، شفا، دانشنامه علایی و کتاب قانون می باشد. بسیاری از کتاب های او به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده و در اروپا از نفوذ بیش از حد برخوردار است.

او طبع شعر نیز داشته که برخی از قطعات و رباعی های از وی برجا مانده است. او اولین شخصی است که مسایل فلسفه را در شعر آورده است.

● فعل در زبان دری انواع زیادی دارد؛ از جمله: فعل معلوم، فعل مجهول، فعل لازمی فعل متعدی و



بشنو و بگو

- نام مکمل ابوعلی سینا چیست؟
- ابوعلی سینا در کدام علوم بیشتر دسترسی داشت؟
- فعل معلوم چگونه فعلی است؟
- فعل مجهول را با مثال واضح سازید.
- دقت کرده انتخاب کنید:
- شعری را که خواندید از کی بود:
- الف : عمر خیام ب : حافظ ج : سعدی د : ابن سینای بلخی
- در جمله « باران بارید.» کدام فعل به کار رفته است:
- الف : فعل معلوم ب : - فعل مجهول ج : فعل لازمی د : فعل متعدی

- درین گفتار ابوعلی سینا فعل و فاعل را نشان داده، بگوید که کدام نوع فعل به کار رفته است: « صداقت انسان را از عیب و خطاها نگاه می دارد.»

گفت و شنود

- یک شاگرد از شاگرد دومی در باره آثار ابوعلی سینا پرسید.
- شاگردان به صورت گروهی در مورد افکار و آثار ابوعلی سینا مباحثه نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خود را در مقابل همصنفان خود بیان نمایند.

بخوان و بنویس

- جاهای خالی جملات زیر را با کلمه های مناسب پر نمایید:
- کتاب در علم فلسفه، منطق، هندسه، طبیعیات، موسیقی و غیره است.
 - ابوعلی سینا به تداوی بیماران پرداخت.
 - فعل لازمی آن است که ندارد.
 - شاگردان جملات زیر را روی تخته املا بنویسند و در آن نوع فعل را بیان دارند.
 - ۱. بهرام کتاب را آورد.
 - ۲. مکتب میروید.



- شاگردان رباعی زیر را به حافظه بسپارند:

زان پیش که از جهان فرومانی فرد آن به که نیایدت پیشمانی خورد
امروز بکن چو می توانی کاری فردا چه کنی چو هیچ نتوانی کرد



فولکلور (فرهنگ مردم)



در درس گذشته با شخصیت علمی و فرهنگی ابن سینای بلخی و آثارش که در غنای فرهنگ ما نقش مهم دارد آشنا شدید. اکنون در باره فولکلور (فرهنگ مردم) معلومات حاصل می‌نمایید، که فرهنگ چیست؟ شامل چند بخش بوده و چه ارزش دارد؟ دانستن این موضوعات هدف درس است. آیا گفته می‌توانید، که فولکلور چیست؟

فولکلور کلمهٔ آلمانی بوده Folk به معنای مردم Lore به معنای فرهنگ می باشد. فرهنگ عبارت از مجموع دست آورد ها و ارزش های مادی و معنوی جامعهٔ بشریست، که در طول تاریخ ایجاد شده است. فولکلور به دو بخش تقسیم می شود .

۱- ادبیات شفاهی یا عامیانه
۲- فرهنگ عامیانه

ادبیات شفاهی: شامل افسانه ها، چيستازها، دو بيتی ها، ضرب المثل ها، لطیفه ها، سرود، حاضر جوابی، هزل، بذل و غیره می باشد.
فرهنگ عامیانه: شامل رسم و رواج ها، اعتقادات، نذرها، طبابت محلی، موسیقی محلی، رقص، بازی ها و سرگرمی ها از قبیل نيزه بازی، توپ دنده، بزکشی، ريسمان کشی، دنده کلک، گدی پزان بازی، چشم پتکان و سایر بازی ها می شود. فولکلور آثار شفاهی مردم است، که خصوصیت جمعی دارد. یعنی محصول عقل، ادراک یک شخص نبوده؛ بلکه نتیجهٔ شعور، فکر، کار مشترک، متداوم و تدریجی انسانهاست درطول زمان. گویندهٔ آثار فولکلوری معلوم نیست.

در قدیم مردم افسانه ها، داستانها، چيستازها، دو بيتی ها، ضرب المثل ها، لطیفه های که در بین شان ایجاد می شد به حافظه می سپردند و آن را به دیگران انتقال می دادند و به همین قسم رسم و رواج ها، اعتقادات و نذرها سینه به سینه از یک نسل به نسل دیگر انتقال می یافت و به حث میراث گرانبهای نیاکان نزد امروزیان قرار دارد.

فولکلور حوادث واقعی و تاریخی را در شکل هنری آن تصویر می کند و علاوه بر این در بارهٔ جهان بینی، آرزو، آمال مبارزه، رسم و آیین گذشتگان ما معلومات ارزشمند می دهد. خصوصیت اساسی فولکلور، شفاهی بودن آن است که از زبانی به زبانی انتقال می کند و گسترش می یابد. هر ملتی از خود فولکلور دارد. منبع تصویر هنری فولکلور خود یعنی کار، زحمت، آرزو و مبارزهٔ اوست. شناخت فولکلور برای هر ملتی ضروری است؛ زیرا بدون شناخت فولکلور نمی توان گذشتهٔ خود را باز شناخت. فولکلور در تربیهٔ نوجوانان با روحیهٔ وطن دوستی اهمیت زیاد دارد. در ادبیات فولکلور عقاید انسان دوستی، عدالت پروری، وفا داری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری و غیره مسایل افاده شده است، که برای تربیت جوانان با روحیهٔ عالی انسانی از اهمیت خاصی بر خوردار می باشد.

قواعد دستوری

قید: کلمه‌ی است که چگونه‌گی اجرای فعل را در جمله بیان می‌دارد؛ زیر افعال در جمله دارای معنای نا مشخص و نا محدود بوده، بدین علت با موضوعات زیاد در ارتباط می‌باشد؛ مثلا: محل وقوع، وقت وقوع، علت وقوع، چگونه‌گی و کمیت وقوع و امثال آن.

قید از نگاه معنی به انواع مختلف تقسیم می‌شود: قید زمان، قید مکان، قید مقدار، قید تأکید، قید پرسشی، قید شک، قید نفی، قید تمنا و... که هر کدام را به طور جداگانه در درس های آینده می‌خوانید.

مثال:

۱. قاسم امسال اول نمره شد.
 ۲. باران آهسته آهسته می‌بارد.
- در جمله اول امسال و در جمله دوم آهسته آهسته قید است.

خلاصه درس

فولکلور (فرهنگ مردم) خصوصیت جمعی دارد. محصول عقل و ادراک یک شخص نبوده؛ بلکه نتیجه شعور، فکر، کار مشترک، متداول و تدریجی انسانها در طول زمان میباشد. فولکلور به دو بخش تقسیم میشود. ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه. بدون شناخت فولکلور نمی‌توان فرهنگ گذشته خود را باز شناخت. فولکلور در تربیه نوجوانان با روحیه وطندوستی اهمیت زیاد دارد.

فعالیت‌ها

پشنو و بگو

- به پرسشهای زیر پاسخ مناسب ارائه نمایید.
- معنای فولکلور چیست؟
- فولکلور شامل کدام بخش‌ها بوده؟ هر کدام را طور جداگانه معرفی نمایید.

- مهمترین جنبه ارزشی فلکور را چگونه توضیح می دارید؟
- فولکلور در تربیه نو جوانان چه تأثیر دارد؟
- این ضرب المثل ها چه مفهوم را می رساند؟
- « آدم بیکار درخت بی حاصل»
- « بز در غم جان کندن و قصاب در غم چربو»
- قید را تعریف نموده و انواع آن را نام بگیرید.
- یک یک جمله بگویید، که در آن قید به کار رفته باشد.

گفت و شنود

- به کدام بخش فولکلور بیشتر علاقه دارید؟ در رابطه با آن دو نفر با هم مباحثه نمایید.
- در باره بازی های فولکلوری که آگاهی دارید در گروه ها باهم بحث و گفتگو نموده نتیجه را یک نفر به دیگران بیان کند.

بخوان و بنویس

- دو بیت ذیل را خوانده و احساس تان را در مورد آن، در دو سطر بنویسید.
- نماز شام غربی رخ به من کرد دلم جولان زد و یاد وطن کرد
- نمی دانم پدر کرد یا برادر مرا گوشه نشین هر وطن کرد
- در باره جشن نوروز و بازی های عنعنوی در این جشن مقاله کوتاه بنویسید و نشانه گذاری را در آن مراعات نمایید.
- شاگردان به دو دسته تقسیم شده، دسته اول رسم و رواج های عروسی منطقه شان را و دسته دوم نذر هایی که در منطقه شان رواج دارد است نمایند و بعد از آن نماینده هر دسته مطالب را بخواند.
- معلم ما امروز در باره نظافت صحبت کرد.
- من بیشتر به درس علاقه دارم.
- شاگردان گروه گروه به میدان فتنال می رفتند.



چند چیستان و ضرب المثل بنویسید و روز آینده در صنف بخوانید.

وحدت ملی



پی بردن شاگردان به ارزش و اهمیت وحدت ملی در کشور و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است. حراست و پاسداری از فرهنگ مردم و عنعنۀ پسنیدیده موجب تحقق وحدت ملی، رفاه و ترقی در کشور می گردد. آیا میدانید که وحدت ملی چیست؟

وحدت ملی عبارت از اشتراک همهٔ افراد ملت در آمال و مقاصد واحدی می باشد. به عبارت دیگر، وحدت ملی به این معنی است که مردم یک کشور دارای هر زبان، نژاد، مذهب و هر مسلکی که باشند، باید همیشه و در هر حال در امور سیاسی، به خصوص سیاست خارجی در برابر بیگانه، متحد بوده و وطن را حفظ نمایند و در اختلافات بزرگ و کوچکی که دارند، بیگانه را دخالت ندهند و حل و فصل آنها را به خردمندان ملت خود واگذار کنند.

توجهٔ همگانی به پیشرفت متوازن معارف، تقسیم عادلانهٔ قدرت، توجه یکسان به فرهنگ و زبانهای ملی و رسمی، سرکوب روحیهٔ نفاق ملی و مهم تر از همه نابود سازی اسباب بی عدالتی و ظلم موجب می شود که وحدت ملی در جامعه نیرومند گردد. ایجاد وحدت ملی در جوامع چندین ملیتی آسان نیست. آرمان وحدت ملی مستلزم ظرفیت بزرگ و وجدان بیدار است. هنوز پیشرفته ترین کشور های جهان در این مورد با احتیاط برخورد می نمایند. دین مقدس اسلام چون آیین عدالت، مبدأ و منشأ پیدایش همهٔ انسانها را یکی دانسته تأکید می کند که مؤمنان باهم برادرند. پس در بین شان صلح، برادری و برابری را برقرار نمایند. این مفهوم در فرهنگ اسلامی و ادبیات ملی ما هم پیوسته مورد تأیید بوده است؛ چنانکه در مادهٔ ششم قانون اساسی مصوب ۶ دلو ۱۳۸۲ هـ. ش. آمده است:

«دولت به ایجاد یک جامعهٔ مرفه و مترقی، بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبايل و انکشاف متوازن در همهٔ مناطق کشور مکلف می باشد.»

از جانب دیگر خون معیار شناسایی انسان نبوده؛ بلکه اندیشه، اصل شناسایی انسان است؛ چه انسان موجود معمولی است و به وسیلهٔ همین معنا و گفتار است که از دیگر موجودات برتر می شود؛ مولانا جلال الدین محمد بلخی چه زیبا گفته است:

ای برادر تو همان اندیشه ای
ما بقی تو استخوان و ریشه ای
پس هر نوع خود بینی و خود ستایی فردی، گروهی و قومی عمل معایر با ارزشهای دینی را بیان می دارد. از جانب دیگر معیار قرار دادن رنگ و قوم و نژاد؛ انسان را حقیر می سازد؛ چنانکه علامه اقبال گفته است:

نه افغاییم و نه ترک و تباریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پروردهٔ یک نسو بهاریم
از طرف دیگر مسأله این است که در جهان، سرزمینی وجود ندارد که در آن تنها و تنها یک قبیلهٔ خاص زنده گی نماید؛ تنوع و تکثر در تمام کشور ها دیده می شود، پس لازم است که همهٔ اقوام با توجه به اهمیت و پیچیده گی موضوع، با همدیگر پذیرایی



و حق شناسی به مشترکات که مکمل و ضامن وحدت ملی است؛ ببندیشند و با احترام به ارزشهای یکدیگر فضای برابری و وحدت را با شکوه هرچه کاملتر حفظ نمایند؛ چرا که آرزوی رسیدن به وحدت ملی یک برنامه ملی است و در مورد چنین برنامه بی هیچ کس نمی تواند به هیچ عنوانی خود را کنار بگذرد؛ زیرا به قول معروف « صدا از یک دست نمی خیزد» پس هر فرد کشور لازم است تا در جهت رسیدن به وحدت ملی که ضامن رفاه، عزت، اقتدار و اعتبار ملت هاست، یک نفس آرام نیاید نشست. خوشبختانه افغانها با وحدت و همبستگی از منافع ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور دفاع نموده و می نمایند و می توانند با وحدت ملی در دفاع از میهن بپردازند.

با وحدت ملی در پرتو عدالت اجتماعی است اگر باهم یکجا زنده گی کنیم، از جهل، فقر و پراکنده گی نجات می یابیم.

قواعد دستوری

قید زمان: آنست که زمان وقوع فعل را نشان دهد؛ مانند: گاه، پیوسته، همیشه،

همواره، دیر، زود، بامداد، دوش، پار، امسال، شب، روز....

۱. حیب همیشه راست می گوید.

۲. نجیبه صبح زود از خواب بر می خیزد.

قید مکان: آن است که مکان وقوع فعل را بیان کند؛ مانند: آنجا، اینجا، هر جا،

همه جا، بالا، پایین، درون، بیرون، چپ، راست.

۱. عزیز به آنجا رفت.

۲. جمیله بالا و پایین می دوید.

خلاصه درس

وحدت ملی ضامن منافع ملی، تمامیت ارضی، رفاه و پیشرفت اجتماعی است. ما باید با همدیگر پذیری و ایثار و فداکاری وحدت ملی را در کشور تأمین و در راه ترقی و اعتلای میهن متحدانه قدم برداریم. قید زمان آنست که زمان وقوع فعل را نشان می دهد و قید مکان محل وقوع فعل را بیان می کند.



بشنو و بگو

- به سؤال های زیر جواب بدهید:
- وحدت ملی چه را می گویند؟
- وحدت ملی تضمین کننده چیست؟ توضیح دهید.
- **گفت و شنود**

• شاگردان به دو گروه تقسیم شده سپس هر گروه در باره اهمیت وحدت ملی در پیشرفت کشور باهم بحث و گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث شان را به دیگران بیان نماید.

• دو دو نفر در مورد قواعد دستوری که خواندید باهم بحث نمایید و با ارائه مثالها نتایج بحث را وضاحت دهید.

بخوان و بنویس

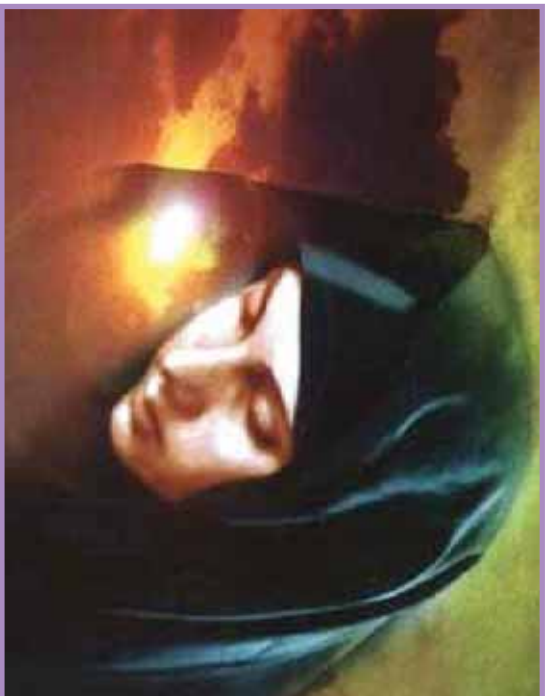
- متن درس را بخوانید و خلاصه آن را در پنج سطر بنویسید.
- در جمله های زیر قید های زمان و مکان را مشخص سازید.
- ۱- زیبا دیروز به مکتب رفت.
- ۲- پروین در خانه است.
- ۳- این کتاب را پارسال خوانده ام.
- ۴- شکیب شب و روز زحمت می کشد.
- ۵- مکتب جای درس خواندن است.
- ۶- نیله فردا به کتابخانه می رود.
- ۷- عزیز امسال از سفر برگشت.
- ۸- افغانستان در ۱۹۱۹ م. استقلال خود را گرفت.
- ۹- برادرم یک هفته قبل از بدخشان آمد.
- ۱۰- کابل پایتخت افغانستان است.



در باره وحدت ملی ده جمله بنویسید و در آن قید زمان و قید مکان را نشان دهید.



حقوق زن در جامعه



آگاه ساختن شاگردان از نقش و حقوق زن در جامعه و تقویت مهارت های زنانه هدف درس است.
شاگردان عزیز، شما در درس های گذشته پیرامون مادر و ارزشهای مربوط به او معلومات حاصل کردید و دانستید که مادر در یک تعریف دیگر زن است که از حقوق و امتیازات خاص برخوردار می باشد و افراد جامعه مکلف به پیروی و رعایت حقوق زن است.
آیا می دانید زن در جامعه دارای چه حقوقی است؟

زن به مثابهٔ یک مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است که برای شان محفوظ بوده و تمامی افراد جامعه مکلف اند؛ تا رعایت آنرا یک وظیفهٔ اساسی و مهم دانسته، در رعایت آن غفلت ننمایند، حق انتخاب کردن، کسب علم، رفاه و آسایش برای پرورش بهتر افراد جامعه و سایر حقوقی که در دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور برایشان مسجل گردیده، می باشد. هیچ کس نمی تواند زنان را از حق تحصیل و سایر حقوق شان محروم سازد؛ زیرا همین زنان تحصیل کرده هستند، که با تقدیم فرزندان شایسته، به صفت علما، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفاه و آبادانی جوامع، نقش سازنده یی را ایفا می کنند.

ملت افغانستان، ملت آزاده و مسلمان است. باید با پیروی از ارشادات الهی که می فرماید: «وَعَا شَرُّوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» یعنی با زنان رفتار نیک کنید و با پیروی از پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی (ص) که احترام و اکرام کننده گان زنان را کریم و بخشنده و اهانت کننده گان زنان را نکوهش نموده است. زنان را احترام کنند و حقوق شان را در عرصه های مختلف مراعات نمایند. همچنین افغانستان که عضو جامعهٔ جهانی و سازمان ملل متحد بوده و کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب رسیده است؛ امضا نموده ، بنابراین دولت افغانستان با در نظر داشت الحاق دولت ما به آن کنوانسیون حقوق زنان را باید تأمین کند.

آیا می دانید پیوستن و ایمن آوردن به دین بزرگ اسلام که امروز بیش از هزار میلیون در جهان پیرو و هوا خواه دارد، آغازش از کدام شخص بود؟

پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. «خدیجه» نخستین کسی است که قبل از هرکس شایسته گی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و از این رو نخستین فرد مسلمان در جهان به شمار می رود. آیا می دانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟ باز هم او یک زن بود. یعنی «سمیه» مادر عمار.

اسلام برای زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه های اساسی را بازستاندن حقوق از دست رفتهٔ زنان قرار داد. پیامبر(ص) به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش می کرد، زنان را امانت خدا می خواند و می فرمود: زنان در دست شما امانت خدایند، احترام آنان را حفظ دارید. آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا، پر و بال گشوده بودند؛ آنهم به روزگاری که غالباً می دانیم تا چه اندازه زن در جزیرهٔ العرب قبل از اسلام خوار و بی مقدار انگاشته می شد، دختران را زنده به گور می کردند و شبانه به این کار دست می زدند تا

مبادا، همسایه از وجود دختری در خانه همسایه دیگر آگاه شود. وجود دختر در آن محیط ننگی بزرگ به شمار می رفت. در چنین شرایطی بود که ناگهان زن از جای برخاست و پیشتر و پیشگام در تحول سرنوشت ملتی عظیم شد. آیا این امر، جز نتیجه برکات تعالیم اسلام در خدا پرستی و ایمان و توکل به خدا بود؟ پس بر دولت و در مجموع ملت مسلمان افغانستان است تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه های مختلف نقش سازنده شان را ایفا نمایند و جامعه را به سوی رفاه و ترقی رهنمون شوند.

توضیحات

- مخترع: اختراع کننده، کسی که چیزی ابداع و ایجاد کند؛ مانند: اختراع برق، اختراع گرمافون
- مکتشف: اکتشاف کننده، کسی که چیزی را کشف و آشکار کند؛ مانند: کشف آتش.
- پیشتر: پیش نازنده، سواره بی که جلوتر از دیگران بتازد، کسی که پیش از دیگران بر دشمن حمله کند.

قواعد دستوری

قید حالت (قید وصفی): که حالت فاعل یا مفعول را در هنگام وقوع فعل نشان می دهد؛ مانند: مست، هوشیار، خندان، پیاده، دوان دوان، لنگ لنگان، شادی کنان، وحشت زده، سر به گریبان، دست به سینه، ایستاده نشسته، خوابیده....

قید مقدار یا کمیت: که مقدار یا اندازه را بیان می کند؛ بسیار، کم، خیلی، بیش، چندان، همه، فراوان، اندک اندک، کمابیش، سراسر، تقریباً، تخمیناً، کلاً....

خلاصه درس

رعایت حقوق زن در جامعه از اهمیت ویژه یی برخوردار است؛ زیرا زنان نیم بیکر جامعه را تشکیل می دهند. اگر نصف جامعه ما را که به عنوان مادر، خواهر،

دختر، و همسر ایفای وظیفه می نمایند نادیده بگیریم؛ جامعه ما رو به انحطاط خواهد رفت. پیامبر خدا کسانی را که زنان را احترام و عزت می کنند کریم و بخشنده و کسانی که زنان را اهانت می کنند، نکوهش میکند.

فعالیت‌ها



بشنو و بگو

- زن در جامعه چه نقش و حقوقی دارد؟
 - پیامبر اسلام در باره زن چه گفته است؟
 - نخستین زن مسلمان کی بود؟
 - قید مقدار را تعریف نموده چند مثال بیاورید.
 - قید حالت چگونه قیدی را می گویند؟
- گفت و شنود**

- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده، درباره نقش زن در جامعه بحث کنند.
- چند شاگرد به نوبت خلاصه درس را به زبان خود بیان نمایند.
- شاگردان در مورد قید حالت و قید مقدار مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- واژه‌های زیر را معنی و در جمله‌های مناسب به کار برید:
- حقوق، وحدت، احترام، اکرام، اهانت، تصویب، شایسته‌گی، ارشاد، مبین
- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:
 - ۱- خدیجه همسر..... بود.
 - ۲- اولین شهید اسلام..... بود؟
 - ۳- حقوق زنان را باید..... کرد.
 - ۴- تبعیض در اسلام..... است.
- قید حالت و مقدار را در کلمه‌های زیر تشخیص دهید:
خندان، دوان دوان، لنگ لنگان، نشسته، پیش، تخمین، کلا، اندک اندک،

کارخانه‌گی



- پیام اصلی درس را در شش سطر بنویسید.



درس سیزدهم

شهد یا عسل



آگاهی حاصل نمودن شاگردان از اهمیت غذایی و اقتصادی عسل و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است.
آیا می دانید که عسل برای صحت و سلامتی انسان چی فایده دارد؟

شهد یا عسل، قوی ترین و پاک ترین غذا است، که بشریت از ابتدای پیدایش، آن را شناخته و به نحوی از آن استفاده کرده اند. اقوام دوره بربریت، بر لانه های زنبور های عسل وحشی، حمله برده و از آن تغذیه می کردند. اکنون بعد از تقریباً سه هزار سال، قبرهای فراعنه را باز می کنند، با کمال تعجب ملاحظه می شود که کوزه های عسل که در آنجا گذاشته شده بود، فاسد نگردیده است. به گفته کار شناسان مواد غذایی، عسل بهترین خوراکی است که از گذشته مورد استفاده قرار داشته است.

عسل دو برابر قند معمولی مواد غذایی دارد، شگفتی در آنجاست که این قند برای اشخاصی که مبتلا به شکر هستند، نه تنها ضرر ندارد؛ بلکه مقدار کم آن مفید می باشد. عسل اکثر ویتامین ها را در خود دارد، بنابراین یکی از غذاهای نیرو بخش بدن بخصوص برای عضلات است.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز از گذشته ها زنبور های عسل تحت تربیه گرفته شده است و عسل آن به بازار عرضه می شود. طوری که گفتیم عسل یا شهد، توسط زنبور های عسل تولید می شود، از این جهت شغل زنبورداری یک شغل بسیار دلچسپ و صنعت مهم به شمار می رود. تربیه زنبور عسل یکی از رشته های با ارزش و مهم زراعتی در کشور ماست که در بلند بردن سطح اقتصاد خانواده ها تأثیر بسزا و سودمند دارد. زنبور های عسل شیرۀ انواع گل ها را می گیرند و عسل تولید می کنند.



۱- دوره بربریت: دوره یی که انسان هنوز فهمیده نشده بود.

۲- فراعنه: دود مانی بود که سه هزار سال قبل از امروز در مصر پادشاهی داشتند.



قید شرط: آن است که از آن معنای شرط فهمیده شود یا انجام عملی که به عمل دیگری وابسته باشد؛ مانند: اگر پول بدست آوردم موتر می خرم. در اینجا خریدن موتر به شرطی انجام می یابد که پول به دست آید و خریدن موتر با کلمه (اگر) مقید شده است.

در زبان دری، مهمترین قیود شرط این هاست: اگر، چون، چندانکه، چنانچه...
قیود تمنا: آن است که از آن معنای آرزو کردن چیزی فهمیده شود، یعنی گوینده امید به دست آوردن چیزی و یا انجام عملی را کند؛ مانند: کاشکی من پیلوت می بودم.
از این جمله فهمیده می شود که گوینده آن پیلوت نیست؛ اما آرزو کرده است که اگر پیلوت می بود، بهتر بود.
قیود تمنا در زبان دری، اداتی دارد و بدین قرار: کاش، کاشکی، آیا بود، ای کاش و....

خلاصه درس

بنابر گفته طیبیان، شهد یا عسل قویترین و پاکترین غذایی است که بشریت از آغاز زنده گی بر روی زمین، آن را شناخته و از آن استفاده کرده است.
شهد را زنبور های عسل تولید می کنند، زنبور های عسل که زنده گی خانواده گی و اجتماعی عجیبی دارند، بر روی گل ها می نشینند و شیره گل ها را جمع آوری کرده داخل لانه ها یا کندو های خود می شوند و تحت یک نظم خاص عسل تولید می کنند. عسل برای تأمین صحت و سلامتی بدن نهایت مفید است و در جهان مصرف زیاد دارد.
قید شرط عبارت از قیدی است که معنای شرط از آن فهمیده شود یا انجام عملی به عمل دیگری وابسته باشد. قید تمنا آن است که از آن معنای آرزو کردن چیزی فهمیده شود.



بشنو و بگو

- شاگردان به درس معلم گوش فرا داده، به پرسشهای زیر جواب ارائه کنند:
- عسل از چه بدست می آید؟
 - کارشناسان مواد غذایی در مورد استفاده از عسل چه می گویند؟
 - آیا گفته می توانید که خوردن عسل چه فایده دارد؟
 - قید شرط را تعریف نموده مثال بیاورید؟
 - قید تمنا چگونه قید را گویند؟

گفت و شنود

- شاگردان دو دو نفر در بارهٔ فواید عسل باهم مباحثه نمایند.
- یک شاگرد از شاگرد دومی در بارهٔ قید تمنا و قید شرط پرسد .
- بخوان و بنویس
- جملات ذیل را خوانده بعداً به دقت جاهای خالی را تکمیل نمایید:
- شهد یا عسل است.
- خوراکی است که در گذشته و حال است.
- تریهٔ زنبور عسل یکی از در کشور ماست.
- یکی از رشته های است.

جواب درست را انتخاب کنید:

- عسل توسط چه تولید می شود؟

الف: زنبور

ب: زنبور عسل

ج: هیچکدام

- استفاده از عسل چه فایده دارد؟

الف: حافظه را تقویت می کند.

ب: از کم خونی جلوگیری می کند.

ج: به بدن نیرو و قوت می بخشد.

د: از رفتن موی جلوگیری می کند.

• متن درس را خاموشانه بخوانید سپس مفهوم آن را به زبان ساده در کتابچه هایتان بنویسید.

- جملات زیر را بخوانید سپس زیر قید شرط و تمنا خط بکشید:

۱. احمد اگر درس می خواند کامیاب می شد.
۲. پدرم چون ناوقت آمد او را دیده نتوانستم.
۳. ای کاش غفلت نمی کردم.
۴. شما را کاشکی می دیدم.



شاگردان پنج جمله در مورد فواید عسل در کتابچه های خود بنویسند.





درس چهاردهم

صوفی عشقوری



معرفی چهره های ادبی ادبیات معاصر دری به شاگردان و تقویت مهارت های زبانی ایشان هدف درس را تشکیل می دهد، اشعار عشقوری چون شاهد شیرین است.
(تا به پای قصر شیرین نعش فرهاد آورد) مصراع شعر از کدام شاعر ادب دری است؟

صوفی غلام نبی عشق‌ری فرزند مرحوم عبدالرحیم در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در دهکده چهاشن یغمان دیده به جهان گشود. خانواده او پیشه تجارت داشت. عشق‌ری در بارانۀ کابل می زیست. او یک جوان کاکه، عیار و آزاد منش بود، در اوایل زنده گی پیشه تجارت را اختیار نموده بود، به گفته خودش:

تجارت پیشه ما بود چندی به هر جا بود از ما بار بندی
اما عشق‌ری به دنیای فانی علاقه بیش نداشته و به همه داشته های زنده گی پشت پا زده گوشه نشینی اختیار نمود. چون علاقه بیش از حد به تصوف داشت، متقی و پرهیزگار بود او را صوفی خطاب می کردند.

عشق‌ری اشعار خود را در قالب چکامه و غزل می سرود و نخستین شعرش را در سال ۱۲۹۳ هجری سرود و بسیاری اشعارش در روزنامه ها و جراید آن زمان به چاپ رسید. او در سال ۱۳۳۵ هـ ش. شغل صحافی را برگزید و با کتاب سر و کار پیدا نمود و بزمهای شاعرانه برپا می نمود که هر روز بر جمع دوستدارانش می افزود؛ بلاخره صوفی عشق‌ری در ۹ سرطان سال ۱۳۵۸ هـ ش. به عمر هشتاد و پنج ساله گی دار فانی را وداع گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

آنچه از عشق‌ری به مثابه میراث ماندگار به جا مانده است؛ مجموعه حمدیه ها نعتیه ها و منقبت هاست که در دفتری به نام «دل نالان» به چاپ رسیده است.

نمونه سخن عشق‌ری :

مشت خاکم را مگر بر درگهت باد آورد	کس نشسد پيدا که در بزمت مرا یاد آورد
تا به پای قصر شیرین نعش فرهاد آورد	یک رفیق دستگیری در چهان پيدا نشسد
تیر خون آلود خود را نزد صید آورد	آرزوی مرغ دل زین شیوه حیرانم که چیست
گر به دشنامی لب لعلت مرا یاد آورد	در صف عشاق می بسالد دل ناشاد من
همچو آن طفلی که حلوا پیش استاد آورد	دل کند لغت جگر را نذر چشم گلرخان
یادی از حال من غمگین ناشاد آورد	باشد آن روزی که آن شوخ فرامش کارمن
بهر دست و پای من زنجیر فولاد آورد	کیست تا از روی غمخواری در این دشت جنون
	عشق‌ری از روی علم و فن نمی سسازد غزل
	این فـدر مضمون نـو طبع خـدا داد آورد

- حمدیه : اشعاری که در ثنا و صفت خداوند (ج) سروده می شود.
- نعتیه : اشعاری که در اوصاف حضرت پیامبر (ص) سروده می شود.
- منقبت : اشعاری که برای امان و پیشوایان دین به مناسبت های مختلف سروده می شود.

قواعد دستوری

- ۱- **قید تأکید**: آن است که معنای فعل را شدت بخشیده و آن را مؤکد سازد چون: همانا، هر آینه، به درستی، البته، حتماً، ضرور، بدون شک و امثال آن.
 - احمد شب و روز درس می خواند حتماً درجهٔ خوب خواهد گرفت.
 - پروانه همه روزه گلها را آبیاری می کند بدون شک شگوفه می کند.
- ۲- **قید شک**: آن است که به گمان و یقین نداشتن دلالت کند؛ مانند: شاید، گویا، گویی، ممکن، احتمالاً
آسمان ابری است شاید باران بیارد.
عدم رعایت نظافت ممکن است باعث شیوع امراض گردد.
احتمالاً تراشه، روز نوروز مزار شریف خواهد رفت.

خلاصه درس

عشقری از جملهٔ شاعران معاصر افغانستان بوده. او در سال ۱۲۷۳ هـ. ش. در دهکدهٔ یقمان تولد و در سال ۱۳۵۸ هـ. ش. وفات کرد، در غزلی که از عشقری به عنوان نمونهٔ سخنش آورده شده است، از هجر و فراق سخن می گوید و بخاطر وصال آماده گی خود را تا قربان شدن بیان می دارد و شعر خود را الهام و از طبع خدا داد می داند.

قید تأکید آن است که معنای فعل را شدت بخشیده و آن را مؤکد سازد چون؛ همانا، هر آینه، به درستی، البته، حتماً...
قید شک آن است که به گمان و یقین نداشتن دلالت کند؛ مانند: شاید، گویا، گویی، ممکن، احتمالاً....



بشنو و بگو

- به پرسشها پاسخ مناسب ارائه نمایید.
- صوفی غلام نبی عشقوری کی بود؟
- مراد و مقصود شاعر در شعر که خواندید چیست؟
- قید شک را تعریف نمایید.
- دقت کرده انتخاب کنید:
- ۱- شعری را که خواندید از کدام یک از شعرا است؟
الف: سعیدی ب : حافظ ج : عشقوری
- ۲- نام پدر صوفی عشقوری چه بود؟
الف - امان الله ب - عبدالله ج - عبدالرحیم

گفت و شنود

• شاگردان در مورد زنده گی و اشعار صوفی عشقوری به صورت گروهی بحث نموده و از هر گروه یک نفر نتیجهٔ مباحثه خود را به آواز بلند به همصنفان خود بیان نمایند.

بخوان و بنویس

- جاهای خالی در این جملات را با پینسل پر بسازید؟
- ۱. صوفی از جملهٔ شاعران است.
- ۲. اشعار شامل است.
- قید تأکید آنست که معنای مؤکد می سازد.
- شاگردان یک یک نفر جمله‌های زیر را روی تخته نوشته و قید های آنرا نشان دهند:
- ۱. آسمان ابری است شاید باران ببارد.
- ۲. انسان کوشش کند ضرور موفق می شود شاید راست گفته‌اند که بی زحمت راحت نیست.



شاگردان یک پارچه شعر عشقوری را روز آینده بیاورند و به آواز بلند پیش روی صنف بخوانند.



درس پانزدهم

رعایت حفظ الصحة محیطی



شاگردان با در نظر داشت ارزش های اجتماعی و صحی، حفظ الصحة محیطی را رعایت کنند؛ هدف درس را تشکیل می دهد. در باره پاکي و نظافت، درس هایی خواندیم، میدانیم، که نظافت جزء ایمان است. با در نظر داشت این موضوع حفظ الصحة محیطی را باید رعایت نماییم.
چگونه می توانیم محیط عاری از کثافات داشته باشیم؟

در یکی از روزهای جمعه احمد با خواهر کوچکش زینب، برای تفریح در یکی از پارک‌های نزدیک منزل شان رفتند، تا به تفریح و هواخوری بپردازند. آن‌ها در آنجا دیدند که ده‌ها تن از شهروندان مصروف دور کردن کثافات از سرک‌ها و چمن‌ها هستند.

در این وقت احمد و زینب با شگفتی متوجه شدند، مردمی که در پارک بودند، کثافات، توت‌های کاغذ و بقایای سبزی‌ها و میوه‌ها را با سرعت گرد می‌آورند و آن‌ها را در موترهای انتقال کثافات که از سوی شاروالی مؤظف شده بودند، می‌اندازند و موترها کثافات را انتقال می‌دهند.

احمد که بزرگتر از زینب بود، از یک شخص پرسید: کاکا جان! این کثافات را که در موترها میندازند به کجا می‌برند؟

آن شخص با شگفتی و مهربانی بر سر او دست کشید، چنین پاسخ داد: فرزند عزیزم مؤظفان شاروالی هفته‌یکبار این پارک را پاک می‌کنند؛ سایر مردم نیز که در پارک حضور دارند، برای یکی دو ساعت در جمع‌آوری کثافات با کارمندان شاروالی طور داوطلبانه همکاری می‌نمایند؛ زیرا اگر کثافات بخصوص در فصل تابستان در گوشه و کنار پارک باقی‌مانند، بوی و تعفن آن انسان‌ها را اذیت می‌کند باعث نشو و نمای میکروب‌های مضره نیز می‌گردد.

احمد گفت: کاکا جان این کثافات از کجا می‌شود؟

شخص مذکور گفت: از اثر بی‌احتیاطی که بقایای سبزی‌ها، میوه‌ها و پوست آن‌ها را هر طرف میندازیم و با غذای که با خود می‌آوریم، باقی‌مانده آن‌ها را بی‌توجهی این طرف و آن طرف پارک نیندازیم، تا محیط ما پاک و نظیف باقی‌ماند و به همین ترتیب می‌توانیم با انتقال کثافات به جای معین، منزل، کوچه، سرک و ناحیه خود را پاک نگاه کنیم. با شنیدن این حرف‌ها احمد و زینب هر دو در کار جمع‌آوری کثافات شرکت کردند.

شامگاهان وقتی احمد و زینب به خانه برگشتند، سهمگیری خود را در پاک‌کاری

محیط به پدر خود گفتند. پدر با شنیدن حرف های فرزندان که آن ها در کار دسته جمعی پاک کاری پارک اشتراک ورزیده بودند، نهایت خوشحال گردیده خطاب به فرزندان گفت: آفرین عزیزان! ما باید هر کدام حفظ الصحه شخصی و حفظ الصحه محیطی را رعایت کنیم. حفظ الصحه شخصی مربوط می شود به نظافت و پاکی بدن، لباس، و وسایل مورد استفاده در خانه، مکتب و محل کار و حفظ الصحه محیطی، عبارت است از: رعایت نظافت در جاهایی که انسان ها به خاطر اجرای کار، تفریح و غیره قدم می گذارند.

ما نه تنها به حفظ الصحه مراکز مسکونی؛ بلکه به پاک کردن و تنظیف مکاتب، مساجد، فابریکه ها، هتل ها، شفاخانه ها و دیگر مراکز محل تجمع انسان ها توجه داشته باشیم؛ پیغمبر بزرگوار ما حضرت محمد (ص) فرموده اند: «نظافت جزء ایمان است.» پس برای اینکه ایمان ما کامل باشد و از سوی دیگر صحتمند و تندرست باشیم، به حفظ الصحه محیطی توجه داشته باشیم؛ زیرا بزرگان گفته اند: «یک عمر کوتاه که با صحت و نشاط همراه باشد؛ بهتر از عمر دراز با درد و اندوه است.»



کار جمعی یعنی کاری که مردم در آن به صورت داوطلبانه اشتراک نمایند. در کشور ما از دیر زمان مردم به کارهای حشر داوطلبانه پرداخته اند که سهمگیری جمعیت مردم در اعمار بندهای آب، سرک ها، محلات مساجد و غیره از نمونه های بارز آن می باشد.

کار جمعی برای پاک کردن شهرها، پارک ها و سرک های مربوط آن ها به خاطر پاکی محیط زیست و رعایت طب وقایوی، به حیث یک سنت و فرهنگ در میان مردم افغانستان از قدیم رایج است و هنوز هم رعایت می شود.



۱ قید پرسشی: عبارت از قیدی است که علت واقع شدن حالتی یا انجام یافتن عملی را از فاعل جو یا شود و آنها عبارتند از: کی، تا کی، تا چند، چرا، چه مایه، آیا، مگر و غیره.

قید نفی: عدم وقوع فعل را تأیید می کند؛ مانند: هیچ، هرگز، بکلی و...

قید نتیجه: که نتیجه عمل را بنماید؛ مانند: سرانجام، عاقبت، بالاخره، باید گفت: که فعل در جمله می تواند یک قید داشته باشد و یا بیشتر؛ مثلاً: حمید دیروز صبح شتابان اینجا آمد. درین جمله دیروز، صبح شتابان و اینجا قید می باشد.

خلاصه درس



توجه به حفظ الحصه محیطی، توجه کردن به صحت و سلامت انسان است. با انکشاف شهرها، تراکم نفوس در محلات مسکونی، استفاده زیاد از مواد سوخت در شهرها و ایجاد فابریکه ها، حفظ الصحه محیطی را با مشکل مواجه کرده است. کارکنان طب و قانونی، برای حفظ الصحه افراد در رابطه به پاکي محیط زیست، تهیه آب آشامیدنی و جلوگیری از بروز امراض ساری کار می کنند؛ که بدون همکاری مردم در حفظ الصحه محیطی و حفظ آب و هوا از آلوده شدن، پاکي محیط زیست عاری از دشواری نخواهد بود.

امروز کوشش زیاد به خرج داده می شود که حفظ الصحه محیطی مراعات گردد؛ تا مردم در محیطی پاک و عاری از کثافات، به کار و زنده گی خود ادامه دهند.

قید پرسشی آن است که علت واقع شدن حالتی را از فاعل جو یا شود. قید نتیجه، نتیجه عملی را نشان می دهد.



بشنو و بگو

- به پرسشها پاسخ مناسب ارائه نمایید.
- چرا انسان ها در محیط کثیف و ناپاک مریض می شوند؟
- چگونه حفظ الصحة محیطی را رعایت کنیم؟
- چه تدابیری را در خانه، مکتب و محلات دیگر بگیریم تا صحت ما خوب باشند؟
- قید پرششی چگونه قید است ؟
- قید نتیجه را تعریف نمایید.
- جواب صحیح را پیدا کنید:
- پاکی محیط زیست چه تأثیری در زنده گی انسان دارد؟
- الف :** انسان تندرست می باشد.
- ب :** بالای انسان تأثیر بد دارد.
- ج :** بالای انسان هیچ اثر ندارد.
- د :** هیچکدام
- چرا در محیط کثیف انسان مریض می شود؟
- الف :** میکروب ها سبب مریضی انسان ها می گردد.
- ب :** بوی کثافات انسان را مریض می کند.
- ج :** بدن باکثافات آلوده می شود.
- از این درس چه فهمیدید؟ در جملات زیر جواب صحیح را پیدا کنید:
- الف :** محیط ، بدن و لباس خود را پاک نگاه کنیم تا مریض نشویم.
- ب :** کثافات را از آشپز خانه به روی حویلی انتقال دهیم تا مریض نگردیم.
- ج :** به کثافات و ناپاکی اعتنا نکنیم.

د: تراکم کثافات را در اطراف خود نادیده بگیریم. گفت و شنود

- شاگردان به دو دسته تقسیم شده به نوبت در مورد اهمیت پاکی محیط زیست و نقش آن در صحت و سلامتی افراد صحبت نمایند.
- شاگردان در باره قواعد دستوری که خوانند باهم بحث و گفتگو نمایند.

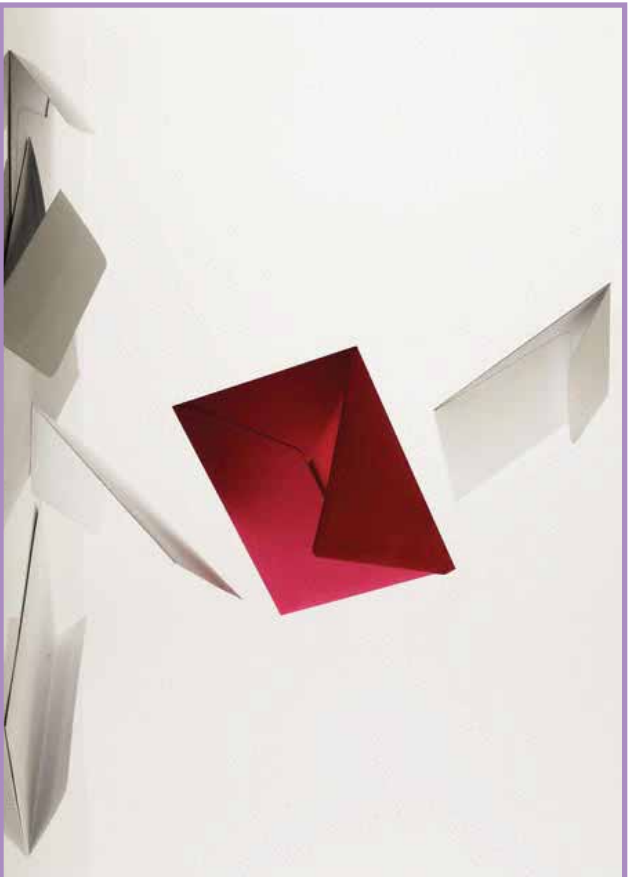
بخوان و بنویس

- شاگردان درس را آهسته بخوانند و نتیجه آن را بنویسند.
- چند تن از شاگردان به نوبت درس را بلند بخوانند.
- خانه های خالی را با کلمات مناسب پر نمایید:
۱: ۱ کسی که () مراعات نمی کند، اکثر اوقات مریض می باشد.
- ۲: ۲** خانواده یی که () مراعات نمی کند، اعضای آن خانواده از صحت و تندرستی کامل برخوردار نمی باشند.
- بخش دستوری درس را به دقت خوانده سپس چند جمله بنویسید که در آن قید نتیجه و قید پریشی به کار رفته باشد.
- حفظ سلامتی انسان با پاکی محیط زیست رابطه دارد. به چه دلیل؟



- در مورد این که چگونه میتوانید محیط زیست تان را پاک نگهدارید، مقاله یی در پنج سطر بنویسید.

نامه نگاری



در دوره ابتدایی، طرز نوشتن رقعۀ مریضی و رقعۀ رخصتی را فراگرفتید، اکنون به همان ارتباط، نامه نویسی را می خوانیم، ارزش و اهمیت نامه نویسی در زنده گی و آشنایی با پستی ها و پیشینه ها هدف درس است.
آیا می دانید که نامه نویسی شامل نامه های رسمی و غیر رسمی می گردد؟

نامه نویسی در روابط اجتماعی جایگاه خاص دارد و بیش از انواع دیگر نگارش میان مردم رایج و متداول است. معمولاً همه ما گاهی نیاز پیدا می کنیم، که پیامی را از طریق نامه برای دوستان یا مؤسسه رسمی و اداری بفرستیم، نامه نویسی یکی از آسانترین و ارزاترین راه های ارتباط است. هیچ شخصی نیست که در زنده گی خود به نامه نوشتن نیاز نداشته باشد، در حقیقت نامه وسیله بی است که به کمک آن می توانیم به هر کس که بخواهیم بدون روبرو شدن، از فاصله دور گفتگو کنیم. امروز گاهی به جای نامه نوشتن از تیلیفون استفاده می کنند؛ اما در هر حال هنوز، نامه ارزش خود را از دست نداده است، مخصوصاً در کارهای رسمی و اداری، نامه، گره گشای مشکلات است؛ زیرا نامه تنها وسیله برقراری ارتباط در هوزمینه است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا پاسخی بدهیم، گزارشی تهیه کرده باشیم، چیزی بخواهیم و خلاصه در هر مورد، نامه زبان گویای ما به شما می رود. علاوه بر این در ارتباط های خانواده گی و دوستانه نیز نامه بهترین وسیله است، بخصوص در مواقعی که تیلیفون و یا وسیله دیگر در اختیار نداشته باشیم و یا توان مادی برای استفاده از آن وسایل را نداشته باشیم؛ مثلاً برای تیلیفون کردن به کسی که در شهر یا کشور دیگر زنده گی می کند، هزینه های نسبتاً زیاد لازم است، در حالی که هزینه فرستادن نامه بسیار اندک است و در عوض مجال بیان سخن در نامه بسیار وسیع است، چون نامه انواع گوناگونی دارد، مطالب هر نوع آن نیز شکل خاص خود را دارد؛ مثلاً در نوشتن نامه به دوستان می توانیم یکی از صفات «گرامی، محبوب، عزیز، عزیزتر از جان، مهربان» را به کار ببریم. برای کسانی که از لحاظ اجتماعی یا سنی برای آنان احترام قابل باشیم؛ اما با ما نسبت خانواده گی یا دوستی نداشته باشند، یکی از صفات «محترم، بزرگوار، گرامی» مناسب است.

نمونه یی از نامه رسمی

درخواست کار

نام (.....) نام پدر (.....)

محترم وزیر صاحب..... جمهوری اسلامی افغانستان،

این جانب که از شهرتم در فوق، تذکر بعمل آمده است در سال..... از فاکولته..... به درجه لیسانس فارغ گردیده ام، می خواهم جهت خدمت به وطن و مردم در یکی از مکتب های شهر کابل به صفت معلم ایفای وظیفه نمایم، امیدوارم به مرجع مسئول امر عنایت فرموده ممنون سازید.

با احترام

امضا و تاریخ

نامه غیر رسمی نامه فرزند به پدر

پدر عزیز و مهربانم، امید وارم همیشه تندرست و سعادتمند باشید، مدت زیادی می شود که شما را ندیده ام هر لحظه یادم می آید و از دوری شما رنج می برم، امید است که این انتظار روزی خاتمه یابد و با هم یکجا به سر ببریم، برای شما وعده می کنم که بعد از سیری شدن امتحانات و گرفتن نتیجه، ان شاء الله نزد شما برخواهم گشت.

با احترام فرزند شما

قواعد دستوری



پیشینه ها : عبارت از اجزای نامستقل سخن می باشند که برای ارتباط دادن

کلمه ها در جمله به کار می روند ؛ مانند: به، در، تا، با، از....

۱- نامه، زبان گویایی ما **به** شمار می رود.

۲- هیچ کسی نیست که **در** زنده گی **به** نامه نوشتن علاقه نداشته باشد.

پسینه : عبارت از اجزای نامستقل سخن بوده که در آخر کلمه آمده و جدا از آن نوشته می شود، در زبان دری یک پسینه داریم که عبارت از پسینه ((را)) می باشد؛ مثلا:

۱- نامه، ارزش خود **را** از دست نداده است.

۲- چون نامه انواع مختلف دارد، مطالب هر نوع آن شکل خاص خود **را** دارا می باشد.

خلاصه درس



نوشتن نامه نیاز هر شخص است که با آن می توان بدون روبرو شدن و یا از فاصله دور گفتگو کنیم، با وجودیکه امروزه از تلفون بیشتر استفاده می شود؛ اما نامه، ارزش خود را از دست نداده است، خصوصا در کارهای رسمی و اداری، نامه گره گشای دشواریهاست، علاوه بر آن برای ارتباط های خانواده گی و دوستانه نیز نامه بهترین وسیله به شمار می رود.
پیشینه ها و پسینه اجزای نامستقل سخن می باشند، که برای ارتباط دادن کلمه ها در جمله به کار میروند.



بشنو و بگو

- در نوشتن نامهٔ دوستانه کدام نکات را در نظر بگیریم؟
- نامه‌ها به چند بخش تقسیم می‌شوند و نامه نویسی چه اهمیت دارد؟
- پیشینه‌ها را تعریف کنید.
- پیشینه چیست؟ با مثال واضح سازید.
- متضاد کلمه‌های زیر را بگویید:
- دانا، لایق، سفید، روشنی، سردی، شیرین، زشت، خندان.

گفت و شنود

- شاگردان در مورد اینکه نامه نویسی در کارهای رسمی و اداری چرا بیشتر استفاده می‌شود؛ به طور گروهی بحث نمایند.
- دو نفر دربارهٔ اهمیت نامه نویسی باهم مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- خانه‌های خالی را توسط پیشینه‌ها و پستینه تکمیل نمایید.
 - احمد راه مکتب به خانهٔ ما آمد.
 - انسان سعی و تلاش می‌تواند هدف خود برسد.
 - من کتابهایم خوب نگهداری می‌نمایم.
 - وی نامه‌یی به من فرستاد.
- نامه نویسی را در صنف تمرین نمایید و در آن پیشینه‌ها و پستینه را نشان دهید.



- شاگردان یک نامهٔ دوستانه بنویسند و روز آینده در صنف آن را با آواز بلند بخوانند.



درس هفدهم

ورزش و صحت



در درس های گذشته دربارهٔ حفظ الصحهٔ محیطی معلومات حاصل نمودید، نه تنها رعایت حفظ الصحهٔ محیطی در صحتمندی انسان نقش دارد؛ بلکه ورزش هم در سلامتی انسان دارای اهمیت می باشد.

پی بردن شاگردان به اهمیت ورزش و نقش آن در صحتمندی انسان و تقویت مهارت زبانی هدف درس است.

چگونه می توانیم صحتمند باشیم؟

انسان موجودیست اجتماعی، که در اجتماع زنده گی کرده به کار و فعالیت می پردازد. برای این که انسان بتواند منجیث یک شخص سالم کار و فعالیت روزانه خود را بدون خسته گی انجام دهد، باید به صحت خود توجه داشته و ورزش نماید. ورزش برای صحت و سلامتی انسان بسیار مفید است. اگر شخصی همه روزه صبح وقت در هوای آزاد ورزش نماید خسته گی روحی و جسمی اش بر طرف گردد، بدیه می تواند مطالعه نماید و کار های زیاد جسمانی را بدون احساس خسته گی انجام دهد. ورزش باعث تقویت روح و جسم آدمی می گردد. چنانکه گفته اند: «عقل سلیم در بدن سالم است.»

اگر کسی به صحت خود توجه نداشته باشد مریض می شود وقتی مریض شد درس خوانده نمی تواند و از کار و فعالیت باز می ماند. نه برای خود کاری انجام داده می تواند و نه در جامعه مفید واقع می گردد. پس برای نوجوانان، که آینده سازان کشور اند؛ لازم است ورزش نمایند.

ورزش انسان را شجاع و دلیر ساخته، برایش روحیه اعتماد به نفس می بخشد؛ و به این سبب توانایی خود را درک نموده در رشد استعداد خود می کوشد که به حیث انسان سالم در جامعه حضور فعال پیدا کند.

در سراسر جهان با درک اهمیت ورزش علاقمندی انسانها به ورزش روز تا روز بیشتر گردیده، سالانه مسابقات زیادی در رشته های مختلف ورزشی به راه انداخته می شود. ورزش نه تنها ضامن صحتمندی انسانهاست؛ بلکه پیام آور صلح و همبستگی میان کشور های جهان نیز می باشد.

تأثیر ورزش بر ابعاد روحی و اجتماعی انسان: علاوه بر اینکه ورزش تأثیرات مفید فزینی و فیزیولوژیکی بر بدن انسان دارد، بر روح و روان، شخصیت اجتماعی هر فرد نیز تأثیر مطلوب میگذارد به موارد زیر دقیق می شویم:

- ۱- احساس اعتماد به نفس
- ۲- احساس قدرت
- ۳- تقویت اراده
- ۴- تقویت قدرت تمرکز
- ۵- افزایش دقت عمل
- ۶- بهبود عکس العمل فکری و جسمی
- ۷- احساس شادابی و جوانی

- ۸- داشتن ظاهر خوب
- ۹- بالا بردن قدرت خلاقیت
- ۱۰- احساس آرامش و راحتی
- ۱۱- مقاوم شدن در مقابل فشار های روانی و قدرت کنار آمدن با مسایل
- ۱۲- تقویت ذهنی

توضیحات

رشته های مختلف ورزشی شامل بوکس، کشتی، کاراته، دوش، آبیازی، باسکتبال، فوتبال، شمشیر بازی، کریکت، جمناسستیک و دیگر بازی ها می باشد.

قواعد دستوری

ورزش باعث تقویت روح و جسم آدمی می گردد.
در جمله بالا (و) عطف است.

عطف: عطف حرفی است، که یک کلمه را به کلمه دیگر معطوف می سازد. تا از تکرار آن جلوگیری شود. نشانهٔ عطف(و) می باشد.

ربط: به حروف یا اداتی گفته می شود که دو عبارت یا دو بخش یک جمله یا دو جمله را به همدیگر پیوند دهند؛ مانند: اکنون که، حالا که، تا که، هر جا که، چرا که، زیرا که، اما، ولی، لیکن، اگر چه، حتی و...

خلاصه درس

ورزش برای صحت و سلامتی انسان بسیار مفید است. ورزش انسان را شجاع و دلآور ساخته برایش روحیهٔ اعتماد به نفس می بخشد و به این سبب توانایی خود را درک نموده و در رشد استعداد خود می کوشد که به حیث انسان سالم در جامعه حضور فعال یابد. عطف حرفی است که یک کلمه را به کلمهٔ دیگر معطوف می سازد؛ تا از تکرار آن جلوگیری شود. نشانهٔ عطف (و) می باشد و ربط به حروف یا اداتی گفته می شود که دو عبارت یا دو بخش یک جمله یا دو جمله را به همدیگر پیوند دهد.



بشنو و بگو

ورزش در سلامتی انسان چه اهمیت دارد؟

- * چگونه می‌توانید منحنیت یک شخص سالم در جامعه حضور فعال یابید؟
- * در باره یکی از رشته‌های ورزشی مورد علاقه تان به دقت اندیشیده و در رابطه نظرات تان را ابراز نمایید.

* در باره عطف و ربط چه می‌دانید؟

* شما در آینده کدام رشته ورزشی را انتخاب می‌نمایید؟

گفت و شنود

شاگردان دو دو نفر در باره فواید ورزش با هم مباحثه نمایند.

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره عطف و ربط بحث نمایند. سپس

نماینده هر گروه نتیجه بحث را برای دیگران انتقال دهد.

بخوان و بنویس

* متن درس را خوانده و نکات مهم آنرا بیرون نویس کنید.

* شاگردان نظر به علاقه شان در یکی از رشته‌های ورزشی معلومات کوتاه بنویسند.

سپس برای همصنفان خود بخوانند.

نام چند تن از ورزشکاران قهرمان وطن ما را است نمایید.

در جملات زیر عطف و ربط را نشان دهید.

۱. نسرتین درس می‌خواند؛ اما خواهرش او را نمی‌گذاشت.

۲. من به سخن‌های معلم خود گوش می‌دهم چرا که می‌خواهم شاگرد خوب باشم.

۳. کریم و اسلم با هم همصنفی‌اند.

۴. من کتاب و قلم را دوست دارم.

کارخانه می

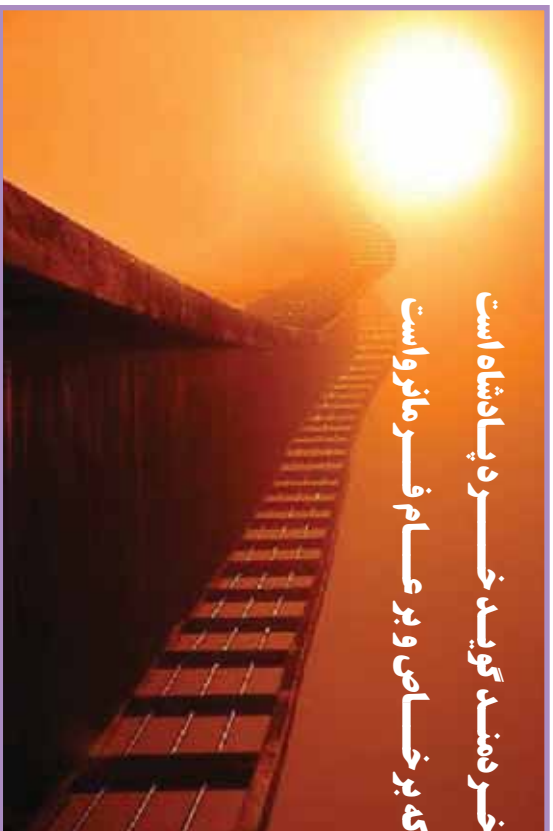


در باره فواید ورزش متنی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و نشانه گذاری را رعایت نموده، عطف و ربط را در آن نشان دهید.



درس هفدهم

خرد



خردمند گوید خرد پادشاه است
که بر خاص و بر عام فرمانور است

آگاه ساختن شاگردان از ارزش و اهمیت خرد و دانش در زنده گی و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است.
شاگردان عزیز، در درس های گذشته در باره علم معلومات حاصل نمودید و می دانید که علم، دانش و خرد، ما را به مثابه انسان واقعی در جامعه تثبیت می کند.
کدام انسانها در زنده گی می توانند، به حیث یک شخص دانسته به مقام عالی انسانی برسند؟

که برخاص و بر عام فرمانرواست
همه شهوت و آرزو چاکر است
به دانش توان رشتن و بافتن
خردمند را بیش دیدم شکوه
بود در رمه گرگ را چون شبان
به هنگام خویش اندرون بگرد
و از آهوی بد پاک بیرون شود
به دانش به مردم رسد نه به زر

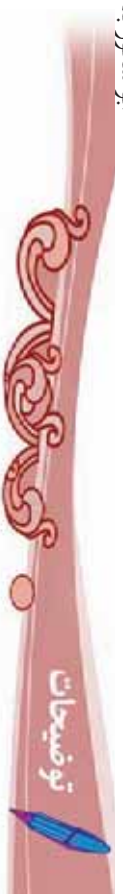


خردمند گوید پادشاه است
خرد را تن آدمی لشکر است
جهان را به دانش توان یافتن
خردمند گوید من از هر گروه
خرد پادشاه بود مهربان
خردمند گوید که مرد خرد
شود نیکی افزون چو افزون شود
خردمند گوید که تأیید و فر

چو دانا شوی زود والا شوی
که والاتر است آنکه دانا تر است
زداننده گان باز جویند راه
به دانا بود شان همیشه نیاز
و دانش نگهبان تو جاویدان
چنین گفت آن بخرد هوشیار
چو پیراه گردی برآه آورد
مباد از جهان جز خرد یار تو

بدان کوش تا زود دانا شوی
دانا تر آنکس که والاتر است
نبینی ز شاهان که بر تخت گاه
اگر چه بمانند دیر و دراز
نگهبان گنج تو از دشمنان
بدانش شود مرد پرهیزگار
که دانش ز تنگی پناه آورد
خرد باد همواره سالار تو

ابو شکور بلخی



ابو شکور بلخی از شاعران معروف قرن چهارم هجری بوده که در دربار نوح بن نصر سامانی می زیسته است، منظومه بی را که به شکور نسبت داده اند، به نام «آفرین نامه» که در حدود سال ۳۳۶ هجری سروده شده و ابیات متفرقی از آن باقی مانده است.



نشانه های اصوات ؛ نشانه هایی اند که در موارد و مفاهیم مختلف از قبیل: ندا،

افسوس، تحسین و تنبیه به کار می روند؛ چنانکه:

الف: نشانه های ندا: ای، آیه؛ مثلاً: در این بیت ها

ای شـوخ نـگاه گرم داری نـزدیک میـکا که در گرفتـم

ایا نسیم سحر فـتـحـنامه ها بر دار بهر ولایت ازین فـتـحـنامه ها بسپار

ب: نشانه های تعجب: وه، واه، هی

هی چه منظرهٔ زیبایی!

واه چه هوای خوبی!

آمدی واه که مشتاق و پریشان بودم تا برفتی ز برم صورت بیجان بودم

ج: نشانه های افسوس: وای، اوخ، آه...

ای جرعه نوش مجلس جم سینه پاک دار کاینه بی است جام جهان بین که آه او

د: نشانه های تحسین: زهی، به به، واه واه،

زهی پسند کماندار چرخ کز بن تیر نگاه کرد و دو چشم مرا نشانه گرفت

منت ز باغبان چه کشم از برای گل دارد خـدنگ ناز تو زخمی که واه واه

ه: نشانه های تنبیه: الا، هلا، هان، هین، مثلاً:

پیران سخن به تجربه گفتند گفتمت هان ای پسر که پیر شوی پند گوش کن

فصاحت ها



بشنو و بگو

- پرسشها را دقیق شنیده پاسخ مناسب ارائه کنید:
- شعری را که خواندید از کی و در بارهٔ چه بود؟
- مقصد شاعر از این بیت چه بوده است؟
- خردمند گوید خرد پادشاه است که بر خاص و عام فرمانروا است

- ابو شکور بلخی از شاعران کدام دوره بوده و در عصر کدام شاه می زیست؟
- در باره نشانه های تحسین معلومات دهید.
- نشانه های ندا کدام نشانه ها را گویند. با مثال واضح سازید.
- نشانه های اصوات از جمله اجزای مستقل سخن است یا نا مستقل؟

گفت و شنود

- در باره شعری که خواندید دو دو نفر باهم مباحثه کنید.
- شاگردان یک یک نفر در باره خرد معلوماتی که دارند؛ برای همصنفان خود بیان نمایند.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شده یک گروه از گروه دیگر درباره نشانه های اصوات پرسشهایی به عمل آورند.

بخوان و بنویس

- جمله های زیر را یک شاگرد به شاگرد دیگر املا گفته، روی تخته بنویسد و در آن نشانه های اصوات را نشان دهد:
۱. خدایا بنده گانت را به راه راست هدایت کن!
 ۲. واه چه پسر لایق و خوبا!
 ۳. وه که چقدر زیبا نوشته بی!
 ۴. هی چه منظره قشنگی!
- ای جرعه نوش مجلس چه سینه پاک دار کاینه بی است جام جهان بین که آه ازو
منت ز باغبان چه کشم از برای گل دارد خدنگ نازتو زخمی که واه واه
- * شعر را به دقت بخوانید و در کتابچه های تان بنویسید.
* واژه های دانش، دانا، گنج، نگهبان و سالار را در جمله های مناسب به کار برید.

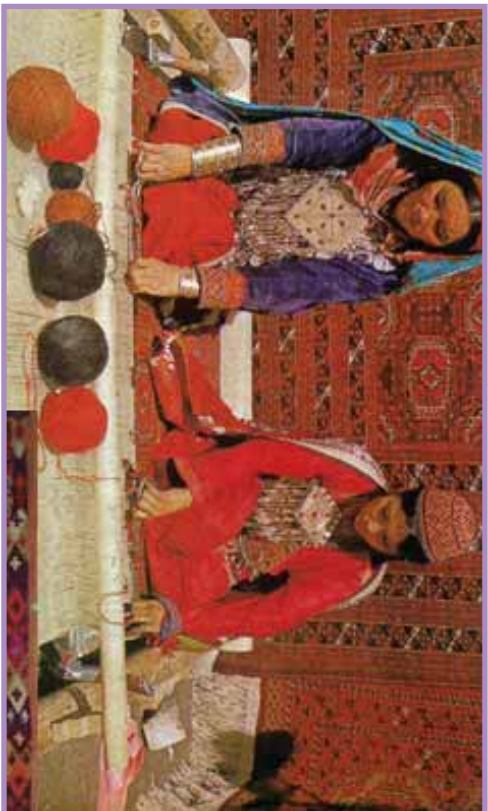


شاگردان با استفاده از قواعد دستوری که خواندند چند جمله بنویسند و در آن نشانه های اصوات را نشان دهند.



درس نهم

صنایع دستی



در صنوف پایین راجع به انواع صنایع دستی معلومات حاصل نمودید و اکنون در باره آن معلومات بیشتر حاصل می نمایم. آشنایی شاگردان با صنایع دستی و اهمیت آن در رشد اقتصاد کشور و حاصل نمودن آگاهی از پیشوندها و پسوندها در زبان دری هدف درس است.

صنایع دستی چه نقشی در پیشرفت و ترقی کشور ما دارد؟

کشور عزیز ما افغانستان تاریخ درخشان دارد. در طول تاریخ مردمان این سرزمین با تلاش و کوشش در تمام عرصه‌ها توانستند با خلاقیت و زحمتکشی زیاد مشکلات خود و مردم خود را به گونه‌ی رفع بسازند، از جمله می‌توان از صنایع دستی نام برد که هموطنان ما با زحمتکشی زیاد در این راستا شهرت جهانی را کسب نمایند. همانگونه که حفظ و نگهداری آثار تاریخی اهمیت زیاد دارد، انتقال روش‌های طراحی، تزیینات در صنایع دستی به خصوص کندن کاری در چوب و دست‌دوزی‌های مختلف به نسل‌های بعدی برای حفظ و تداوم آنها ضرورت مبرم است. تولید محصولات دستی مختلف و عرضه آن به بازارهای داخلی و خارجی، از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد؛ طوری که در هریک از شهرهای افغانستان مردم به هنرها و به تولیدات صنایع دستی مختلفی می‌پردازند؛ به‌طور مثال: در کابل فعالیت‌ها در رشته‌های معماری، نجاری، آهنگری، زرگری، کندن کاری، سنگ تراشی، نقاشی، خامک‌دوزی، قالین بافی و غیره.

در این جا می‌پردازیم به معرفی صنعت قالین بافی:

تاریخ صنایع دستی در افغانستان شاهد است که قالین بافی از زمانه‌های پیشین در این جا رواج داشته است که موجودیت قالین‌های نفیس، قشنگ و مرغوب از گذشته‌های دور در موزیم‌ها و نمایشگاه‌های بزرگ جهان گواه این حقیقت است.

قالین به اندازه‌های مختلف و رنگ‌های گوناگون تهیه می‌شود، پیشه‌وران افغانستان قالین را با دست می‌بافند، و امروزه قالین با دستگاه‌های بزرگ نیز تهیه می‌شود؛ اما بهترین قالین همان است، که از تار و پود وطنی بدست زنان و قالین‌بافان ماهر بافته می‌شود.

قالینی که از پشم بهاری بافته می‌شود، مرغوب‌تر و مستحکم‌تر از قالینی است که از پشم خزانی بافته می‌شود، مناطق عمده قالین بافی در افغانستان عبارت است از: قلعه زال، خماب، موری، چاق، قرقین، هرات، آقچه، بادغیس، مزارشریف که هر کدام از این شهرها، نوع به خصوص قالین‌های خود را دارند. در سالهای اخیر، قالین در شهرهای عمده افغانستان نیز به صورت دسته‌جمعی و در کارگاه‌های بزرگ بافته می‌شود.

قالین‌های افغانی سالیان متمادی در سراسر جهان از شهرت خاص برخوردار بوده است و در رشد اقتصاد کشور ما نقش عمده داشته است، پس باید در تمام عرصه‌ها (صنایع) توجه جدی صورت گیرد. از یک طرف اقتصاد کشور تقویه می‌شود و از سوی دیگر صنایع دستی در کشور به رکود مواجه نمی‌گردد.

- قاعه زال یکی از ولسوالی های ولایت کندز است.
- خماپ منطقه بی است مربوط ولایت جوزجان .
- موری چاق یکی از مناطق ولایت بادغیس است.
- قرقین از مناطق ولایت جوزجان است.
- بلوچی یک نوع قالین است که در جنوب غرب کشور ما بافته می شود



پیشوندها: پیشوند ها الفظی اند؛ که به اول کلمات آمده و در معنای آنها تصرف کنند؛ مانند: ((ری)) در کلمه های بیخرد ، بی وقار...

پیشوند های مهم زبان دری:

- (با) در کلمه های با ادب، باشرف
 - (م) در کلمه های مزن ، مخور، مگو...
 - (ن) در کلمه های نمی رسید، نمی خورم...
 - (می) در این کلمه ها، می گوید، می رود، می شود...
 - (همی) در این کلمه ها: همی گفتم ، همی رفتم، همی گفتم...
- پسوندها :** الفظی اند که در آخر کلمات آمده و مانند پیشوند ها معنای کلمات را تغییر می دهند؛ مانند: « مند » در کلمه های، کارمند، هنرمند... پسوند های مهم زبان دری، عبارتند از:

- (سار) در کلمه های کوهسار، چشمه سار...
- (زار) در این کلمه ها، سبزه زار، مرغزار، کارزار...
- (ستان) در کلمه های، کوهستان، شهرستان، افغانستان...
- (گار) در کلمه های آموزگار، روزگار، آفریدگار...
- (وند) در کلمه های خویشاوند، خداوند..
- (کار) در کلمه های تبهکار، فریبکار...
- (گر) در کلمه های جادوگر، کارگر، صنعتگر...
- (گون) (گلگون، می گون، لاله گون.



صنعت قالین بافی کشور ما شهرت جهانی را کسب نموده، قالین های افغانی به اندازه های مختلف و رنگ های گوناگون بافته می شوند، مناطقی که تولید قالین در آنجا زیاد می باشد، عبارت است: از قلعه زال موری چاق، خماپ، آقچه، هرات، مزار شریف.

پیشوند ها و پسوند ها الفاظی اند، که در آغاز کلمات آمده و در معنای آنها تصرف کنند یا معنای کلمه را تغییر بدهد.

تمرینات ما



بشنو و بگو

- قالین کدام کشور شهرت جهانی دارد؟
 - قالین بافی بیشتر در کدام مناطق کشور ما رواج دارد؟
 - کدام قالین افغانی مستحکم تر و قشنگ تر است؟
 - پیشوند ها در کجا واقع می شوند؟ با یک مثال واضح سازید.
 - پسوند ها چه نوع الفاظی اند؟
- گفت و شنود**

• شاگردان در گروه های خود در مورد اهمیت قالین بافی بحث نمایند و از هر گروه یک شاگرد نتیجه بحث خود را به زبان ساده بیان کند.

بخوان و بنویس

- پیشوند و پسوند کلمه های زیر را بنویسید.
- شرف، گفتم، رفتم، لایق، خرد، فریب، گل، کار، سوده، نادان، بی ضرر ...
- شاگردان در مورد تصویر درس چند جمله بنویسند.

کارخانه می



شاگردان با کمک والدین شان در باره یکی از صنایع دستی معلومات حاصل نموده و در کتابچه های خود بنویسند.



درس بیستم

لیلا صراحت روئینی



آشنا شدن شاگردان با سخنوران معاصر کشور و تقویت مهارت‌های زبانی آنها هدف درس را تشکیل می دهد.

در درس گذشته دربارهٔ صنایع دستی معلومات حاصل نمودیم، که زنان نیز در این راستا نقش مهم داشته اند، زنان نه تنها در صنایع دستی؛ بلکه در عرصهٔ ادبیات نیز توانسته اند جایگاهی را به خود باز کنند.

این شعر از کدام شاعر است؟
باز در سوگ بهارانم...

لیلا صراحت فرزند سرشار شمالی، در سال ۱۳۳۷ هـ. ش. در چارباک و لایت پروان دیده به جهان گشود و پس از کسب تعلیمات ابتدایی و ثانوی از لیسه ملاکی فارغ التحصیل گردیده و تحصیلات عالی را در فاکولتهٔ زبان و ادبیات پوهنتون کابل به اتمام رسانید.

لیلا صراحت روشنی پنج سال را در لیسهٔ مریم به صفت معلم زبان و ادبیات دری ایفای وظیفه کرد و پس از آن به انجمن نویسنده گان افغانستان راه یافت، وظایفی چون معاونیت مجلهٔ نسوان و مسؤولیت جریدهٔ ارشاد النسوان و معاونیت مجلهٔ میرمن را به عهده داشت، بعد از سال ۱۳۷۵ هـ. ش. به پاکستان مهاجر شد و از آنجا به کشور هالند پناهنده گردید. لیلا در دیار غربت نیز به کمک جمعی از فرهنگیان کشورش در عرصهٔ شعر و ادب و خبرنگاری به فعالیت پرداخت. در آنجا مسؤولیت نشر فصل نامهٔ «حوا در تبعید» را به عهده گرفت.

لیلا که سالها از بیماری سرطان مغز رنج می برد، بالاخره به عمر ۴۵ ساله گی در کشور هالند پروود زنده گی گفت. جسد وی به کابل انتقال و در شهرداری صالحین به خاک سپرده شد. آثار این شاعر وارسته پنج دفتر شعر بوده که به چاپ رسیده است. و عبارتند از: «طلوع سبز»، «تداوم فریاد»، «حدیث شب» مشترک با ثریا واحدی «از سنگ ها و آئینه ها» و «روی تقویم سال» می باشد.

لیلا صراحت شعر را از تجربهٔ غزل آغاز نمود و به شعر سپید و نیمایی رسید. غزل های او با نوآوری توأم است. وی شعرهای لطیف عاشقانه دارد؛ ولی مضمونهای اجتماعی و میهنی، جانمایهٔ اکثر سروده های او را تشکیل می دهد. شعر لیلا با اوضاع اجتماعی و سیاسی مردم کشورش پیوند دارد.

نغمه های سرد

باز در سوگ بهارانم
باز فصل برگ ریزان است
در تن هر برگ، هر شاخه
خون سردی میدود آهسته و غمگین
وز هراس بی بهاری سخت لرزانند

باد پابیزی به گوش شاخه‌ها و برگ‌ها

میسراید نغمه‌های سرد آمد فصل زمستان را

*

*

*

باز در سوگ بهارانم

باز فصل برگ ریزانست

در زمین در آسمان و در فضای

بیکران، ای وادی

باد این سالار خشم آگین

میسپارد راه

میکشاید راه شهر ما به سوی زمهریر شب

*

*

*

آبشاران نوحه‌گر، بیتاب

میسراید نغمه، اندوهبار بی بهاری را

از میان این همه اندوه

میرسد در گوش من آوای شادی بخش رویایی

که مرا آهسته مینامد

و برایشم گرم میخواند

ای که در سوگ بهارانی

دورکن از لب سرود سوگواری را

میرسد آخر بهار سبز رویایی

میدمد بار دگر

خون گرم زنده‌گی بر سرد پیکرها

باز میگردد شگوفان غنچه‌پرورده لب‌ها

گر نباشی آنزمان با ما

میسراید بر سر گورت پرستوها

نغمه‌آزاده‌گی و شادمانی را



سرشار شمالی: غلام شاه سرشار پسر بابه صاحب در ولایت پروان به دنیا آمد و بعد از فراغت از مکتب شامل دارالمعلمین شده، سپس به صفت معلم ایفای وظیفه کرد. همچنان در صحنه مطبوعات قدم گذاشت.

سرشار شمالی نویسنده چیره دست و سخنور پرشور بود، وی بر علاوه از قالب کلاسیک به قالب نو هم شعر گفته است. همچنان به زبان های پشتو و اردو نیز شعر سروده و مدت زیادی مدیر مطبوعات پروان و آمر اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ بود. و بالاخره در سال ۱۳۶۰ خورشیدی. به عمر پنجاه ساله گی پدرود حیات گفت.



پیشوند های کلمه ساز: آنست که در آغاز فعل، اسم و صفت آمده، مفهوم های جدید را به وجود می آورند و عبارتند از:

بز: برداشت، بر خورد، برگزیده، برخاست و غیره
در: در خواست، دریافت، درگیر، درخور و غیره.
فر: فراخوان، فراسید، فراگرفت.

- وز: ورشکست
وا: واکنش، وانمود، وادار، واپس
با: باهوش، با ادب، باهتر
بی: بی اراده، بی میل، بی کار
نا: نادان، نادرست، ناکس، نابینا
هم: همدست، همراه، همدم، همسر
ام: امروز، امشب، امسال.
ب: بهوش، بنام، بخرد
ن: نفهمیده، ندانسته
فراهم: فراهم کرد، فراهم گشت، فراهم آمد، فراهم نمود.
دش: دشنام دشمن، دشخوار (دشوار)



لیلا صراحت از جمله شاعران معاصر افغانستان بود، در سال ۱۳۳۷ هـ. ش. در شهر چاریکار ولایت پروان به دنیا آمد، در سال ۱۳۸۳ هـ. ش. زنده گی را وداع گفت. او یکی از زنانی بود، که تمام عمرش را صرف پاسبانی فرهنگی و ادب پارسی دری کرده بود و یکی از شخصیت های مطرح ادبی و فرهنگی کشور به شمار می رود.

شعر لیلا بیانگر اوضاع اجتماعی کشور بوده و درد های مردمش را در کلمه های شعر بازتاب داده است. از لیلا صراحت روشنی پنج دفتر شعر به یادگار مانده است.

پیشوند های واژه ساز، آن است که در آغاز فعل، اسم و صفت می پیوندند و کلمه های جدید با مفهوم جدید می سازند؛ مانند: بز: برداشت، درز: درخواست، نا: نادان، ب: بهوش و غیره.



بشنو و بگو

به پرسشهای زیر جواب بدهید:

- لیلا صراحت روشنی فرزند کی بود و در کجا به دنیا آمده است؟
- از آثار لیلا صراحت نام ببرید؟
- شعر لیلا صراحت بیانگر کدام موضوعات می باشد؟
- پیشوند های واژه ساز چه گونه پیشوندهایی است؟
- دقت کرده انتخاب کنید:
- لیلا صراحت از جمله شاعران است.
- **الف:** قرن چهارم هـ. ش. ب: معاصر ج: قرن نهم هـ. ش.
- « روی تقویم سال » اثری از است.
- **الف:** عبد الهادی داوی ب: خلیل الله خلیلی ج: لیلا صراحت روشنی

گفت و شنود

- یک شاگرد از شاگرد دومی نام کتابهای لیلا صراحت را پرسد.
- شاگردان در مورد آثار و زنده گی لیلا صراحت به صورت گروهی مباحثه نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه بحث گروه خود را به همصنفان بیان نماید.

بخوان و بنویس

- جاهای خالی این جملات را با پنسل خانه پری کنید:
 ۱. لیلا صراحت روشنی در کشور هالند به نشر فصل نامه..... توفیق یافت.
 ۲. لیلا صراحت روشنی..... شغل معلمی داشت.
 - در جملات زیر پیشنود های واژه ساز را نشان دهید:
 ۱. فرزند باهوش باعث افتخار والدین می شود.
 ۲. نایینا را یاری رسانیدن کار اشخاص متدین است.
 - ۳ با ادب باش که سرمشق جوانان ادب است.



- شاگردان متن درس را در کتابچه های خود رونویس نموده از کلمه های شاعر، غربت و پاییز جمله هایی بسازند که در آن پیشنود های واژه ساز به کار رفته باشد.



درس بیست و یکم

ضرر های چرس



شاگردان راجع به چرس و ضرر های آن معلومات حاصل نموده و افراد جامعه بخصوص اشخاص معتاد را درمورد زیان های چرس آگاهی دهند، هدف درس است. درصنوف گذشته دربارهٔ اضرار مواد مخدر خوانده اید. اکنون در مورد ضرر های چرس آگاهی حاصل می نمایید.

آیا شما تا حال نام چرس را شنیده اید؟

به نظر شما استعمال چرس چه اثرات منفی بالای شخص دارد؟



چرس عبارت از ترکیب سبز، قهوه بی و خاکستری مشتق از برگ، دانه، ریشه و گل شاهدانه (بنگ دانه) است که به نام های حبشیش، ماری جوانا و بنگ هم معروف است. این ماده رایج ترین ماده غیر قانونی مورد مصرف در جهان است. بشر با این ماده نشئه آور از سالیان متصادی آشنایی داشته اند. منشای اصلی این ماده را چین یا آشور دانسته اند و قرن ها جهت تداوی امراضی از قبیل روماتیسم، سینه و بغل، سرفه و غیره از آن استفاده به عمل می آمد. همه اجزای این گیاه خاصیت نشئه آور دارد و زیان های جسمی و روحی این ماده خطرناک بر هیچ شخص عاقل پوشیده نیست. به قول دانشمندان مصرف چرس سبب گرایش به سوی مواد مخدر خطرناک دیگری چون تریاک، هروئین و کوکائین می گردد. زمانی که چرس به مصرف برسد؛ اثرات بد آن که همانا افزایش ضربان قلب، سرخ شدن چشم ها، عدم تعادل حرکتی و اختلالات روانی می باشد، فوراً ظاهر می شود. بحیث انسانهای ذلیل شناخته شده اند و هیچ کس میل ندارد تا با این افراد نشست و برخاست نماید.

اثرات منفی چرس بر جسم و روان:

- استعمال چرس اثرات سوء بیشماری دارد که بعضی ازین آثار بر جسم و عده بی هم بر روان شخص معتاد به مشاهده می رسد:
 - التهاب و انسداد مجرا های تنفسی
 - عفونت ها و سرطان شش
 - کاهش وزن بدن و ایجاد نقایص در اعضای بدن
 - تشنج، اختلالات روانی و عصبانیت
 - تند مزاجی
 - برانشیت مزمن
 - اضطراب ، افسرده گی و هیجان
 - پر حرفی و خنده های بی دلیل
 - تضعیف سیستم دفاعی بدن

- تضعیف جهاز هضمی
- ضعف تمرکز فکری و بی علاقه گی به کار
- ترسویی و بزدلی

با توجه به ضرر هایی که بر شمر داریم لازم است، تا بحیث افراد مسؤول، جامعه خود را از شر این ماده مضر بر حذر داریم و آثانی را که در این مصیبت آورده شده اند؛ با توصیه های طبی از اضرار و عواقب شوم آن از این دیدگاه آگاه سازیم و راه های بیرون رفت از این مشکل را جستجو و به آنها کمک و رهنمایی نماییم تا از شر این مصیبت نجات پیدا کنند .

علاوه بر آن افرادی را که به نحوی در کشت، خرید و فروش آن مشغول اند از اضرار جسمی و زیان هاییکه از این ناحیه متوجه جامعه انسانی میگردد ، آگاه سازیم و آنها را در راه های حلال و مشروع کسب معاش تشویق نماییم .



قواعد دستوری

پیشوند های صرفی: پیشوند هایی اند؛ که بر سر فعل ها آمده گردانهای مستقلی را بوجود می آورند و عبارت اند از: می، و همی که صیغه های استمرار را می سازند؛ مثلاً: می گفت، همی گفت، می رود، همی رود..

ن - نفی و م نهی که صیغه هایی از همبگونه می سازند؛ مثلاً: نگفت، مگوید، مرو...



خلاصه درس

چرس از جمله مواد مخدر اعتیاد آوری است که استعمال آن اثرات ناگوار روحی و زیانهای بیشمار جسمی از قبیل سرطان، اختلال در دستگاه تنفسی، تضعیف جهاز هضمی را در قبال دارد، بنا بران استعمال، کشت، خرید و فروش آن جایز نیست .
پیشوند های صرفی پیشوند هایی را گویند که بر سر فعل ها آمده گردان های مستقل را به وجود می آورند، که عبارت اند از: می، و همی ، ن نفی و م نهی می باشد.



بشنو و بگو

- استفاده از چرس چه نوع زبان‌هایی را بار می آورد؟
- چرس از چه چیز ساخته می شود؟
- اضرار جسمی و روحی چرس را بیان کنید.
- مفهوم درس را بطور فشرده به زبان ساده بیان نمایید.
- پیشوند های صرفی را تعریف کنید.

گفت و شنود

- شاگردان دو دو نفر در مورد اضرار مواد مخدر مباحثه نمایند.
- شاگردان در بارهٔ محو مواد مخدر در کشور با هم مباحثه نمایند.
- شاگردان در مورد پیشوند های صرفی به طور گروهی مباحثه نمایند و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را برای دیگران انتقال دهد.

بخوان و بنویس

- شاگردان متن را خاموشانه بخوانند و نکات مهم آنرا یادداشت نمایند.
- شاگردان به نوبت متن را قطعه قطعه به آواز بلند بخوانند.
- شاگردان چند جمله بنویسند که در آن پیشوند های صرفی به کار رفته باشد.



- شاگردان راجع به ضررهای چرس مقاله بی بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.



درس بیست و دوم

صلح و امنیت



صلح رفاه و آسایش



جنگ تباهی و نابودی

تفہیم ضرورت تأمین صلح و امنیت در حیات اجتماعی کشور و تقویت مهارت های زبانی شاگردان هدف درس است.
عدم موجودیت صلح و امنیت در طی سی سال باعث گسترش پدیده شوم (مواد مخدر) در کشور ما گردید.
در موجودیت کدام پدیده با ارزش می توانیم درس بخوانیم؟

گلنار دختر کوچکی بود، که با گدی های خود بازی می کرد. او به گدی های خود محبتی مادرانه داشت و بسیار وقت ها در کنار گدی های خود می نشست و دست برسد و موی آنها می کشید. مادر و پدرش از محبت او به گدی هایش حیران می ماندند. گلنار هنگامی که بزرگتر شد به کودکان کوچکتر از خود الفت گرفت و این الفت نیز آهسته، آهسته به محبتی آتشین مبدل شد. وقتی در خانه شان مهمانان می آمدند، گلنار یکی از اتاق های خانه را به کودکستان بدل می کرد، دختران و بچه های کوچک را دور خود فرا می خواند، برای شان قصه می گفت، بازیچه ها و گدی های خود را که یادگار دوران کودکیش بود به آنها میداد و از هر لحظه زنده گی خود با آنان لذت می برد.

گلنار به دنبال محبت کودکان رفت و در یکی از کودکستان ها معلم شد. او مانند مادری مهربان از یکایک شاگردان غمخواری می کرد. اطفال به او انس گرفته بودند. و به اندازه بی او را دوست داشتند، که گویی شبها نیز نمیخواستند از معلم خود دور باشند. روزگار به همین ترتیب می گذشت. گلنار بیست و هفت ساله شد و مادرش کم کم دچار این پریشانی گردیده بود، که دخترش از بس باکودکان انس گرفته و در زنده گی اجتماعی فرورفته است از فکر کردن درباره زنده گی فردی غافل مانده است. این مادر پریشان هنگامی که از تشویش خود با گلنار صحبت میکرد گلنار می خندید. بالاخره تیر دعالهای مادر نیز به هدف خورد و برای گلنار خواستگار جوان تحصیل کرده به نام طارق پیدا شد و آنها در یک مجلس مختصر خانواده گی عروسی خود را جشن گرفتند. بعد از گذشت زمان، گلنار و طارق را خداوند(ج) دختری به نام لیلی داد. آنها زنده گی بسیار خوش داشتند.

ناگهان دشمنی متجاوز بردیار آنان تاخت و دیو جنگ را با خود آورد. دیگر شیرازه همه چیز از هم پاشیده بود. صلح و امنیت یک باره گی رخت بر بسته و از شهر کوچیده بود. مردم از وحشت جنگ در زیر زمینی ها پناه می بردند. گلنار که در

این حالت لیلی را نیز با خود به کود کستان می برد، وضع بسیار بد داشت. روزی طاروق که در دفتر مصروف کار بود از رادیوی کوچکش شنید که حادثه‌ی بی در کود کستانی رخ داده، بسیار کودکان را کشته است. دیگر زمین او را جای نداد؛ دفتر را ترک کرد. کود کستان همان کود کستان گلنار همسرش و لیلی دخترش بود. دانش گواهی بد می داد و از ترس و هیجان می لرزید. بلاخره آنجا رسید. مردم محل سخت وحشت زده بودند. ناگهان چشم طاروق به قربانین افتاد با همان نگاه اول عزیزان خود را شناخت. فریادی زد و از حال رفت. اکنون طاروق کاملاً دیوانه شده است و در کوچه های شهر سرگردان است، و گاه آه می کشد و فقط سه کلمه می گوید: گلنار، لیلی و جنگ

مادر گلنار که با بسیار آرزومندی زنده گی دختر خود را می دید و از محبت صمیمانه طاروق و گلنار لذت می برد و سخت با نواسته خود لیلی رشته افت بسته بود اکنون پیر زنی شکسته و مأیوس است. او گاه به گاه آه می کشد و می گوید: «حیف، حیف! جوانان مردم که رفتند و آرزوی خود را در خاک بردند. پدر گلنار که خدا(ج) هر دوی شان را غرق رحمت خود کند همیشه می گفت که: خدا(ج) هیچ وطن را بی سر و سرپرست نکند، صلح و امنیتش را از بین نبرد. راستی که بدون صلح و امنیت زنده گی هیچ ممکن نیست.»



انسان از انس گرفته شده و به معنای مونس و همدم و انس گیرنده است و با ممنوع خود انس و الفت می ورزد. انسان موجود اجتماعی است و همزیستی مسالمت آمیز را می پسندد و صلح و امنیت را ضامن رفاه و پیشرفت می داند؛ ولی جنگهای تحمیلی، کشور ما را به مخروبه تبدیل کرد؛ اما افغانها دوباره به بازسازی کشورشان پرداخته اند.



اسماً پسوند ها بر دو گونه اند:

۱- پسوند های صرفی ۲- پسوند های اشتقاقی یا کلمه ساز.

پسوند های اشتقاقی یا کلمه ساز حدود یازده نوع می باشند که در این درس با

پنج نوع آن آشنا می شوید .

۱- پسوند های اسم ساز که اسم فعل می سازند؛ مانند: ان، اش، مان، ی، یت، ه، آر؛ مثلاً : نوشتن، دانش، بیش، سرخی، خوبی، انسانیت، بشریت، خنده، گریه، گفتار، کردار...

۲- پسوند های مکان: ستان، کده، سار، سیرو، زار، لاج، بار، نا، دان مثلاً: کودکستان، دهکده، بوستان، کوهسار، گرمسیر، گلزار، سنگلاخ، رودبار، جویبار، خاکنا، آبنا، گلدان

۳- پسوند های زمان؛ مانند: گاه، دم، ان؛ مثلاً: سحرگاه، شامگاه، صبحدم، سپیده دم، بهاران

۴- پسوند های توصیفی؛ مانند: تر، ترین، ام، ین، ینه، آنه، ناک، گین، آگ، مثلاً: خوبتر، کوتاه ترین، بیستم، چهارمین، نخستین، سیمین، زرین، زرینه، شبانه، دردناک بلخی، طلابی

۵- پسوند های تشبیهی؛ مانند: گون، گونه، فام، وش، آسا، سان، وار، مثلاً: گلگون، گلگونه، گلفام، پرپوش، برق آسا، ذره سان، شیشه سان، بنده وار، برادروار...



گلنار در یکی از کودکانها معلم بود، او با طارق ازدواج کرد و نتیجهٔ عروسی شان دختری به نام لیلی بود، این زوج زنده گی خوش داشتند؛ اما جنگ در سراسر کشور سایه گسترد، و هر طرف را دود و آتش فراگرفت؛ مردم مرده ها و زخمی ها را به چشم سر مشاهده می کردند، طارق در این جنگ فامیل خود را از دست داد و بلاخره دیوانه شد. از این داستان می آموزیم که باید قدر صلح و امنیت را بدانیم؛ زیرا بدون صلح و امنیت هیچ کاری مفید و سازنده ممکن نیست.



بشنو و بگو

به سوالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- ضرورت آوردن داستان گلنار چه بوده است؟
- ۲- پیرامون صلح سخنرانی نمایید؟
- ۳- پسوند ها چند قسم اند؟ نام ببرید.
- ۴- در مثال های ذیل انواع پسوند ها را مشخص کنید:
 خنده، خوبی، کوهسار، آبنه، سحرگاه، سنگلاخ، صبحدم، تابناک، دو روزه، برق آسا
گفت و شنود
 شاگردان در بارهٔ صلح و امنیت مباحثه کنند.
 شاگردان در گروه ها در مورد اتفاق و برادری و نقش آن در تأمین صلح و امنیت گفتگو نمایند.

بخوان و بنویس

- ✓ ده کلمه را بنویسید که پسوند اشتقاق یا کلمه ساز داشته باشد.
- ✓ این کلمه ها را املا بنویسید: محبت، الفت، انس، اجتماعی، صلح، صمیمانه، و امنیت.
- ✓ توصیف جنگ و صلح را به طور مقایسه ای در چند سطر در کتابچه تان بنویسید.



- در باره ضرورت صلح و امنیت در کشور یک صفحه بنویسید.





درس بیست و سوم

امیر علی شیر نوایی



آشنا نمودن شاگردان با چهره های علمی و فرهنگی کشور و تقویت مهارت های زبانی آنها هدف درس است.
در درس های گذشته با چهره های فرهنگی کشور؛ مانند: صوفی عشقوری و لیلیا صراحت آشنا شدیم؛ اکنون با یکی از چهره های تابناک دیگر علمی و فرهنگی کشور آشنا می شویم که بر علاوه زبان ازبکی به زبان دری هم آثار گرانبهایی از خود به جا گذاشته است.

آیا میدانید که مفردات معما اثر کیست؟

امیر نظام الدین علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هجری قمری در شهر باستانی هرات دیده به جهان گشود. پدرش امیر غیاث الدین کچکینه بهادر در دستگاه سلطنت تیموری رتبه و مقام خوبی داشت .

امیر علی شیر نوایی در سال ۸۵۰ هجری، زمانی که شاهرخ میرزا وفات کرد با پدرش و گروهی از مردم عازم عراق شد و در آن وقت شش سال داشت. نوایی زمانی که شانزده سال داشت پدرش وفات کرد. در این وقت ابوالقاسم بابر شهزاده تیموری مانند پدر او را تحت تربیت گرفت و از وی غمخواری نمود. نوایی وقتی دوباره به خراسان آمد به شهرهای هرات و مشهد به تحصیل پرداخت و از آنجا به سمرقند رفت و به آموزش فقه و نحو مشغول گشت و در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر شد. او یکی از وزیران بزرگ و ادب پرور سرزمین ما بود، که در ایجاد و پرورش فرهنگ درخشان تیموریان هرات سهم ارزنده داشت .

این وزیر دانشمند مشوق علما و هنرمندان، اهل دانش و فرهنگیان بود، چنانکه دربار سلطان حسین بایقرا از وجود ادیبان و هنرمندانی که مورد توجه وی قرار گرفته بودند. رونق بسیاری یافت. او در آفرینش آثار فرهنگی ذوق و قریحه سرشار داشت و چندین اثر منظوم و منثور به زبانهای دری، ترکی و اوزبکی به رشته تحریر در آورده است.

امیر علی شیر نوایی در تمام سروده هایش، ارزش های مهم اجتماعی، سیاسی و آموزشی را با پرداخت شاعرانه خود فراموش نکرده است و آثار پر مایه وی در خورشید تابان او درخشان است.

امیر علی شیر نوایی مرد متدین بود و به راهنمایی مولانا عبدالرحمان جامی به طریقه درویشان تقشبنديه گروید. وی ۳۷۰ باب مسجد، مدرسه و اماکن خیریه را بنا کرد و زحمات زیادی را در راستای ادب و فرهنگ کشور متقبل گردید و بلاخره در سال ۹۰۶ هجری قمری در شهر هرات وفات نمود و در همانجا به خاک سپرده شد. آثار امیر علی شیر نوایی:

- ۱- دیوان نوایی به زبان دری، که دارای دیباچه مفصل و بیش از شش هزار بیت است.
- ۲- مفردات معما به زبان دری: این اثر جهت استفاده شاگردان خورد سال نوشته شده است.

- ۳- تذکره مجالس النفايس به زبان ترکی.
- ۴- رساله میزان الاوزان
- ۵- پنج مثنوی به تقلید خمسه نظامی به زبان ترکی و مثنوی دیگرش به نام لسان الطیر به سبک منطق الطیر عطار است .
- نمونه سخن :

مرد را یک منزل از ملک فنا دان تا بقا
مهر را یک روزه راه از باختر تا خاور است
بر مکش تیغ زبان هردم کزین رو شمع را
سر بر ندارد چه به سر از شعله زرین مغفر است
بیگنه را ساختن آورده از زخم زبک
ناتوان کردن رگ بی رنج را از نشتر است
ره سوی حق بیحد اما هست اقرب راه فقر
بهر آن کالقهقر فخری گفته پیغمبر است
مرد کاسب را زرنج دست بر کف آبله
شد دلیل گوهر مقصود که اش دست اندر است
اهل همت را زنا همواری گردون چه پاک
سیر انجم را چه غم کاندز زمین جوی و جر است



سلطان حسین باقرا از شاهزاده گان گورگانی بود که ابتدا تحت حمایت میرزا الیغ بیگ به سر میرد. پس از کشته شدن میرزا الیغ بیگ، با ابوالقاسم بابر پیوست و در سال ۸۶۲ هجری استرآباد را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی رسید، بعد از مرگ سلطان ابو سعید هرات را گرفت.

سلطان حسین باقرا از شاهان دانشمند و علم دوست بود؛ زیرا دربار او در هرات مرکز علم و ادب گشت، شاعران و نویسندگان به آنجا رو آوردند و مورد تشویق قرار گرفتند. سلطان حسین شخصاً علاقه وافرایی به علم و ادب داشت و کتاب مجالس العشاق را به او نسبت می دهند.



پسوندهای صرفی: که در آخر فعل، صفت و یا اسم آمده گردان های مستقلی را بوجود می آورند. پسوند های صرفی عبارتند از:

- ۱- پسوند های فاعلی با ریشه شماره (۱): ام، ایم، ی، ید، اند؛ مثلاً: نویسیم، نویسی، نویسید، نویسید، نویسند.
- ۲- پسوند های فاعلی با ریشه شماره (۲): ام، یم، ی، ید، صفر، اند؛ مثلاً: نوشتم، نوشتیم، نوشتی، نوشتید، نوشتند.
- ۳- پسوند های فاعلی با صفت: ام، یم، ی، ید، مثلاً: آگاهیم، آگاهی، آگاهید، آگاهست، آگاهند.
- ۴- پسوند های اضافی که با اسم بیایند و نشانه های آن همان پسوند های مفعولی باشند؛ مثال: کتابم، کتابت، کتابتان، کتابش، کتابشان.
- ۵- پسوند های جمع/ان، ها، یان، گان، مثال: زنان، مردان، درختها، خانه ها، دایایان، پرنده گان ...
- ۶- پسوند های تصغیر: اک، اکه، چه، یچه، مثلاً: پسرک، مردک، ، باغچه، دریچه



امیر نظام الدین علی شیر نوایی یکی از چهره های تابناک علمی و فرهنگی کشور ما به شمار می رود. وی در شهر های هرات، مشهد و سمرقند به تحصیل فقه و نحو پرداخت و در زمان سلطان حسین بایقرا وزیر شد. او به زبانهای دری، ترکی و ازبکی آثار زیادی ایجاد نموده است، که شامل دیوان شعر، رساله میزان الاوزان و پنج منظوی می باشد.

پسوند های صرفی آنست که در آخر فعل، صفت و یا اسم آمده گردان های مستقل را بوجود می آورند؛ مانند: ام ، ایم، ی، ید، اده، اند.



بشنو و بگو

به پرسشها پاسخ مناسب ارائه نمایید:

۱. امیر علی شیر نوایی در کدام سال و در کجا تولد گردید؟
 ۲. درمورد تحصیلات امیر علی شیر نوایی چه می دانید؟
 ۳. آثار امیر علی شیر نوایی به کدام زبانها بوده است؟ از آنها نام ببرید.
 ۴. اندیشه های سیاسی و اجتماعی چگونه در آثار امیر علی شیر نوایی بازتاب یافته است؟
 ۵. پسوند های صرفی چگونه پسوند ها را گویند؟
 ۶. پسوند های فاعلی با ریشه شماره (۲) کدام پسوندهاست؟
- گفت و شنود**
- * شاگردان دو نفر باهم در مورد شخصیت امیر علی شیر نوایی مباحثه نمایند.
 - * شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و از هر دسته یک نفر از دسته مقابل در مورد شعر خوانده شده سؤال نماید و نکات مهم آنرا بشمارد.

بخوان و بنویس

* بیت زیر را خوانده و مفهوم اساسی آن را در سه سطر بنویسید و سپس برای همصنفان تان بخوانید:

اهل همت را زنا همواری گردون چه باک
سیرانجم را چه غم گاندر زمین جوی و جرست

* جواب درست را نشانی کنید:

۱- امیر علی شیر نوایی وزیر یکی از این شاهان بود:

الف- سلطان محمود غزنوی

ب- سلطان غیاث الدین غوری

ج- سلطان حسین بایقرا

۲- کدام یک از این آثار از امیر علی شیر نوایی است؟

الف- مثنوی معنوی

ب- منطق الطیر

ج- میزان الاوزان

* در کلمه های: خواندم، نوشتی، رفتیم، بردند و دید، پسوند های صرفی را نشان دهید.



۱. شاگردان کلمه هایی بنویسند و در آن پسوند های اضافی، جمع و تصغیر را نشان دهند.

۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

درخود آن بد را نمی بینی عیان ورنه دشمن بوده ای خود را به جان
مومنمان آیینۀ همدیگر اند این خبر از پیمبر می آورزند

مولانا جلال الدین بلخی



درس بیست و چهارم

منار جام



آگاه ساختن شاگردان از ارزش هنری و تاریخی منار جام و تقویت مهارت های زبانی آنان هدف درس است. در حدود ۳۰۰ سال قبل از امیر علی شیر نوایی یا دوره زینسلس شرق منار جام با سرانگشتان سحر آفرین معماران اسلامی هستی یافت. شاگردان عزیز، آیا می دانید که منار (۶۳،۳) متری با عظمت کشور ما چه نام دارد؟

منار جام، یکی از شاهکارهای با عظمت و پر شکوه هنر معماری دوره اسلامی افغانستان است که بعد از منارهای دهلی و بخارا از بزرگترین منارها در جهان به شمار می رود. این منار با شکوه و تاریخی در ۶۲ کیلومتری شمال شرق ولسوالی شهرک ولایت غور، در قریه بی موسوم به جام یعنی زاویه تلاقی دریای جام و هریرود موقعیت دارد. بلندی این منار (۶۳،۳) متر است. منار جام بعد از قطب منار دهلی که (۷۳) متر و منار بخارا که (۶۵) متر ارتفاع دارند، از بزرگترین و با عظمت ترین منارهای جهان می باشد. بانی و مبتکر این منار تاریخی کشور ما در ولایت غور، سلطان غیاث الدین غوری است که بزرگترین شاه سلسله غوریان بود. این سلطان که چهل سال سلطنت کرد، منار جام در دوره وی بین سالهای (۱۱۹۳-۱۲۰۲ م) (۵۷۲-۵۸۱ هـ. ش.) اعمار گردید. به خاطر باید داشت که قدامت تاریخی اعمار این منار نسبت به قطب منار و بخارا برتری دارد.

تا سال (۱۹۵۷ م) از موجودیت چنین بنای تاریخی و هنری در غور افغانستان مردم جهان آگاهی نداشتند. بعد از آنکه اندره ماریک بلجیمی در آن سال این منار را دید، جهانیان از طریق مطبوعات به این اثر بزرگ هنری- تاریخی آگاهی حاصل نمودند، سپس توسط دانشمندان ایتالیایی بالای آن تحقیقات صورت گرفت و در سال ۱۳۵۵ هـ. ش. این منار به خطر مواجه گردید. از طرف یونسکو برای حفظ این اثر تاریخی کار اساسی صورت گرفت و دیوارهای استحکامی برای آن اعمار گردید. جالب بودن این ساختمان در آن است که قسمت پایین آن را زیبا کاری ها طوری پیچانیده که منار را در نظر انسان کوچکتر از آنچه که هست جلوه می دهد. نظر فریبی این منار باشکوه چنان است که هیچ نقطه آن زاید به نظر نمی آید. منار جام مایه افتخار برای مردم افغانستان است و یکی از آثار با ارزش تاریخی و هنری کشور ما به حساب می آید. این اثر با ارزش در سال ۲۰۰۳ م. (۱۳۸۲ هـ. ش.) در جمله میراث های فرهنگی جهان حساب گردید.



منار به معنای محل نور، جای روشنایی و چیز بلندی را گویند که بر آن چراغ افروزند و در مساجد محل آذان را گویند و نیز منار را وسیله راهنمایی مسافران بحری و کشتی رانان می پندارند.
سلطان غیاث الدین غوری فرزند محمد ابو الفتح بن سام غوری بین سالهای (۵۹۵-۵۵۸ هـ . ق.) سلطنت کرده بود.



ضمیمه کلمه بی است، که در جمله جای اسم را می گیرد و برای جلوگیری از

تکرار اسم استعمال می شود؛ مانند:

۱. پرویز خسرو را دید و به او گفت.

در اینجا (او) به جای (خسرو) گفته شده است و اگر چنین نمی بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم پرویز خسرو را دید و به خسرو گفت.

در زبان دری، ضمیر به سه نوع است:

۱. **ضمیر شخصی**: که برای متکلم، مخاطب و غایب به کار می رود.

۲. **ضمیر مشترک**: ضمیری است که برای مفرد و جمع هر سه شخص یکسان استعمال می شود؛ و عبارتند از:

(خود)؛ مانند: من خود دیدم، ما خود دیدیم، تو خود دیدی، شما خود دیدید، او خود دید، آنها خود دیدند.

- (خوبش)؛ مانند: او خوبش را رها نید. (خوبشتن)؛ مانند: به چشم خوبشتن دیدم.
۳. ضمیر اشاره: ضمیری است، که کسی یا چیزی را با اشاره بیان کند و آن از دو کلمه (این) و (آن) تشکیل می شود.
- (این) برای اشاره نزدیک و (آن) برای اشاره به دور آمده است؛ مانند:
۱. از میان گل‌های باغ این گل را پسندیدم.
 ۲. ستاره گان را نگاه کن، آن یکی از همه زیباتر است.



منار جام یکی از شاهکارهای هنری و تاریخی جهان است که در نقطه تلاقی دریای جام قره جام و هریرود بنا یافته است. این اثر بزرگ معماری اسلامی (۶۳، ۳) متر ارتفاع دارد و بین سالهای (۵۱۱-۵۷۳ هـ. ش.) اعمار گردیده است.

این اثر هنری و تاریخی افغانستان را جهانیان بعد از سال ۱۹۵۷ م. شناختند؛ زیرا در همین سال مطبوعات جهان به معرفی آن پرداخت.

ضمیر واژه بی را گویند که به منظور جلوگیری از تکرار اسم بوده جانشین آن می گردد.





بشنو و بگو

شاگردان به این پرسش‌ها پاسخ‌های دقیق ارائه کنند:

۱. منار جام بعد از قطب منار دهلی و منار بخارا در مقایسه با منار های جهان چه برتری دارد؟

۲. مبتکر اعمار منار جام کی بود و منار جام از کدام لحاظ اهمیت دارد؟

۳. کدام خصوصیت ساختمانی منار جام جالب بودن آنرا نشان می‌دهد؟

* صحیح‌ترین جواب را انتخاب نمایید:

منار جام بخاطری ارزش دارد که:

الف- یک اثر تاریخی است. ب- یک اثر معماری است. ج- هر دو صحیح است.
منار جام هم اکنون:

الف- ویران شده است. ب- نیمه ویران شده است. ج- هیچکدام

گفت و شنود

شاگردان پیرامون منار جام و سایر بناهای تاریخی با هم محاوره کنند.

بخوان و بنویس

شاگردان جاهای خالی جمله‌های زیر را پر کنند:

۱- منار جام بعد از منارهای و از بزرگترین منارهای جهان است.

۲- سلطان غیاث الدین مبتکر ساختمان منار جام بود.

۳- ضمیر کلمه بی است که به منظور و جانشین اسم می گردد.

• شاگردان پاسخ هر سؤال را در کتابچه های خود بنویسند:

۱- منار جام چه ارزش برای ما دارد؟

۲- مردم جهان چه وقت و چه گونه به منار جام آشنایی حاصل کردند؟



شاگردان یک فهرست تهیه کنند که منار جام در پهلوی کدام آبدات تاریخی ارزش های هنری و تاریخی دارد؟



درس بیست و پنجم

ادیسن مخترع نامدار جهان



آشنا شدن شاگردان با مخترع مشهور جهان و تقویت مهارت‌های زبانی آنها هدف درس است. در درس های گذشته با مخترع ماشین چاپ آشنا شدید که با تلاش و کوشش های زیاد ماشین چاپ را اختراع کرد. اکنون با یکی از دانشمندان معروف که برق را اختراع کرده است آشنا می شوید. آیا میدانید که برق را کی اختراع کرده است؟

یکی از شخصیت های برجسته و مشهور جهان که خدمت بزرگی را برای بشر انجام داد و برق را اختراع کرد؛ توماس آلوآ ادیسن است. وی در میلان ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد. ادیسن از کودکی متجسس و کنجکاو بود و همیشه سؤال می کرد. این سؤال کردن دایمی او معلمش را به ستوه آورد؛ طوری که پس از سه ماه آموزش او را به عنوان یک بچه کودن، از مدرسه اخراج کردند و مادرش که خود آموزگار بود، تعلیم و تربیه او را به عهده گرفت.

ادیسن در ده سالگی در زیر زمینی خانه خود آزمایشگاهی ساخت و برای تهیه وسایل آزمایش به فروش روزنامه و شیرینی مشغول شد. او تا یک سال به این کار ادامه داد و در اوایل سال ۱۸۶۱ م. جنگ داخلی امریکا شروع شد و مردم مشتاق بودند اخبار جنگ را بشنوند. ادیسن در این وقت از فرصت استفاده کرد و مشغول چاپ روزنامه مخصوص به خود شد. او فقط با ۱۲ دالر یک ماشین چاپ دستی خرید و مقداری کاغذ هم تهیه کرد و با همین وسایل ساده شروع به چاپ روزنامه نمود.

ادیسن چون انسان زحمتکش و پرتلاش بود در سال ۱۸۸۷ م. گرافون را اختراع کرد و در سال ۱۸۸۹ م. کمره عکاسی تصاویر متحرک را به وجود آورد. وی اختراعات زیادی نموده است. در جهان ۲۵۰ اختراع به نام او ثبت است. در سال ۱۸۸۹ م. یک نمایشگاه بزرگ بین المللی که در پاریس برگزار شد، یک قسمت آن اختصاص داشت به اختراعات و اکتشافات بزرگترین مخترع جهان توماس آلوآ ادیسن که تمام دست آورد های او به نمایش گذاشته شده بود.

اینکه چقدر ادیسن، روی اختراعات خود زحمت می کشید از همین حقیقت آشکار می شود که برای اختراع لامپ برق ۴۰۰۰ بار به آزمایش پرداخت و خدمت بزرگ برای بشریت انجام داد و توانست برای پیشرفت جامعه انسانی سهولت فراهم

نمایند. او نابغه بی بود که با سعی و تلاش زیاد و خسته گی ناپذیر برای جهان خدمات ارزشمندی انجام داد. از گفته های اوست: «نبوغ عبارت از ده در صد الهام و نود در صد عرق ریختن است.»

هر انسانی که زحمت بکشد و از استعداد خود به طور مثبت استفاده نماید؛ مانند: ادیسن در جهان صاحب شهرت گردیده و در جامعهٔ انسانی موثر واقع می گردد.



گرامافون: آله بی است، نوار را که آواز در آن ضبط شده به گردش در آورده و آواز را به گوش می رساند.

اختراعات: جمع اختراع به معنای آفریدن، چیزی نو را ایجاد کردن.

اکتشافات: جمع اکتشاف به معنای باز کردن، پرده برداشتن از چیزی که قبلاً وجود داشته؛ ولی بشر آنرا نشناخته باشد؛ مانند: کشف آتش توسط انسانها، کشف قانون سقوط اجسام به خاطر جاذبه.



ضمیر شخصی: آنست که جانشین اسم انسان گردد، از این که ضمیر نمودار شخص چه مفرد و چه جمع می باشد بنا بران تعداد آن به شش می رسد:

من: شخص اول مفرد
ما: شخص اول جمع
تو: شخص دوم مفرد

شما: شخص دوم جمع
او: شخص سوم مفرد
آن ها: شخص سوم جمع
ضمیر های شخص (ما) و (شما) را که جمع اند نباید دوباره جمع بست؛ زیرا جمع الجمع در زبان دری وجود ندارد اگر چه شاید در گذشته این دو ضمیر به کار رفته باشد آن هم در شعر. شاید نظر به ایجابات شعری بوده است و هر گاه ندرتاً در نثر آمده است خود دلیل اثبات و قانونیت آن شمرده نمی شود؛ طورمثال: (ماها) و (شماها) گفته نمی توانیم.



ادیسن امریکایی دانشمند مشهور جهان با اختراع برق خدمت بزرگی برای بشر انجام داد. وی انسان زحمتکش و پر تلاش بود و بر علاوه اختراع برق گرمافون و کمره عکاسی را نیز اختراع نموده است. در جهان ۲۵۰ اختراع به نام او ثبت است. ادیسن در اختراعات خود زیاد زحمت می کشید تنها در اختراع لامپ برق ۴۰۰۰ بار به آزمایش پرداخت.

ضمیر شخصی آنست که جانشین اسم انسان گردد.



بشنو و بگو

به پرسشهای زیر پاسخ دقیق ارائه نمایید:

۱- ادیسن کی بود و کدام چیز ها را اختراع کرده است ؟

- ۲- ادیسن در بارهٔ نوع چه گفته است؟
- ۳- چرا ادیسن در جهان معروف است؟
- ۴- ادیسن وسایل آزمایشگاه را چگونه تهیه می کرد؟
- ۵- ضمیر های شخصی کدام ها اند؟

گفت و شنود

- * شاگردان در مورد شخصیت ادیسن و اختراعات وی دو دو نفر با هم مباحثه نمایند.
- * شاگردان در مورد اینکه چگونه برای جامعهٔ بشری خدمت می نمایند. تصمیم شان را ابراز کنند.

بخوان و بنویس

- * شاگردان درس را خاموشانه بخوانند؛ سپس اختراعات ادیسن را لست نمایند.
 - * شاگردان اگر در مورد مخترعان و دانشمندان دیگر معلومات شان را بنگارند و از آنجمله بهترین نوشته را روی دیوار صنف نصب نمایند.
 - * جواب درست را انتخاب کنید:
- ادیسن دانشمند بزرگ از کدام کشور بود؟
- الف-** چین **ب-** هندوستان
 - ج-** روسیه **د-** امریکا
- از جمله اختراعات ادیسن این هاست:
- الف-** رادیو
 - ب-** تلویزیون
 - ج-** برق، گرامافون، کمرهٔ عکاسی
 - د-** کمپیوتر

با استفاده از ضمیر های شخصی من، تو و آن ها چند جمله بسازید.



* پیرامون اهمیت برق در زنده گی مقاله بی کوتاه بنویسید و در نوشته خود نشانه گذاری را مراعات نمایید .



لاله آزاد



پی بردن شاگردان به ارزش و اهمیت آزادی و تقویت مهارت های زبانی هدف درس است.

شاگردان عزیز، در درس های گذشته در باره صلح و امنیت معلومات حاصل نمودیم که زمینه ساز آزادی و آزاده گی برای انسان است در اینجا از زبان گل لاله در مورد آزادی که با ارزش ترین حق انسانی است، می آموزیم.
آیا می دانید که شعر لاله آزاد از سروده های کدام شاعر است ؟

من لاله آزادام خود رویم و خود بویم در دشت مکان دارم هم فطرت آهویم
آیم نم باران است، فارغ زلب جویم تنگ است محیط آنجا، در باغ نمی رویم
من لاله آزادام خود رویم و خود بویم
از خون رگ خویش گرزنگ به رخ دارم مشاطه نمی خواهد زیبایی رخسارم
برساقه خود ثابت فسارغ زمدد گام نی در طلب یارم، نی در غم اغیارم
من لاله آزادام خود رویم و خود بویم
هر صبح نسیم آید، بر قصد طواف من آهو بره گان را چشم از دیدن من روشن
سوزنده چراغ هستم در گوشه این مآمن پروانه بسی دارم سرگشته به پیرامن
من لاله آزادام خود رویم و خود بویم
از سعی کسی منت بر خود نه پذیرم من قید چمن و گلشن بر خویش نگیرم من
بر فطرت خود نازم، وارسته ضمیرم من آزاده برون آیم، آزاده بمیرم من
ابراهیم صفا



* محمد ابراهیم صفا شاعر معاصر کشور ماست. وی در سال ۱۲۸۵ هجری، شمسی در کابل تولد شد و تحصیلاتش را در افغانستان و هندوستان به پایان رسانیده و به زبانهای انگلیسی، اردو، عربی و فرانسوی به تألیف و ترجمه پرداخت. دنیوانی از اشعار او به نام (نوای کوهساران) منتشر شده است.

* گل لاله به خاطر رنگ سرخش در شعر پارسی گاهی نماد اشک خوین یا چهره معشوق آمده است و گاهی هم به جهت خالهای سیاه بین گل برگرایش به عنوان نماد عاشق دلسوخته تصویر گردیده و اما ابراهیم صفا در شعری که در قالب مخمس سروده است به لاله وحشی صفت آزاده گی و وارسته گی داده است؛ زیرا آن گل در دشت و صحرا می روید و نیازمند آب دریا و نرمی یا سختی زمین نیست.

قواعد دستوری



ضمیر اشاره: ضمیری است که کسی یا چیزی را به اشاره بیان کند و آن از دو کلمه « این » و « آن » تشکیل می شود. « این » برای اشاره نزدیک به کار می رود و « آن » برای اشاره به دور؛ مانند: از میان گل‌های باغ این گل را پسندیدم.
- ستاره گان را نگاه کنید، آن یکی از همه زیباتر است.
توجه: اگر قبل از ضمیر « این » حرف « ب » باشد، بجای همزه حرف «د» قرار می گیرد؛ مانند:

بدین رواق زبرجد نوشته اند به زر که جز نیکویی اهل کرم نخواهد ماند
حافظ

خلاصه درس



در درس لاله آزاد شاعر خواسته است تا خصوصیات گل لاله را به تصویر کشیده و انسان آزاده را به آن تشبیه نماید، انسانی که بزرگ ترین صفت او آزاده گی و وارسته گی است.

ضمیر اشاره کسی یا چیزی را به اشاره نشان می دهد و آن از دو کلمه « این و آن » تشکیل می شود.

فعالیت ها



بشنو و بگو

- * پرسشهای زیر را دقیق شنیده و پاسخ مناسب ارائه کنید:
 - ۱. محمد ابراهیم صفا شاعر کدام دوره است؟
 - ۲. در شعور، گل لاله به چه تشبیه شده است؟
 - ۳. ضمیر اشاره چیست؟
 - * دقت کرده انتخاب کنید
- شعر لاله آزاد در یکی از این موارد سروده شده است:

الف - کار و کوشش

ب - علم و دانش

ج - آزاد زیستن و به خود متکی بودن

محمد ابراهیم صفا شاعر

الف - ایرانی است

ب - افغانی است

ج - هندی است

* چند شاگرد متن شعر درس را بخوانند و معنی کنند.

گفت شنود

* شاگردان در مورد مفهوم اساسی متن در گروه‌ها مباحثه نموده از هر گروه یک نفر نتیجه مباحثه خود را به دیگران بیان نماید.

* یک شاگرد یک مصراع شعر را بخواند و شاگرد دومی آن را معنی کند.

* یک شاگرد سوانح ابراهیم صفا را به دیگران بیان کند.

بخوان و بنویس

* درس را بخوانید و خلاصه آن را به نثر بنویسید.

* واژه‌های مشاطه، ثابت، فارغ، چرخ و فطرت را در جمله‌های مناسب به کار برید.

* ضمیر اشاره را در این جمله‌ها نشان دهید:

این کتاب خیلی پر محتواست.

خندید و آن را گرفت.

آن قلم خیلی زیباست.

به ناتوان کمک کنید.



کارخانه‌ی

* شاگردان جمله‌های بنویسند که در آن ضمیر اشاره به کار رفته باشد. همچنان ابیات شعر را به خاطر بسپارند.

دختر کوچی



در درس گذشته شعر لاله آزاد را خواندیم که لاله، گل خود روست در دشتها و دامنه های کوه در فصل بهار می روید. در دامن این دشتها و کوها کوچی ها زنده گی آزاد و با صفایی دارند. اکنون در داستان دختر کوچی می خوانیم که چقدر زنده گی آنها در دامن طبیعت زیباست و چقدر با علاقمندی آنها زنده گی می کنند. آشنایی شاگردان با داستان و نثر معاصر دری هدف درس است. آیا شما با زنده گی کوچی ها آشنایی دارید؟

گل‌های خودرو در سرتاسر دشت شگفتنه و هوای صاف عطرآگین شده است. گویی از مشک و عنبر مثال دوست را بر صحرا نیشته اند. روزها خورشید و شبها مهتاب بهاری بر غزندی‌های پراکنده ایکه تا دامن در میان گل‌های زیبا و سبزه‌های با طراوت فرو رفته اند، روشنی خود را نثار می‌کنند.

روز چون جمعیت آزاد کوچیان پراکنده می‌شوند، نشاط و سرور چون صدای سرود جوانان تمام فضای دشت را پر می‌کند. شب، هنگامیکه پسران و دوشیزه‌گان به غزندی‌های شان باز می‌گردند و به دور آتش حلقه می‌زنند، آواز سرور و شادی از ساحه بی‌محدود به آسمان راه می‌کشند. این مردم فرزندان حقیقی طبیعت هستند و چون ما از دامن پر لطف مادر شان جدا نشده‌اند. طبیعت را معمور و آبادان، دشت و دامن را سرسبز و شاداب، ابرهای بهاری را پر آب، آسمان زمستان را صاف و بی‌ابر، رود خانه‌ها را مست، چشمه‌ها را خروشان، گل‌ها را زیبا و رنگین، سبزه‌ها را تازه و با طراوت، بوستان‌گاوها را پر از شیر و بره‌ها را فربه می‌خواهند. آرزویی جز این ندارند که همه چیز به آنچه خوش و زیباست، چنان باشد. به آهوی‌های دشت روبرو می‌شوند و عقیده دارند که نباید ایشان را آزرده، برکبوتران صحرایی فلاخن نمی‌زنند و معتقد هستند که شکار این مخلوقات بی‌آزار شگون بدی دارد. گرگ‌ها را عقوبت می‌کنند، زیرا از ایشان به بره‌های معصوم رنج می‌رسد. به سگ‌ها مهربان هستند، زیرا می‌دانند که این مخلوق، پاسبان ضعیف‌تر از خود است و احسان‌هایی که دیده است و زیبایی‌های وفادر هر نگاه‌او می‌درخشند. بیماری شتر آنها را اندوهگین می‌سازد. حتی از صدای زاغ خویشتن را به مرده خوشی مسرور می‌سازند. به عقایدی که امید و قوت می‌دهد و خیر و صلاح می‌آورد، نام خرافات و موهومات نمی‌گذارند. قلب شان آشنیان راستی و محبت و سینه‌شان خانه‌ی صفا و معصومیت است.

زنده‌گی پر از ظرافت و ساده‌گی آنها در نزد ما خاطره است. کسی که چون من به جهان ایشان آشنا است، آشنایی شان را به جهانی نمی‌فروشد.

خاطرات من زنده می شود و بیاد کاروان هایی می افتم که دیگر کوچ کرده و جز صحرای بایری از خود به جا نگذاشته اند. خاطرات شیرینی دارم که روزگار کودکی پر از سرور من آنرا ربوده؛ ولی باز هم سیل تند زمان نتوانسته است، نقش آن را از صفحه قلب من بزداید. هرگز نمی توانم فراموش کنم هنگامی که در حلقه کودکان همسال خود داخل می شدم، مرا چسان مانند سرور و شادی کودکانه با تعارفات ساده و طفلانه استقبال می کردند. پیرزنی که بیش از هشتاد بار بهار گلهای صحرائی را دیده بود، با چه مهر و لطفی از تخم های ماکیان سیاه محبوبش به من تحفه می داد. شوهرش رئیس قبیله بود و برای آن که مرا خوش و آن تحفه را گرامی تر ساخته باشند، با تبسمی پدرا نه و پر از شفقت می گفت: اینها را از من پنهان کرده و برای تو نگهداشته بود. نواده کوچکش به حسرت به طرف تخم ها می دید. امروز می توانم حس کنم که از نگاه این کودک همسال من برق رشک می جست. او تنها بچه بی بود که از رفتن من به غزندی خوش نمی شد؛ زیرا من در نزد او دزدی بودم که نوازش آن زن و شوهر مهربان را که مال خاص نواده شان به شمار می رفت، از او می ربودم. وقتی به خانه مراجعت می کردم، دوشیزه گان جوان هر یک دسته بی از گلهای صحرائی و بسته های خوشبو بسته به من می دادند تا در خانه به خواهر خوانده های شان ببرم. آن وقت به آوردن تحایف به ایشان چقدر مسرور بودم؛ ولی امروز حس می کنم که تحفه بی که از خانه خود به ایشان می بردم، در مقابل ارمانی که ایشان از دشت به خانه ما می فرستادند، چقدر عادی، ناچیز و کوچک بود.

سه روز از وقت باربندی گذشته است؛ ولی هنوز همین که سکوت و ظلمت شاهگاهان بر روی گیتی پهن می شود، آواز عوعو سگ ها به گوش می رسد. آیا امسال کوچیان کوچ نمی کنند؟ این سؤال سرتاسر دهکده را پر کرده بود. عصر روز چهارم صدای دهل و غریو جوانان شنیده شد. آیا تمام قبیله برای شنیدن آواز معطل شده بود؟

دوشیزهٔ زنبایی که چهارده بهار در بین گلهای دشت گشت و گذار کرده بود، با جوانی که او را دوست داشت، نامزد شده بود. شب نامزدی سحر شد. همینکه سپیدهٔ صبح دمید، دوشیزهٔ جوان که تمام شب نخفته بود، برخاست. آینهٔ کوچکش را برداشته منتظر روشنی آفتاب بود تا بتواند قیافهٔ خود را ببیند. همینکه چشمش به آینه افتاد، دید که موهای سیاه و مشکین او را شب با خود برده و به جای آن سحر آینه او یکدسته موی های سپید آورده است! چند قطرهٔ اشک از چشمان او فرود آمد؛ ولی او جز سکوت چاره بی نداشت. برای آنکه حقیقت آن را بیوشاند، در پی آن افتید که بهانه بی جستجو کند و خجالت را از سیاه مویان و سفید مویان قبیله بیوشاند. همینکه آفتاب دنیا را به نور خویش سپید ساخت، در بین قبیله یکی به دیگری می گفتند: هر کس بر خلاف آیین نیاکان خویش کار کند چنین شود! چرا چند روز باربندی را معطل کردند؟ خوب شد موی دختر شان در یک شب سپید گردید! خدا غزدی های دیگر را از ارواح بد مامون نگهدار! زود باید کوچ کنیم تا بلا و گزند دیگری در قبیله نیاید.

دوشیزهٔ مو سپید آهسته آهسته در پهلوی شتر خویش راه می رفت. گلهای دشت دامن او را بو می کردند. صدای جرس روح او را محزونتر می ساخت. طوری قدم بر می داشت که گویی می افتند. شتر او از همه عقب مانده بود.

دو سال دیگر گذشت. جوان چندین سفر کرده و سرمایه بی اندوخته بود. دیگر یک غزدی و چند شتر داشت که با آن بتواند زنده گی نامزدش را تأمین کند. اسباب عروسی مهیا شد. جوانان و دوشیزه گان روی سبزه ها رقصیدند. غزدی بی را به فاصلهٔ کوچکی از دیگر غزدی ها به روی تپه بی زده بودند.

جوان برای مرتبهٔ نخست دید که موهای عروزش سپید است. بر روشنی مهتاب اعتماد کرد. دوشیزه جز اینکه مبدا حقیقت را از او بیرسد، خوف دیگر نداشت. پاسی از

سکوت شب گذشت. دوشیزه خود را به پای جوان افکنده فریاد کرد: من به تو خیانت نکرده‌ام!

جوان تکان خورد. در چشمانش شعله بی درخشید که سرپای او را سوخت؛ ولی ساکت ایستاده در حالت خوف، حیرت و حزن به عروسی می نگریست. شاید بیاد داشته باشی آن شبی را که مرا با تو نامزد کردند. تا آن شب من به تو خیانت نکرده بودم؛ ولی در همان شب ستاره گان برای من بدبختی آوردند. ظلمت آن شب روی مرا سیاه کرد. مهتاب همان شب بود که موهای مرا سپید نمود. سحرگاه، خورشید طلوع کرد. وقتی دختران جوان برای دیدن عروس آمدند، دیدند موهای او دوباره سیاه شده است.

عبدالرحمان پژواک



ضمیر از نظر ارتباط واژه ها به دو قسم است. یکی ضمیر منفصل و دیگر ضمیر متصل.

ضمیر منفصل: آنست که جدا از واژه نوشته می شود. ضمیر فاعلی (منفصل):

<u>اشخاص</u>	<u>مفرد</u>	<u>جمع</u>
متکلم (گوینده)	من رفتم	ما رفتیم
مخاطب (شنونده)	تو رفتی	شما رفتید
غایب	او رفت	آنها رفتند
ضمیر مفعولی (منفصل)	<u>مفرد</u>	<u>جمع</u>
اشخاص	مرا گفت	ما را گفت
متکلم (گوینده)		

مخاطب (شنونده)	ترا گفت	شما را گفت
غایب	او را گفت	ایشان را گفت



داستان کوتاه دختر کوچی بیانگر زنده گی آزاد در دامان طبیعت با همه زیبایی های طبیعی و صداقت و مهربانی کوچی ها می باشد؛ که چقدر با کوشش و تلاش زنده گی می کنند؛ زنده گی شان پر از ظرافت و ساده گی است و قلب شان آشنیان راستی و محبت.

ضمایر منفصل آنست که جدا از فعل نوشته می شود. مثلاً: من رفتم، ما رفتیم، او رفت، آنها رفتند و...



بشنو و بگو

به پرسشها پاسخ دقیق ارائه کنید:

- داستانی را که خواندید در باره چه بود؟
- داستان دختر کوچی اثر کدام نویسنده معاصر کشور ماست؟
- کوچی ها در دامان طبیعت چگونه زنده گی دارند؟
- از این داستان کدام موضوعات دلچسپ را دریافتید؟
- ضمیر از نظر ارتباط کلمه ها به چند بخش تقسیم شده اند نام بگیرید؟

- ضمیر منفصل فاعلی چگونه ضمیر است؟ مثال بیاورید.
- اگر قصه و یا خاطره بی از کوچی ها به یاد داشته باشید برای همصنفان تان بیان نمایید.
- آیا به خواندن داستان علاقه دارید؟ کدام داستانها را بیشتر مطالعه می کنید؟

گفت و شنود

- دو دو شاگرد درباره داستانی که خواندند باهم مباحثه نمایند.
- شاگردان به دو دسته تقسیم شده هر دسته از جانب مقابل در باره ضمیر های منفصل سوالاتی طرح نمایند.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید سپس واژه هایی که برایتان مشکل است بیرون نویس نموده با کمک معلم صاحب معنی آنرا دریابید.
- داستان را قطعه قطعه چند نفر به نوبت به آواز بلند بخوانید.

• جواب درست را دایره بکشید:

داستان دختر کوچی یکی از این نویسنده گان است:

- الف -** سیوژی زریاب
- ب -** پروین پژواک
- ج -** محمود طرزی
- د -** عبدالرحمن پژواک
- ضمیر های منفصل ضمیر هایی را گویند که:
- الف -** جدا از واژه نوشته می شود.

- ب-** پیوست با واژه نوشته می شود.
- ج-** الف وب هردو نادرست است
- د-** هیچ کدام
- زیر ضمیر های منفصل خط بکشید:
- ۱- فرشته با او رفت.
- ۲- اکرم در باره کتاب شما را گفت.



* در داستانی که خواندید، ضمیر، ضمیر های منفصل، کلمه های متضاد و کلمه های مترادف را دریابید و در نتیجه های خود بنویسید.



درس بیست و هشتم

اسراف



آگاه نمودن شاگردان از پیامدهای ناگوار اسراف در زندگی و تقویت مهارت های زبانی هدف درس است.

در درس های گذشته شما با اضرار چرس آشنایی حاصل نمودید و دانستید که امروز یکی دیگری از عوامل ناهنجاریهایی اجتماعی را می خوانیم که این خود نیز ضربه شدیدی بر پیکر اقتصاد فرد، خانواده و جامعه وارد می نماید.

آیامی دانید که این عامل چیست؟

شما از کلمه اسراف چه می فهمید؟ اگر پدری بیشتر از معاش ماهانه خود پول خرج می کند و با بر چیزهای غیر ضروری پول می دهد، اسراف کار است و اسراف کرده است. اگر مادری بیش از ضرورت خانواده خویش غذا می پزد و آنگاه غذا را دور می ریزد. اسراف کار است و اسراف کرده است. شاگردی که تمام پول جیب خرج خود را به یکباره گی خرج می کند و فکرضروت های فردای خود را نمی داشته باشد، اسراف کرده و اسراف کار است. از آنچه گفتیم چنین معلوم می شود که اسراف زیاده روی و خرج کردن بدون سنجش و عقل است. حالا که معنای اسراف را فهمیدید، به حکایت زیر توجه کنید:

می گویند سال ها پیش آن وقت که بلخ یک شهر آباد بود، در آنجا سوداگری به نام ادهم زنده گی می کرد که از راه سوداگری بسیار طلا و نقره ذخیره کرده بود و تنها وارث او پسری به نام ابراهیم بود. ابراهیم که نمی دانست پدرش با چه زحمت ها داری خود را اندوخته است، فکر می کرد که دولت فراوان پدرش بدون کار و کوشش به دست آمده است. از همین جهت در برابر مال پدر بسیار بی پروا بود.

روزی ابراهیم دوستانش را در باغ خود مهمان کرده بود، که ادهم (پدرش) وارد باغ شد، دید که پسرش سکه های طلائی را در آب می اندازد و مهمانان خود را در حوض می اندازند، تا آن سکه های طلائی را برای خود بیرون بیاورند. ادهم که این اسراف پسر نازدانه خود را دید در اندیشه فرو رفت که اگر بعد از مرگ او داراییش به دست پسر اسراف کارش بیفتد در چند روز محدود تمام ثروت او را بر باد می دهد. شب تا سحر ادهم را خواب نبرد و در فکر آینده پسر خود بود. در همین وقت به یاد دوست بسیار هوشیار و با تجربه خود (محب) افتاد و تصمیم گرفت که موضوع ابراهیم را با او در میان بگذارد و از او چاره جوئی کند.

فردای آن شب به دیدار دوست خود محب رفت و آنچه را از ابراهیم دیده بود، برایش حکایت کرد. محب برایش گفت: «دوست عزیز، تو پسر ت را بسیار نازدانه بزرگ کرده ای. او تا امروز نمی داند که یک لقمه نان به چه مشکلات به دست می آید. من پسر ترا از سر باید تربیت کنم و این کار کم از کم دو سال وقت کار دارد. تو سر از فردا پسر ت را به من تسلیم کن و کاری به کارش نداشته باش. من فردا با کاروانی که تو به سوی هرات می فرستی سفر می کنم و ابراهیم را با خود می برم، تو در این یک سال با من هیچ کاری نداری، بعد از یک سال پسر ت را به تو تسلیم می کنم و تو آن وقت ابراهیم را جوانی دیگر خواهی یافت.

ادهم پیشنهاد دوست خود را قبول کرد و ابراهیم را با او به سفر فرستاد. کاروانی که ابراهیم با او همراه بود روز و شب به سوی هرات در سفر بود. ابراهیم که رنج سفر نیازموده بود در هر منزل تا ناوقت می خوابید و تا اهل قافله او را بیدار نمی کردند از خواب بیدار نمی شد، تا این که کاروان در بیرون شهر هرات رسید. صبح وقتی کاروان برای سفر به سوی شهر آماده می شد؛ ابراهیم به عادت هر روزه خواب بود. محب به همراهانش گفت: که او را از خواب بیدار نکنند و کاروان بدون ابراهیم حرکت کند. ابراهیم را در خواب رها کردند و کاروان به سوی هرات رفت. محب کاروان را نیز از راه دیگری به سوی بلخ فرستاد و خود از دور مراقب ابراهیم ماند. در دشت آفتاب بلند شده بود، که ابراهیم از خواب بیدار شد و نشانی از کاروان ندید. به دنبال نقش پای کاروان به راه افتاد و خود را به شهر هرات رساند.

در هرات نشانی از کاروان نیافت و از سوی دیگر گرسنه گی و تشنه گی بسیار آزارش می داد. غرور او برایش اجازه نمی داد که دست گدایی به سوی کسی دراز کند. گرسنه گی او را مجبور ساخت که در یک کاروانسرا برود و از صاحب آن تقاضای کار کند. کاروانسرا دار برایش گفت: «اگر تو صبح و شام کاروانسرا را جاروب کنی و خاکروبه ها را بیرون شهر ببری من در برابر این کار برایت پنج درهم مسی صبح و پنج درهم مسی شام می دهم و شبها هم اجازه داری که در کاروانسرا بخوابی.» ابراهیم به خوشی این پیشنهاد را قبول کرد و مشغول کار شد. او صبح و شام کاروانسرا را جاروب می کرد و کثافات آن را بیرون شهر می برد و ده درهم مسی اجرت خود را می گرفت، او پنج درهم را غذا می خرید و پنج درهم را پس انداز می کرد. ماه ها گذشت و ابراهیم تمام درهم های مسی خود را تنها به یک دینار طلایی بدل کرده بود. هرشام که از کار فارغ می شد در کنار هربرود می نشست و بلند بلند با خود حرف می زد و می گفت: «خدایا! حالا می دانم که پول با چه مشکلات به دست می آید. من ماه ها کار کرده ام؛ ولی تنها یک سکه طلایی به دست آوردم، در بلخ روزهای جمعه در باغ خود ده ها سکه را در آب می انداختم، تا دیگران برای خود پیدا کنند و بگیرند. من اکنون باید کم از کم یک سال دیگر کار کنم تا یک سکه طلایی دیگر پیدا کنم و خود را به پیش پدر و مادر برسانم. خدایا! من تا چه اندازه نادان بودم، به خاطر این نادانی از پدر خود باید عذر بخواهم.»

محب که می دید ابراهیم آن جوانک نازدانه اکنون دیگر به یک جوان زحمتکش بدل گردیده و گرم و سرد روزگار را آزموده است برای پدرش نوشت: «دوست عزیز،

تا تو نزد من و ابراهیم به هرات می آیی یک سال بوره می شود و من ابراهیم را به تو باز می سپارم، بیا که من و ابراهیم هر دو بی صبرانه منتظر تو هستیم.»

ادهم که برای دیوار فرزند بیقرار بود و می خواست نتیجه کار محب را هر چه زود تر ببیند، بدون معطلی خود را به هرات رساند و محب را پیدا کرده گفت: «بگو که فرزندم ابراهیم کجاست؟» محب گفت: صبر داشته باش! من و تو شام به دیوار ابراهیم می رویم.» شام در کنار هریرود آمدند. ادهم جوانی نیرومند را دید که با سروریش رسیده در کنار رود نشسته و نان می خورد. محب برایش گفت: «همین جوان پسر تو ابراهیم است تو آهسته، آهسته برو، او در همین لحظه ها سکه طلائی خود را از جیب بیرون می آرد و با آن گپ می زند؛ تو از پشت او برو سکه اش را از دستش بریای و چنین نشان بده که آن را در دریا می اندازی، بین که او چه می کند.»

ادهم آهسته، آهسته رفت و سکه را از دست ابراهیم ربود. ابراهیم به شدت دور خورد و گریبان مردی را گرفت که سکه اش را ربوده بود؛ ولی با پدر خود روبرو شد که می خواست سکه او را به دریا بیندازد. ابراهیم به گریه افتاد و گفت: «پدر جان مرا بکش ولی حاصل این چند ماه زحمت مرا درآب مینداز!» پدرش خنده کنان جواب داد: «پسرم آخر من این اسراف را از تو آموختم، آیا آن سکه های طلائی را که در بلخ درآب می افکندی به یاد داری؟ من هم آن سکه ها را با سال ها زحمتگشی به دست آورده بودم.»

ابراهیم جواب داد: «می دانم، می دانم پدر! من هر روز چندین بار به خاطر آن کار، خود را ملامت کرده ام و در غیاب بارها از شما عذر خواسته ام و اینک در حضور شما عذر می خواهم.»

پدر و پسر با محب هر سه خوش و خوشحال به سوی بلخ باز گشتند. ابراهیم سوداگری بسیار مشهور شد و با دختر پادشاه بلخ عروسی کرد و پس از مرگ پادشاه چون وارثی دیگر غیر از ابراهیم نداشت ابراهیم به پادشاهی بلخ رسید تا وقتی که ترک پادشاهی گفت و به نام ابراهیم بن ادهم یکی از عرفای مشهور تاریخ اسلام گردید.



ابواسحاق ابراهیم بن ادھم بن منصور زید بن جابر بلخی از عرفا و زهاد نیمه اول قرن دوم هجری به شمار می آید. تولد او را حدود سال ۱۰۰ هجری روایت کرده‌اند. وی از امیر زاده گان بلخ بود که متحول شده و قدم به دایره سیر و سلوک نهاد. وی پس از ترک سلطنت، رو به صحرا نهاد. به گفته شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری، پس از ترک بلخ به نیشاپور رفت و مدت ۹ سال در غاری به عبادت و ریاضت پرداخت، سپس به مکه رفت و مجاورت خانه خدا را برگزید، سپس به شام رفت. اغلب مؤرخان تاریخ وقت او را سال ۱۶۰ یا ۱۶۱ قمری و قمرش را در بغداد یا شام می‌دانند.



ضمایر متصل یا پیوسته

آن است که به کلمه ما قبل خود پیوندند. به عبارت دیگر: آن است که با کلمه قبلی خود به شکل پیوسته نوشته شود؛ مانند: گفتم، گفتی. که در هر دوی این واژه‌ها، حروف «م» و «ی» ضمایر متصل به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱. ضمایر متصل فاعلی
۲. ضمایر متصل مفعولی
۳. ضمایر متصل اضافی یا نسبتی.



بشنو و بگو

- پیام اصلی درس را بیان نمایید.
- آیا گفته می‌توانید که اسراف برای فرد و جامعه چه ضرر‌هایی دارد؟ درباره آن صحبت کنید و ضرر‌های آن را یکی از شاگردان یادداشت نموده، در برابر صنف بخواند.

گفت و شنود

- دوتن از شاگردان داستان را به عبارت خود به دیگران قصه کنند.
- در گروه‌های چهار نفری در مورد دو پیام با ارزش متن درس باهم بحث و گفتگو نمایید، نتیجه سخنان را یک نفر نماینده از هر گروه، پیش روی صنف به دیگران بگوید.

بخوان و بنویس

- خلاصه درس را در پنج سطر بنویسید.
- متن درس را بخوانید و پنج ضمیر متصل را از آن بیرون نویس کنید.
- پنج جمله خارج از موضوع درس بنویسید، که در هر یک از آن جمله‌ها حد اقل یک ضمیر متصل به کار رفته باشد.



- هر یک از شاگردان موارد زیر را مطالعه کرده، از میان آن یکی را انتخاب کند و در باره آن مقاله‌یی بنویسد که کمتر از ده سطر نباشد.
- آیا در خانه‌های خود نمونه‌های اسراف را می‌بینید؟ مثال دهید.
- آیا مادر تان بیش از ضرورت اعضای خانه غذا می‌پزد و غذاهای اضافی را دور می‌ریزد؟ برای جلوگیری آن چه باید کرد؟
- آیا در خریدن چیزهای قیمتی زیاد روی می‌کنید؟ چگونه می‌توان از این عمل جلوگیری کرد؟



واژه‌نامه

آ

جوانمرد، دارای خوی آزاده گی
الف

سامان و آلات کار تیشبه، چکش و غیره
جمع واژهٔ تبعه و تبعه به معنای شهروند و اتباع شهروندان.
حاجتمندی و نیازمندی
ساختن چیزی که بیشتر مانند آن دیده نشده باشد.
آزار
نشان دادن، نمایاندن و پیشکش کردن
با ارزش
کسی را به کاری گماشتن، مقرر کردن، به خدمت خواستن
طلب دلیل کردن بر وزن استعمال و نیز دلیل آوردن.
پذیرایی کردن
متکی شدن به کسی و باور کردن
توجه، اهتمام
آغاز کردن، گشودن
جمع فلک، آسمان ها
نزدیک
بزرگ داشتن، گرامی داشتن، احترام کردن
گروهی از مردم، جماعت، پیروان یک پیغمبر
امانت دار، طرف اعتماد، درستکار،
پراگنده شدن، گسترده شدن، در اینجا نشر و پخش شدن مراد است.
جمع نجم به معنای ستاره گان
بند شدن
پیدا شدن، تصور کردن، خیال کردن
توهین کردن، تحقیر کردن

آزادمنش

ا برار
اتباع
احتیاج
اختراع
افیت
ارائه
ارزنده
استخدام
استیلا
استقبال
اعتماد
اعتنا
افتتاح
افلاک
اقرب
اکرام
امت
امین
انتشار
نجم
انساد
انگاشتن
اهانت

ب ترس و بیم، اندیشه و پروا
دلیل، حجت
پایدار ماندن
جمع بقیه، چیزی باقی مانده

باک
برهان
بقا
بقایا

پ حراست و نگهداری
خزان
کالبد، تن، هیكل
اتصال، پیوسته گی

پاسداری
پابیز
پیکر
پیوند

ت امنیت دادن، اطمینان دادن، برآورده ساختن
ادامه
فراهم آوردن
آراستن، زینت دادن
جمع تعارف، به یکدیگر خوش آمد گفتن، چیزی به هم پیشکش کردن
بوی بد
غذا دادن، غذا جذب کردن
فرق و اختلاف
به تدریج کامل شدن
سخن گفتن
تقسیم
فصل خزان

تأمین
تداوم
تدوین
ترین
تعارفات
تعفن
تعذیه
تفاوت
تکامل
تکلم
توزیع
تیرماه

ج نهر کوچک، رخنه در زمین.
حسن صورت، زیبایی
آشمنفته گی، دیوانه گی

جر
جمال
جنون

ح شعر، قصیده
حفظا
حفظا

حفظا
حفظا

چیزی را به کسی واگذار کردن یا محمول کردن
بخ

انگشتر

نام جایی در چین

نام قدیمی افغانستان، ایران و بخشی از آسیای میانه.

سخنان بیپرده و باطل

عقل، هوش

سخنی که روبرو به کسی گفته شود.

آفتاب

د

آگاه، زیرک و هوشیار

پول نقره بی

مشکلات

مردم سالاری

د

یک نوع قالب شعر، چهار مصراعی

پیشرفت، ترقی، زیادشدن

مراعات کردن، در متن درس در نظر گرفتن حفظ الصحه محیطی

تابش ، درخشش و زیبایی

ذ

نهایت سردی، شبنم برف مانند از فرط سردی.

جمع زاهد به معنای با تقوا و پرهیزگار

ژ

عمیق بین، خلاف سطحی نگر.

روزنامه نگار، روزنامه نویس

س

تشکیل، ترکیب ، ساختن

سردار، بزرگ قوم

آسمان

جمع سحبه، خلق و خوی، طبیعت

یک دوره صد ساله

چراغ

حواله

خانم

ختن

خراسان

خرافات

خرد

خطاب

خورشید

دانا

درهم

دشواری

دموکراسی

رباعی

رشد

رعایت

روفق

زهربربر

زهاد

ژرف بین

ژورنالست

ساختار

سالار

سپهر

سجایا

سده

سراج

فلز نرم و خاکستری رنگ که با اندک حرارت ذوب می شود.
کوشش
پول فلزی
گردش، رفتار
سُرب
سعی
سکه
سیر

ش

چوپان
زبانۀ آتش
گله، شکایت
چیز را دوست داشتن و رغبت داشتن به آن، خواهش نفس
شبان
شعله
شکوه
شهوت

ص

آتشی که از رعد و برق آسمان بوجود می آید.
راستی و درستی
پیروان طریقهٔ تصوف، اهل طریقت
شکارچی
صا عقه
صداقت
صوفی
صیاد

ط

خوی، عادت، سرشت و نهاد
داکتر
نقشه ریز، نقش افکن، افکننده
تازه گی و شادابی
بی ریزی کردن، افگندن.
طواف
طرب
طریح
طوائف

ع

قصد کننده، کسی که عزم کاری کند.
چیز های شگفتی آور
ناتوان شدن، درمانده گی
جمع عارف به معنای آگاه از رموز و دقائق
شیفته گان، عاشقان
روزگار و نزدیک غروب آفتاب
بد بویی ، گندیده شدن
سزای گناه، بدی و شکنجه
مرد دلیر، شجاع و خیررسان و آماده.
عازم
عجایب
عجز
عرفا
عشاق
عصر
عفویت
عقوبت
عیار

غربت
غرض
غنی

غ

دور شدن از شهر خود
هدف، نشانه تیر، قصد.
مالدار، بی نیاز

ف

فاسد

گنبدیده

فاضل

کسی که در علم و کمال افزون از دیگران باشد.

فانی

نیست شونده، ناپایدار

فر

شکوه و جلال

فرائر

بالا تر

فربه

چاق

فرد

بی همتا، بی نظیر، مقابل جمع

فرصت

وقت

فزود

بسیار، زاده، اضافه کرد.

فصل نامه

مجله بی که در هر سه ماه یکبار به نشر می رسد.

فطرت

سرشت طبیعی ، خوی و عادت

فعل

کار، عمل

فلاخن

پلخمان، رشته بی از نخ و با آن از جایی به جای دیگر سنگ می اندازند.

فنا

نیستی و نابودی

ق

قافله

گروه مسافر کاروان

قیاس

سنجیدن، اندازه کردن دو چیز از روی مشابهت

قیافه

چهره

ک

کاروانسرا

سرای بزرگ در داخل شهر یا در وسط راه برای پذیرایی کاروانیان.

کاسب

کسیه کار، پیشه ور.

کثافت

جمع کثافت ، ناپاکی و مواد گنبدیده

کرامت

بزرگی و جوانمردی، سخاوت و بخشنده گی.

کریم

سخی و بخشنده، بزرگ منش

کمال

آراسته گی صفات

کمین

جاییکه کسی به قصد از پا در آوردن دشمن یا شکار پنهان شود.

کنایه

کلمه بی که به معنای دیگری استعمال گردد.

خانه زنبور عسل و انبار و ذخیره گاه غله
دیرینه، قدیمی
کهن

گردون
گوهر
گیتی

ل

پست و ناچیز
نرم و نازک، مهربان
سخن نیکو و خوب که سبب خوشی گردد.
چیزی شبیه کاغذ که آن را از ریشه و ساقه گیاهان می ساختند.
لیف

م

مأمن
ماهیت
مبدأ
مبذول
مبرم
متحد
متحول
متداول
معتقد
مقتبل
مقنی
متین
منابه
مجاز
محدب
محزون
محل
محیط زیست
مدد کار
مردوب

جای امن، پناه گاه
حقیقت ، طبیعت، نهاد و سرشت
آغاز، اصل، مبادی جمع
انجام دادن، به عمل آوردن
محکم، ثابت، قاطع
یکی شونده
دیگرگون شونده، ازحالی به حالی تغییر کننده.
رواج داشته
اعتقاد و باور
قبول کننده
پرهیزگار، پارسا و نیکو کار
استوار
اندازه، درجه، منزلت
کلمه یی که در غیر معنای حقیقی خود استعمال گردد.
ضد مقعر، برآمده، بالا آمده
اندوهگین و اندوهناک
جای، محل، مکان
محیط زنده گی
یاری دهنده
پسندیده و خواسته شده

محکم، مقاوم، پابدار	مستحکم
عفیف، پوشیده در پرده	مستور
آرایش گر	مشاطه
کسی که سر گرم کار باشد.	مشغول
تشویق کننده	مشوق
شوخی و مزاح کردن	مطایبه
شناختن چیزی، شناسایی، علم و دانستن	معرفت
آبادان	معمور
شگاف عمیق در کوه	مغاره
زرهی که زیر کلاه خود بر سر می گذاشتند.	مقعر
جستجو کننده	مفتش
پیشوا، کسی که مردم از او پیروی کنند.	مقتدا
فرورفته، عمق دار، چتر	مقعر
تقویت کننده	مقوی
زن شاه، شهبانو	ملکه
جمع ملت	ملل
جمع مملکت	ممالک
محل پیدایش	منشأ
راه راست، راه روشن و آشکار	منهاج
جمع موهوم به معنای وهم و گمان	موهومات
ماه، مهتاب	مه
هدایت شده راه راست یافته	مهتلا
خورشید	مهر
کشنده	مُهلاک
ن	
نباید ترا	نبایدت
پیغمبری	نبوت
خیرات و قربانی	نذر
نقل کردن، کاپی گرفتن	نسخه برداری
باد ملایم، هوای خنک	نسیم
شادمانی، خوشحالی و خوشی	نشاط
جنازه، تابوت و میت نیز اطلاق می شود.	نفس

نیکو، خوب و مرغوب
سخنی که از کسی شنیده شده، به دیگران گفته شود.
قوی، پر زور

نفیس
نقل
نیرومند

9

کسی که از متوفی پول و مال و ملک به میراث می برد. میراث خور.
بالا، بلند مرتبه
آنچه از جانب خداوند (ج) بر پیامبران الهام شود. پیام و نامه
بالا تو، آنسوتر
فراخ، پهناور
خاص

وارث
والا
وحی
ورای
وسیع
ویژه

هـ

دشت
کوچ کردن از وطن خود به جای دیگر
بد گویی و بر شمردن معایب کسی به طور کنایه و مجاز
دریایی است که ولایت غور را در نور دیده به هرات می رود.
مصارف، مصروف.
اراده قوی ، عزم

هامون
هجرت
هجو
هربرود
هزینه
همت

فهرست منابع و مآخذ

۱. بلخی، محمد حنیف، پرطاووس، تهران، ۱۳۸۱ هـ ش.
۲. برزین مهر، عبدالغنی، متون نظم تعلیمی، انتشارات دانش، پشاور، ۱۳۸۱ هـ ش.
۳. پژواک، عبدالرحمان، دختر کوچی (برگرفته از پروین پژواک، دختر عبدالرحمان پژواک) بخشی، علی آقا و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ هـ ش.
۴. حبیب، اسدالله، فرهنگ خلق، شماره ۳-۴، ۱۳۵۸ هـ ش.
۵. خانجی، خلیل الرحمان، موقعیت زن افغان
۶. خانلری، زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی، دری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ خدیویم، حسین، روز مادر، ناشر، شرکت نئی محمد حسین اقبال، تهران، دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، ۱۳۳۶ هـ ش.
۷. رحیمی نیا، مصطفی، زنده گینامه: بکصدو ده تن از شاعران، نویسنده گان و دانشمندان، انتشارات، جهان آرا تهران، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۱. سنا غزنوی، محمد اکبر، دستور زبان دری، انتشارات میوند، کابل، ۱۳۸۱ هـ ش.
۱۲. شریعت، محمد جواد، دستور زبان فارسی، چاپ سوم، انتشارات اساطیر ۱۳۷۶ هـ ش.
۱۳. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۳، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۸ هـ ش.
۱۴. ظهوری، ظهور الله، ترکیب حروف در نگارش فارسی، انتشارات، نیما، آلمان، ۱۳۸۲ هـ ش.
۱۵. عطار، شیخ فرید الدین، الهی نامه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.
۱۶. عشقوری، صوفی غلام نبی، کلیات (به کوشش عبدالحمید وهاب زاده) ۱۳۸۱ هـ ش.
۱۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، تهران، چاپ خانه سپهر، ۱۳۶۹ هـ ش.
۱۸. فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۲ هـ ش.
۱۹. فرخاری، احمد یاسین، دستور سخن، ۱۳۶۹ هـ ش.
۲۰. قویم، عبدالقیوم، تاریخ ادبیات معاصر افغانستان، ۱۳۸۵ هـ ش.

۲۱. گیوی، حسن احمد و حسن انوری (دکتورا)، دستور زبان فارسی
۲۲. مهرین، مهرداد، زنده گی، نامه معروفترین دانشمندان و مخترعان جهان، انتشارات، خشیار چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۵ هـ ش.
۲۴. مهرداد، محمود؛ (مترجم) فرهنگ جدید سیاسی، چاپ اول
۲۵. نیک پناه، منصور، نقش زبان فارسی در وحدت ملی، تهران، ۱۳۸۷ هـ ش.
۲۶. نفیسی، سعید، پور سینا، چاپ سوم، ۱۳۵۹ هـ ش.
۲۷. یمین، محمد حسین، دستور معاصر زبان پارسی دری، چاپ سوم انتشارات، میوند، کابل، ۱۳۸۲ هـ ش.
۲۸. قانون اساسی، ماده ششم
۲۹. با استفاده از دستنویس های محمد اسحاق نگارگر و محمد قسیم رهروان

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**